ژوندون

شنبه ۱۵ حمل ۱۳۶۰
٤ اپریل ۱۹۸۱
شماره دوم
سال سی وسوم















ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خـلق افغانستان ،رئیس شورای انقلا بـی وصدر اعظم ج،د،ا هنگامی کـــه نمایند گان اقوام احمـد ز ی،و زیـر و مـو سـی نیکــه وزیر ستان رادر قصر گلخانه مقـر شورای انقلابی بحضور پذ یر فته وبا ایشان صحبت می کند.

اختصار وقایع مهم

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغا- نستان ،رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهوری دمو کراتیـک افغا نستان ساعت چار بعد از ظهر **روزپنجشنبه ٦ حمل** بزرگان، موسفیدان ونمایند گان قوم احمد زی وز[یر] موسی نیکه وزیر ستان را برای ملا- قات در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفته ودر فضای [illegible] دوستانه وصمیمیت با ایشان صحبت کردند .

دافغا نستان د[illegible] کراتیک گوند دمرکزی کمیتی دعمومی منشی دافغا نستان دديموکراتیک جمهوریت دانقلابی شورا درئیس او صد را - عظم ببرک کارمل له خوا دجنوبـی افریقا دکمونست گوند دمر کـزی کمیتی دعمومی منشی په توگه دماب- هیداد تو کلوله امله دده په نامه دمبارکی پیغام لیږل شویدی .

* * *

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغا- نستان، ر ئیس شورای انقلابـی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغا- نستان روز ۸ حمل در مقر شورای انقلابی با هیات جبهه خلق بـرای آزادی فلسطین بریاست تی سیر - قبعه عضو بیروی سیاسی کمیتـه مرکزی ومسوول شعبه روابط بین- المللی کمیته مرکزی جبهه خلـق برای آزادی فلسطین ملاقات نموده ودر فضای دوستانه و صمیمانه بـا آن صحبت کردند .

* * *

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغا- نستان رئیس شورای انقلابـی و صدرا عظم جمهوری دموکراتیـک افغا نستان ظهر ۱۱ حمل هیـا ت عالیرتبه اتحاد شوروی بریاسـت سیمون اندر یو یچ سکاچکوف عضو کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد- شوروی ورئیس کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی برای همکاری اقتصادی با کشور هـای خارجی را در مقر شورای انقلا بـی پذیرفته با آنها در فضای نها یـت دوستانه وصمیمانه صحبت کردند.

دافغانستان دخلك دیمو کراتیـك گوند دمرکزی کمیتی دعمومی منشی دافغا نستان دديموکراتیك جمهوريت دانقلابـی شورا رئیس او صدر- اعظم ببرك کارمـل لخـوا دایران د اسلامی جمهوریت دجوړیدو دکالیزی له امله دهغه هیواد دجمهور رئیس جلالتماب ابوالحسن بنی‌صدر په نامه تهران ته دمبارکی تیلگرام مخابـره شویدی .



مدال طلایی جبهه خلق بـرای آزادی فلسطین موقعیکه تـو سطح تی سیر قبعه به پاس موضعگیـری فعال وانقلابی ببرک کارمل در قبال مسأله فلسطین با ایشان ا هـداءمیگردد.



دستگیرپنجشیری دولایتی گوندی کمیټو، دکابل ښار دگوندی ناحیو، دپوهنیزو سازمانونو ، دوسلـه وال پوځ، څارندوی او ددولتی اطـلاعاتو دخدماتو دتشکیلاتو دمسوولینو پـه دوهم سیمینارکی ویناکوی .

دافغانستان دخلك دمو کراتیـــك گوند دمرکزی کمیټی دسیاسی بیرو غری دانقلابی شـو را مـر ستیال اود صدر اعظم مـر ستیال سلطا- نعلی کشتمند دیو گوندی هیات پـه مشری د چکوسلوا کیاد کمونســـت گوند په شپاړسم کانگرس کـی د گډون لەپاره دحمل ۱۳ نیټه پراگ تەلاړ.

* * *

دولایتی گوندی کمیټو، دکابـــل ښار دگوندی ناحیو ،دپوهنـــیز و سازمانونو دوسله وال پوځ، څار - ندوی او ددولتی اطلاعاتو دخدما تود تشکیلاتو دمسوو لینو دویم سیمینار دحمل۱۳ لەغرمی مخکیدافغانستاند خلك دیمو کراتیك گوند دمر کزی کمیټی په مقر کی خپل کار ته دوا م ورکړ.

غونډه پەداسی حال کیچی دافغا- نستان دخلك دیمو کراتیك گوند د مرکزی کمیټی دسیاسی بیرو غړ ی او دگوند دمرکزی کمیټی منشی نور- احمدنور حاضر و دسیاسی بیرو د گوند دمر کزی کمیټی دسیاسی بیرو غړی او د گو نـد ی څا ر نی او کنترول دکمیسیون درئیس دستگیر پنجشیری پەوینا سره پیل شوه.

* * *

پرو توکول همکاری اقتـصادی و تخنیکی بین جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان واتحاد شوروی بتاریخ ۱۱حمل درعمارت کمیته دو لتیپلان گذاری عقد گردید.

* * *

دافغا نستان دخلك دیمو کراتیك گوند دمر کزی کمیټی دسیاسی بیرو غړی دانقلابی شوراغړی، دافغانستان دښځو ددیمو کراتیك سازمان رئیسه اودافغانستانددیمو کراتیكجمهوریت دسولی ،دوستی او پیوستون دټولنی رئیسه ډاکتره انا هیتا راتبزاد چی په عدنکی دآسیااو افریقا دپیوستون دسازمان په دیار لسمو غونډه وکـی دافغانستان ددیمو کراتیك جمهوریت دهیات په مشری دیمن دیمو کراتیك جمهوریت ته تللی وه دحمل۱۲ هیواد ته راغله .



سلطا نعلی کشتمند و سیمـون اندرویو یچ سکاچکوف حین امـضای پروتوکول همکاری اقتصادی بین ج.د. افغانستان واتحادشوروی .

پیک ژوندون

«ماکنون وظایف عمده، مبرم وجدی را درامرساختمان جامعهٔ شگوفان مرفه وخوشبخت پیشرو داریم . وظیفه همه افراد وطنپرستوخاصتاً منسوبین قوای مسلح قهرمان ما اینست تاهرچه زودترتمام نیروهای ضدانقلاب-درود اشرار صادر شده از خارج راسرکوب سازیم .»

ببرک کارمل

شنبه ۱۵ حمل ۱۳۶۰ ۴- اپریل ۱۹۸۱

دراین شماره

عاید ملی در سال ۱۳۵۹ به‌پیمانه ۱۱۶ر۹ ملیارد ارتقاء کرده است .

* * *

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

* * *

نوشخند ها ونیش خند هایی با هنر مندان

* * *

مو لا نا جلال الدین بلخی زاده توفان و شوریده عشق .

* * *

درسال ۱۳۶۰ به تعداد ۵۵ باب مکتب دیگر در مرکز و ولایا ت‌کشور تاسیس میگردد .

* * *

پسر لی او دهغه ذکر په پشتو شعر او شاعری کی .

* * *

زنان کشوربا سلاح علم ودانش مجهز می گردند .

* * *

بررسی مختصر از وضع ز نا ن در کشور .

* * *

مرگ نا به هنگام صدیق زرگر .

* * *

دباندو گ افکاراو زمو نږددوران واقعیت .

شرح روی جلد و پشتی چهارم .

هنر مندان اتحاد شوروی (به صفحه ۲۹ مراجعه شود)

تصحیح ضروری :

درشماره اول ، صفحه (۲)، ستون (۴)، سطر (۲۶) ۱۲۹۵ به۱۳۵۹- تصحیح گردد.

قانون جدید مکلفیت عسکری به نفع زحمتکشان ماست

پیروزی انقلاب شکو همندثور که نقطه عطف عظیمی است درتاریخ مبارزات آزا دیخوا هی مردم د لیر و قهرما ن ما ، برای نخستین باربه فرما نروا یی ار باب قدرت وستم پایان داده و حاکمیت سیاسی را از طبقه ستمگرفیو دال به طبقه‌مردم زحمتکش و ستمدیده کشور ما انتقال داد وهمه‌ضابطه هاومناسبات فرتوت وپو سیده دورا ن فیودا لی را دگر گون ساخته و مناسبات جدیدی را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نفع توده‌های وسیع مردم ز حمتکش و عذابدیده ما بنیاد نهاد که همه و همه حا فظ منافع خلقهای ملیونی و متضمن‌رفاه وسعادت مردم ما می باشد .

در ز مر ه ا قـد امـات نیك و کار های سود مند وانقلا بی که حزب و دو لت متر قی مادرجهت بهبود و ضع زندگی مردم و تنظیم امور حیا تی ز حمتکشان جا معه ما در بخش های گوناگو ن حیات اجتماعی آنها انجام داده است یکی هم ا نفا ذ قوا نین و مقرره ها ی دموکراتیك است البته مهمتر ازهمه اصول اساسی جمهو ری دموکرا- تیك افغانستان است که‌از جمله دست آورد های انقلاب ثوربخصوص مرحله نوین و تکا ملی آن محسوب گر د یده و بحیث قا نون اساسی مو قت کشور بشمار می‌آید درین‌قانون همه‌وجایب‌حقوق‌ومکلفیت های اتباع کشور آشکارا بیا ن گردیده و تکلیف ومسؤو لیت همه افراد کشور در آن روشن گردیده است .

قانون جدید مکلفیت عمو می عسکری که اخیرا به منظور فراهم آمد ن تسهیلات بیشتر در زمینه جلب و جذب اتباع کشور به‌صفوف قوای مسلح و تنظیم بهتر اموردفاعی کشور بخاطر دفاع ازدست آ ورد های انقلاب ثـور ، استقلال ملی وتما میت ار ضی میهن عزیزماتدوین گردید یگانه قانونی است که نسبت به قوانین مکلفیت عسکری گذ شته مزا یاو بر تری هایی داشته وانفاذ آن به نفع اکثریت زحمتکشان ما می باشد .

طوریکه درین قانو ن تصریح گردیده است دیگر آن مشکلات‌اداری وبورو کرا تیك که هنگام جلب‌و احضار بخد مت عسکری در سابق وجود داشت حل گردیده وتسهیلات زیادی در مورد مجلو بین عسکری فراهم آمده است . همچنان درین قانو ن دوره‌مکلفیت بخد مت‌عسکری تاسن چهل تعیین گردیده که شش سال کمتر از دوره مکلفیت‌درگذشته است ازمزایای دیگر قانون مکلفیت ،عسکری اینست که برای آنعده سربازان که بیش از میعاد معینه بخدمت عسکری دوام مید هند معاش کافی پرداخته می شود به این معنی که در سه ماه اول دوره اضا فه خدمت دو هزار و بعداز آن ماهانه سه هزار افغانی معاش در یافت می دارند که این خود یك عمل انقلا بی دو لت مرد می ما را نشا ن میدهد که همواره مشکلات ونیاز- مندی های مردم ز حمتکش ما را در نظر داشته وازین طریق کمك‌بزرگی به فا میل سر بازان دلیر و با شهامت ما مینماید .

خلاصه اینکه قانو ن مکلفیت جدید عسکری یك قانون دموکراتیك و عادلانه و به نفع ز حمتکشان ما بوده ومطابق احکام آن رسالت ومسؤولیت همو طنان ما بخصوص سربازا ن و مسؤو لین امور د فاعی کشورما را بیشتر ازهر وقت دیگر سنگین‌تر وباهمیت ترساخته است زیرا در ین مرحله حساس تاریخی ودرین شرایطی که دشمنان و طن وانقلاب ما به فعالیت های ضد انسانی و جنایات شان می افزایند ومی خواهند با تخریب، تحریك دهشت افکنی ، ترور واختنا ق سد راه پیشرفت و تر قی مردم وکشور ما گردند وظیفه و رسالت وطنپر- ستان صدیق و هم میهنان شریف‌و آگاه ما اینست که با استفاده‌ازین قانو ن جدید مکلفیت عسکری به صفوف قوای مسلح جمهوری دمو- کراتیك افغانستان ، این مدافع مطمئن انقلاب ، نوامیس ملی ،آزادی تمامیت ار ضی و استقلا ل کشور بپیوندند و مانند نیا کان خود با غرور و افتخار علیه تجاوز گرا ن مز دورا ن ا جیر و باند های ارسال شده از خار ج وهمه دشمنان رنگا رنگ وطن ومردم،از ا نقلاب ووطن خود آگا هانه، قا طعانه و قهرمانانه دفاع نمایند .

حزب ودولت درخدمت مردم

در جریان تقریباسه سالی که ازپیروزی انقلاب شکوهمند ثور می گذرد و بخصوص پس از پیروزی مرحله نوین وتکاملی انقلاب ثور روند تکامل جامعه ما بوضوح نمایانگر این حقیقت است که وحدت ارگانیك وهمه جانبه حزب ، دولت و مردم می تواند به اسرع وقت کشور مارا از حالت عقب ماندگی قرون وسطایی بیرون آورد ومردمان بلاکشیدهٔ ما رابهروز وخوشبخت سازد ، مظهربزرگ این ادعا را می توان از نتایج ثمر بخش این وحدت ضروری که بخصوص پس از پیروزی مرحلهٔ نوین وتکاملی انقلاب ثور عملا بوجودآمده مشاهده کرد .

برای مردم افغانستان سالهای پس از انقلاب و بخصوص پانزده ماه پس از پیروزی مرحلهٔ نوین انقلاب ثور سالهای آسان و بی‌درد سر نبود چه در حالیکه مردم شرافتمند ما بادل وجان وبا تمام نیرو مصروف ساختمان جامعهٔ نوین بودند وهستند ، در پهلوی سایر مشکلات ،دوام جنگ اعلان ناشدهٔ ارتجاع وامپریالیزم جهانی علیه افغانستان انقلابی موانع معینی را در راه رسیدن به بهروزی و نهز سیتی در مقابل مردم ما ایجاد کرده است واز همین سبب درساحهٔ تولید وانکشاف در کشور ما سکتگی های رخ داده است ولی باوجود این همه تلاشهای غیرانسانی ارتجاع وامپریالیزم توانسته ایم گام هایی درراه انکشاف اقتصادی واجتماعی برداریم . چنانچه یک تعداد پروژه های دولتی و مختلط توانسته است حجم تولیدات خود را درسال ۱۳۵۹ با مقایسه سال ۱۳۵۸ ازدیاد ببخشد ، به این‌معنی که پلان های طرح شدهٔ این موسسات نه تنها صددرصد تطبیق گردید بلکه نظر به پیش بینی پلان کار زیاد تر هم صورت گرفت . همچنان در ساحهٔ زراعت سال ۱۳۵۹ نظر به سال ۱۳۵۸پرروفق تربود . در مورد اخلالگری های باند های خرابکار که به دستیاری امپریالیزم وارتجاع جهانی مانع رشد سریع اقتصادی واجتماعی کشور ومردم ما می شود ، ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان طی گزارش مفصل وهمه جانبهٔ شان که به تاریخ ۲۸حوت ۱۳۵۹ به جلسه چارم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان ارائه کردند ، چنین فرمودند :

((اگر نیرو های سیاه ارتجاع وامپریالیزم فعالیت تجاوزکارانه ومداخله آشکار خودرا در اموورداخلی کشور ما قطع می کردند ، دست آورد های مادر رشد اقتصادی و ارتقای سطح رفاه مردم باز هم بیشتر می بود .

...امپریالیزم وجیره خواران آن باید بدانند که روند انقلاب افغا ـ نستان برگشت ناپذیر است.انقلاب ماتوطئه ها وتجاوزات امپریالیزم هژمونیزم ، ارتجاع وتمام ضد انقلابیون کثیف را از سر راه‌خود برمی دارد ...))

زحمتکشان میهن ما عملا شاهد اند که باوجود توطئه های عناصر فروخته شده به ارتجاع وامپر ـ یالیزم حزب ودولت انقلابی شان با تمام نیرو تلاش می ورزد تا آرامی و خوشبختی همه جانبه برای‌شان ایجاد نماید ودرین راه به‌شکل‌پیگیر وصادقانه پویا است . هکذا بااتکاء به نیروی بر توان خلق ، حزب ودولت ملی و مترقی ما مشت‌های پولا دین وکوبنده ای را به دهان دشمنان آرامش و پیشرفت میهن ومردم ماحواله کرده ومی کند . با تطبیق پلانهای مردمی و مترقی ایکه روید ست است می توان نوید یك حیات مرفه باسعادت وخوش بخت رابه مردم داد .

در پهلوی سایر اقدامات،دولت مترقی ومردمی ما طی سال گذشته مژدهٔ ازدیاد معاش کارگران و اجیران و مستخدمین دولت برای سال ۱۳٦۰ را تا پنجاه در صد و هکذا ازدیاد ماکولات مامورین کارگران ،اجیران وغیره کارمندان دولت را پنجاه در صد افزودساخت که این اقدامات رامی توان بحق ناشی از خصلت و ماهیت مردمی ومترقی دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان دانست :

با بسیج نیرو ها وعناصرایجاد ـ گر ومولد میهن و با استفادهٔ درست ومعقول و علمی از منابع سرشار طبیعی وبا استفاده از کمك های برادرانهٔ کشور های مترقی‌وانقلابی در راس کشور کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی این همسایهٔ نیك وشریف ، ما توانسته ایم ومی توانیم مکلفیت های سترگ تاریخی خویش را انجام دهیم .

هدف های عمده ای حزب ،انقلاب ودولت انقلابی ما بهتر شدن‌حیات توده ها، ختم مناسبات پوسیدهٔ فیودالی ،رفع پس ماندگی‌فرهنگی واقتصادی رهایی مردم از چنگال فقر ، مرض ،بی سوادی ، می باشد که این روند انسانی با پیروزی مرحلهٔ نوین وتکاملی انقلاب شکوهمند ثور به ابعاد گسترده تر وسریع تر جریان دارد . بانگاهی مختصر به این دوران کوتاه گفته می‌توانیم که خلق آزاده وقهرمان افغانستان در طریق‌انقلاب بسوی حیات پرنور فردا بااطمینان و قاطعیت رهسپار اند. طی همین مدت قصیر وحدت حزب ودولت‌استحکام بیشتر یافته ونقش سیاسی رهبری کنندهٔ طبقهٔ کارگر و سایرزحمت کشان میهن تقویه گردیده است .

همچنان برای تنظیم بهترحیات مادی ومعنوی مردم بادر نظرداشت ورعایت بهترین سنن و عنعنات ملی ، فرهنگی ومذهبی مردم ما قوانین و مقررات مختلف درتمام ساحات وضع گردیده است . به پیروی از ارادهٔ مردم حماسه‌آفرین افغانستان قانون جدید مکلفیت عسکری طرح و تدوین و نافذ گردید که درین قانون بر عکس دوران های گذشته هر فرد افغا ـ نستان بدون استثنا (مگر نظر به حکم قانون) مکلف است تادورهٔ مکلفیت عسکری راسپری نماید ونمی تواند شخص دیگری را به عوض خود به این وظیفه بگمارد همچنان دوره وسن احتیاط الی چهل سالگی تعیین شده است که نسبت به قانون سابق شش سال کمتر میباشد .

قانون نشان ها و مدال ها ، قانون دربارهٔ حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و غیره همه‌وهمه‌شاهد ادعا بالای ماست ونمایانگر توجه دولت مردمی مابرای تنظیم بهتر حیات مردم وخدمت گسترده تربه‌آنهاست موجز اینکه طی پانزده ماهی که از پیروزی مرحلهٔ نوین و تکاملی انقلاب سپری گردیده‌است حزب ودولت گام های فراخی در راه بهروزی مردم ، تامین وحدت‌حزب ومردم ، بهبودی بخشیدن وارتقای سطح حیات مردم ودفاع ازمیهن انقلابی ومبارزهٔ بی امان علیه باند های صادر شده ازخارج برداشته است .

زنده باد مردم افغانستان این صاحبان اصلی جامعهٔ ما، زنده باد جمهوری دموکراتیك افغانستان این دولت همهٔ مردم افغانستان .



سلطانعلی کشتمند معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم هنگا میکه به سوالات خبرنگار ژوندون پاسخ میدهد .

قسمت دوم

عایدملی درسال ۱۳۵۹ به پیمانهٔ ۱۱۶،۹ ملیارد ارتقاء کرده است

جمهوری دموکراتیک آلمان جبران همه کمك هایی را به عهده گرفت که آلمان فدرال باآنکه قرار داد هایی هم درزمینه داشت بعد از پیروزی انقلاب کریدت های آنرا معطل قرار داده بود.

* * *

جمهوری سو سیا لیستی چکوسلواکیا بیش از هفت میلیون دالر کریدت های پروژه وادی هلمندرا به عوض ایالات متحده امریکا پرداخت میکند.

* * *

*** عاید سرانه ملی تولیدی طی چند سال اخیر عملا ثابت بـوده در حالیکه عایـد ملی سرانه مصرف شده به میزان قابل ملاحظه‌ای بلند رفته است .**

* * *

شما در شماره پیش خوا ندیدکه چگونه بابه پیروز ی رسید ن انقلاب شکو همند ثور در ابعاد کیفی پلان گذاری کشور دگر گو نیها ی عمیق به وجود آمد وبا الخصو ص بعداز مرحله تکاملی انقلاب چگو نه و به چه دلایلی وزار ت پلان به کمیتـــه پلان گذاری دولتی بد ل شد ، وهم چنین چه عواملی موجب گردید که برای نخستین بار بی آنکه صدمه‌ای به سکتور خصو صی وارد آید حجم تولید در سکتور دولتی و سکـتور مختلط از سکتور خصو صی پیش افتاد و اینك پرسش های دیگـر و پاسخ های ارائه شده به آن ازنظر تان میگذرد.

* باتوجه به‌اینکه بـا پیر و زی انقلاب شکو همند ثور کشور های امپریا لیستی کمك ها ی اقتصادی خودرا به‌کشورما قطع نموده‌ودرکار بعضی از پـروژه هـا ی صنعتـی کشور سکتگی رو نما گردیده است اکنون آیا مقادیر کمکی که کشور های مترقی جها ن به افغا نسـتا ن انقلابی میکنند ، برای تکمیل کار پروژه های نا تکمیل و پرو ژه‌های جدید اقتصادی کافی می باشد ؟ در صور تی که چنین نبا شدشما خلای اقتصادی موجود را چگونه حل می‌کنید ؟

** بلی، بر خی از کشور ها به شمول ایا لات متحده امریکا ،آلمان فدرال ، چین وبعضی کشور ها ی دیگر امپریا لیستی که انقلاب افغا- نستان به ذوق شان برابر نیست علی الرغم موافقتنا مه ها کمك‌های خود را بـه کشور مـا متو قـف ساختند ، در سال ۱۳۵۹ مجمـوع کمکها ی خار جی‌به استثنا ی کشور های شورا ی تعاو ن متقابل اقتصادی و ملل متحد که در پروژه هـــا ی انکشافی به مصر ف رسیده است صرف ۳ر۶ میلیون دالر را تشکیل میدهد .

اما اگر چنین تلقی گردد که ازین طریق میتوانند افغانستان را ازراه اصلی منحرف سازند اشتباه محض خواهدبود .

افغانستان دوستان با اعتماددارد که از کمك‌و پشتیبانی آنها برخور- دار است .

آلمان فدرا ل همکار ی‌های‌خویش را در بخش مخابرا ت و انر ژ ی برق پس از پیروز ی انقلاب ثـور وبه خصو ص مر حله نو ین‌تکا ملی آن قطع نمود، ولی درعوض‌جمهوری دموکراتیك آلمان این همکاری‌هارابه عهده گرفت .

جمهور ی سوسیا لیستی چکو - سلواکیا به عوض ایا لا ت متحـده امریکا ماشین آلات وسایر وسایط تخنیکی مورد نیاز پرو ژه هـــا ی وادی هلمند را که بالغ به هفـــت میلیون دالر میگردد به افغا نستان تحویل خواهد داد .

سه ماه پیش میان جمهـــوری دموکراتیك افغانستا ن و اتحـــاد شوروی موافقتنا مه جد یدی‌پیرامون همکار یهای اقتصادی و تخنیکـــی به امضاء رسید .

به اساس این موا فقتنامه اتحاد- شوروی در ساحات زراعت ، آب - رسانی ، انر ژی بر ق،صنایع‌خفیف و ارتزاقی ودیگر ساحه های مهـم اقتصادی همکاری و مسا عـــدت خواهد نمود

ما ایمان کامل داریم که افغانستان انقلابی با پشتیبا نی دوستا ن‌واقعی خویش براین مشکلات مو قتی‌فایق خواهد آمد و پیروز ی های بزر گی رادر راه رشد اقتصادی واجتما عی خویش بدست خواهد آورد .

* میتوانید به صورت مستند توضیح دهید که عاید سرا نه‌سالانه کشور در پیش از انقلاب به چـــه اندازه بوده و اکنون به چـــــه پیمانه است ودر پنج سال آینـده شما آنرا چگونه پیشبینی میکنید ؟ در صور تیکه این عاید افزود ی فیصد ی قابل ملاحظه ای دا شته باشد ، لطفا دلایل عمده اقتصاد ی آنرا به گونه مختصر تو ضیـــح فر مایید ؟

** عاید سرانه ملی یکی از مهـم ترین شاخص هایست که مبـــین سطح رشد اقتصادی یك کشورمی- باشد .

در سا ل ۱۳۵۶ عاید سرا نـــه ۶۱۸۵- افغا نی بود که افغانستا ن در شمار فقیر ترین کشور هـــا ی جهان به حساب میا مد ، عوا یـــد اکثریت مرد م نمیتوانست‌احتیاجات آنان را ازنظر مواد غذایی مـــورد - نیاز شان تامین نماید و پا یین‌بودن سطح دانش مردم که ناشی از تسلط مناسبات کهنه فیودالی بود نیز به عقب مانی کشور میافزود ،.

طوریکه ارقا م نشا ن میدهدعاید سرانه ملی تولید ی طی چند سا ل

ــ کشور دوست ، شوروی درسال ۱۳۶۰ ــ ۱۱۸٫۵ میلیون دالر کریدت پولی رادر پلان انکشافی ما میپردازد که این مبلغ به‌مقایسه کریدت این کشور درسال ۱۳۵۴ ــ ۴٫۲ مرتبه بیشتر است.

* * *

*** درسال ۱۳۶۷ نود فیصد مجموعی قوای بشری کشور در رشته های مختلف اقتصاد ملی مصروف کارخواهد شد که این بالاترین شاخص درسراسر جهان است.**

* * *

اخیر عملا ثابت بوده در حالیکه عاید سرانه ملی مصرف شده به میزان قابل ملاحظه ای بالا رفته است .

اما باید در نظر گرفت که نه‌تنها خود تولید عاید ملی بلکه توزیع آن‌میان طبقات ، اقشار و گروه های مختلف مردم دارای اهمیت فراوان است .

در نتیجه تحولات اجتماعی که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور صورت گرفت ، حزب دمو ـ کراتیك خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان توانست باوجود امکانات محدود مادی ومالی وبانظرداشت توزیع عادلانه عاید ملی یك سلسله تدابیر مهم رابه خاطر ارتقای سطح زندگی زحمتکشان افغانستان عملی‌سازد.

طی سال ۱۳۵۹ قیمت خرید پخته خام ولبلبو افزایش یافت وقیمت فروش کود کیمیاوی وسامان آلات زراعتی پایین آمد که این امر به رشد عواید دهقانان از درك فروش محصولات زراعتی آنان به دولت ازیکطرف وبه تقلیل مصارف خریداری وسایل تولید آنان ازطرف دیگر مساعدت نمود .

براساس فیصله های حزب دموکراتیك خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان از اول حمل سال ۱۳۶۰ در معاش کارگران واجیران به طور اوسط ۲۶٫۶ فیصد و در معاش کارگران واجیران کم مزد چهل تاپنجاه فیصد افزایش به‌عمل آمده است که به طور عموم معاشات یکصد وهفتاد و هفت هزار نفر افزایش می یابد همچنان در ماکولات ماموران ، کارگران و اجیران پنجاه فیصد افزایش بعمل آمده‌است

* با افزایشی که در عایدبیش ازیکصد وهفتاد و هفت هزار نفر به عمل آمده است وبادر نظرداشت این‌نکته که قدرت خرید نیزافزایش **میبابد ،و این امکان نیز وجوددارد** که تثبیت قیم در حد کنونی عملی شده نتواند واین موجب گردد که‌نه تنها ارتقای سطح زندگی‌کارگران واجیران آنگونه که پیش بینی گردیده عملی شده نتواند بلکه فشار های تازه ای نیز به توازن دخل وخرج آنانیکه عاید ثابت دارند مانند ماموران دولت وارد آید ، آیا این مسئله از نظر شما نگرانی آور نیست ؟

** خیر به هیچ صورت ،چه تمام تدابیر لازم به خاطر ارتقای سطح زندگی کارگران و دهقانان در شرایطی صورت میگیرد که دولت اقدامات همه جانبه را برای تثبیت قیم مواد استهلاکی ، نفتی ، شکر ، آرد گندم نیز از طریق سبسایدی های خود عملی نموده است و به همین دلیل ثبات قیم در کنترول خواهد بود و هر گونه نگرانی ای بر این اساس بی موجب مینماید .

* درکمك های کشور دوست ما اتحاد شوروی در بخش اقتصاد بعد از پیروزی انقلاب ثور به‌مقایسه پیش از انقلاب ، آیا افزایش به عمل آمده است یاخیر ؟

**دوستی افغان و شوروی سابقه طولانی وتاریخ پر افتخار دارد، چندی قبل ما شصتمین سالگرد اولین قرار داد دوستی افغانستان واتحاد شوروی راتجلیل نمودیم ، بعد از انقلاب ثور و به خصوص بعد از مرحله نوین تکاملی آن ، مناسبات عنعنوی دوستانهٔ افغان و شوروی ازلحاظ کیفیت ارتقاء یافته ، به مناسبات برادرانه ، همبستگی انقلابی و همکاری های همه جانبه مبدل گردیده است .

سفر هیئات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیك افغانستان تحت رهبری ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیك افغانستان به مسکو در ماه میزان سال گذشته و مذاکرات با لیونید ایلیچ بر ژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئات‌رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در انکشاف بعدی وتحکیم دوستی و همکاری همه جانبه بین خلق های مامرحله نوین تاریخی را گشود .

در جریان این مذاکرات که در فضای صمیمانه ،حسن تفاهم کامل و صداقت و صراحت رفیقانه انجام یافت ، یك بار دیگر پشتیبانی همه جانبه وکمك های بی غرضانه اتحاد شوروی در تمام ساحات اقتصاد ملی در مبارزه علیه مداخلات مسلحانه ضد انقلابی و مداخله امپریالیزم در امور داخلی افغانستان به خاطر تطبیق و عملی ساختن وظایف انقلاب ثور ، تایید گردید ، برای روشنی موضوع فقط به چند مورد از کمکهای اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی نگاهی میاندازیم :

طی سال ۱۳۵۶ برای پروژه‌های انکشافی از ۲۷٫۲ ملیون دالر کریدت اتحاد شوروی استفاده گردید ، ولی طبق پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰ جمهوری دموکراتیك افغانستان در نظر است که مبلغ ۱۱۸٫۵ میلیون دالر در بودجه انکشافی کشور از کریدت اتحاد شوروی استفاده به عمل آید که این مبلغ به مقایسهٔ سال ۱۳۵۶ به اندازهٔ ــ ۴٫۲ مرتبه بیشتر میبا شد .

علاوه از کریدت عمده یاد شده ما کمك های قابل ملاحظه و بلا عوض به صورت اموال استهلاکی نیز دریافت نموده و مینماییم چنانچه در سال گذشته اتحاد شوروی مبلغ یکصد میلیون روبل ازطریق تحویل دهی اموال مختلف استهلاکی به گونه بلا عوض به ما کمك نمودکه براساس فیصله جمهوری دموکراتیك افغانستان به اشخاص نیازمند ومستحق طور رایگان توزیع گردید ، همچنان مقدار زیاد گندم ، شکر و غیره‌مواد ازکشور دوست اتحاد شوروی به افغانستان تحویل داده شد.

از این گذشته حجم کمك های بلاعوض از طریق تحویل دهی اموال استهلاکی نیز در جریان سال ۱۳۶۰ به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت که در این زمینه کافی است بگوییم با نظرداشت مشکلات منابع مادی و مالی کشور بدون دریافت این نوع کمك هاما نمیتوانستیم موفق شویم تا تدابیر طرح شده خویش را در قسمت ارتقای سطح زندگی کار- گران وماموران در عمل پیاده کنیم.

افغانستان به مانند همه کشور های در حال رشد ،کمبود کدرهای کمبود کدر های ورزیده را به صورت جدی احساس مینماید ، به همین اساس متخصصان‌شوروی مانند داکتران ، معلمان ،انجنیران ساختمان وترنران ،انجنیر ها و متخصصان تخنیکی در تامین رشد وانکشاف اقتصاد ملی ، معارف وصحت عامه به ماکمك و مساعدت های لازم را فراهم میسازند ، گذشته از این اتحاد شوروی در تربیه کادر های ملی افغانستان سهم ارزنده ای دارد ، همه ساله مادر حدود یکهزار وپنجصد نفر دختر وپسر جوان افغان را جهت تحصیل وآموزش در انستیتوت های اتحاد شوروی به آن کشور اعزام میداریم ودرسال ۱۳۶۰ بیشتر از یکهزار و پنجصد نفر را جهت تربیه وتحصیل در مکاتب تخنیکم وکورس های مسلکی به کشور دوست و همسایه اعزام خواهیم نمود .

* به اجازه شما می خواهیم چشم اندازی داشته باشیم به‌روابط تجارتی میان دو کشور افغان ـ وشوروی ، به نظر شما در گونه روابط تجاری که به نفع هر دوکشور باشد به مقایسه سال های پیش از انقلاب چه تحولات ودگرگونیهای به وجود آمده‌است ؟

.. حجم تجارت خارجی ما با اتحاد شوروی به نفع طرفین همه ساله افزایش می یابد، چنانچه حجم دوران تجارت خارجی ما با این کشور در سال ــ ۱۳۵۶ یکصدو هشتاد وچهار میلیون دالر راتشکیل داده است واما طبق پلان ۱۳۶۰ مبلغ ۷۸۶٫۸ میلیون دالر را احتوا خواهدکرد ویا به عبارت دیگر ۴٫۲ مرتبه افزایش خواهد یافت، اتحاد شوروی بزرگترین مشتری عنعنوی مواد صادراتی افغانستان

بقیه درصفحه ۴۱

حبیب الله فرهمند

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

باگذشت سال ۱۳۵۹ ، یکسا ل دیگر بعمر کره ز مین ا فزوده شد وورق تازه‌ای بتاریخ پر ا زنشیب‌و فراز جا معه بشریت اضافه گردید. سالی که آ خرین روز های آنراپشت سر گذ اشتیم ، د نباله منطقی‌سال پیش و سالهای پیشتر ا ست .

سال نو ، نشانه سر نگون‌شدن کهنه و ظهور نو جوانی وسر سبزی طبیعت ، مظهر آر مان ها، پیروزی وامید های نوین برای کار ومبارزه است . اکنون در آغاز سال نو، به اختصار نگا هی بر و قایع سالی‌که گذشت افگنده و از کانون ها ی‌خطر از بحران ها و آشفتگی ها وبالاخره پیروزی ها و پیکار خلق های جهان، یاد آور می شویم :

سال ۱۳۵۹ سال پیروزی خلق‌ها سال پر توان تر شدن جنبش های آزادی بخش ملی ، سال شگو فانی هرچه بیشترجوامع سو سیالیستی وژرف تر شدن تضاد ها و بحران های جهان سر مایه داری . تشدید تضاد های درون ار دو گاه‌امپریا ـ لیستی در گستر ده های مختلف اقتصادی ، سیاسی ، اجتما عی ، آیدلوژیك و غیره سراسر نظـا م غارتگر ا مپریالیستی را در جهان باتب و لرز تازه‌ای دست بگر یبان ساخته و اقدا مات سرا سیمه زمامداران جهان ا مپر یالیستی‌برای عنان زدن بر جلوه های مختلف بحران بیش از پیش بی‌ثمری خودرا نشان داد . تحت تاثیر این بحران وبا تشدید بیسا بقه تضاد ها ی امپریالیزم در مجمو عه خـود، این نظام ستمگر و غا رتگر در صحنـهٔ جهانی د مبدم ضعیف‌تر گر دید و محافل تجاوز کارآن منفردتر شـده اند و دامنه ا مکانات امپریالیزم‌برای حفظ مواضع خود تنگتر گر د یـده است .

جبهه عظیم نیرو های ضدامپریا ـ لیستی جهان گسترش روز افزونی یافته واز لحاظ کمی و کیفی بیش‌از پیش نیرو مندتر می شود . جا معه کشور های سو سیالیستی‌درداخل خود ، علیرغم توطئه ها ، فتنه‌گری ها و تاثیرات منفی بحران هـای داری باسرعت بی سابقه‌ای نسبت به سالهای پیش در حال گستر ش کمی و کیفی است . در این کشور ها مبارزه طبقه کارگر د یگر درچار چوب مطالبات روز مرهٔ ا قتصا د ی باقی نمی ماند بلکه لزوم مبـا رزه علیه‌اثرات اوعواقب‌ناگوار‌بهره‌جویی انحصار های سرمایه داری‌رابیشتر می سازد و بیش از پیش ناتوانی سیستم سر مایداری را درجـهـت حل معضلات مز من ما نند تـورم وبیکار ی آشکارا ساخته وضرورت تحـول بنیادی در آن جوامع بــه ثبوت می رسد .

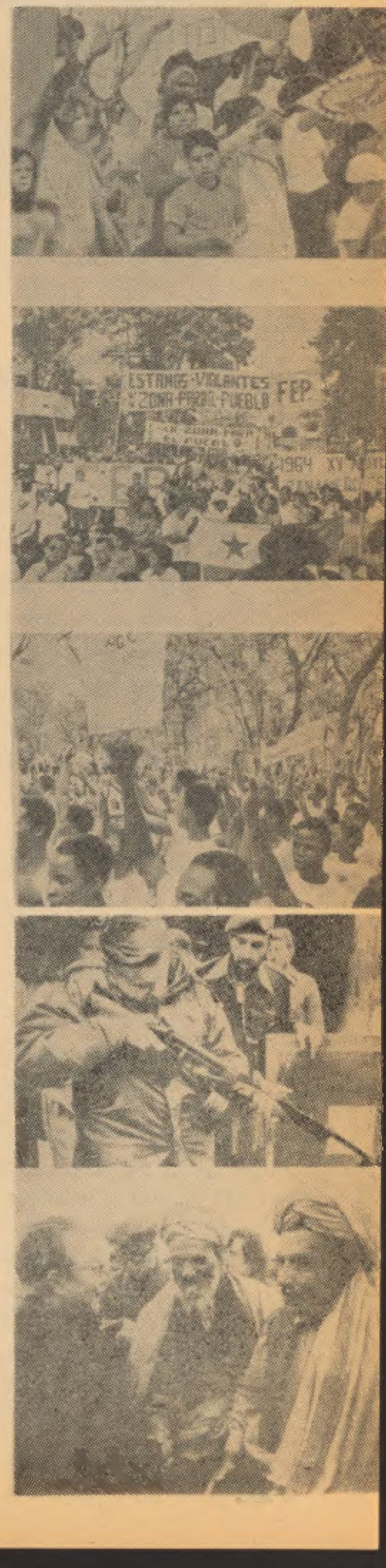
مبارزهٔ خلق های آسیا در را ه صلح‌وامنیت :

کشور های آ سیایی تقریبا همه مصیبت استعمار وامپر یالیزم ر ا دیده اند و برای طرد استعمار و حصول استقلال ملی ، قر بانی‌های بی شمار داده اند . دامن سیــاه استعمار که جمع شد، ا مپریالیزم برای حفظ منافع آز مندانه وبغارت بردن منابع و ثروت مردم آسیا به چهرهٔ د یگری نمو دار شد و تلاش کرد با وارد کردن رخنه در ا تحاد ملل و ایجاد مناطق داغ و بحرانی، ردپایی برای خود پیدا کند .



هزار مین سال تولد ابوعلی‌سینای‌بلخی در کابل ـ دوشنبه ـ تاشکند وماسکو تجلیل شد (کتاب‌دانشنامه‌علایی ابن سینا)

رنگارنگ د نیای سر ما یه دا ر ی از رشد مو زون و بدون بحران از گسترش شگو فان در عرصه هـای مادی و معنوی بر خوردار گردید . در طی سالیکه گذشته کشور هـای سوسیالیستی در جهت تحکیم‌صلح، همزیستی و خنثی سا ختن د سایس رنگارنگ محافل امپر یـالیستی ، سعی ز یادی بخرج دادند . بخش دیگری جبهه عظیم جهانی نیروی‌ضد امپریالیستی یعنی جنبش کار گری ودموکراتیك در کشورهای‌سرمایه ـ



از بالا به پایین :

*** مبارزه خلقهای زحمتکش‌افغا ـ نستان علیه امپر یالـیزم وارتـجاع داخلی وخارجی**

*** مبارزه خلقهای امریکای لاتین برضد غولهای چند ملیتی غربی.**

***مبارزه خلقهای افریقا علیه‌اپار ـ تاید وتبعیض‌نژادی .**

***امپر یالیزم امریکا و شوونیزم چین بادزدان وضد انقلاب‌افغانستان کمك می نمایند.**



امپر یالیزم امریکاو صهیو نیزم و ارتجاع عرب، لبنان رابه مـاتـم نشانده است.

آسیا بو سیله ا مپریالـیـز م جنایتکار مرکز تجمع واحد هـا ی نظامی و بحریه های ا مپریالیستی شده است و در اثر تو طئه ها و مداخلات امپریالیزم نقاط داغ و درحال انفجار بمیان آمده است که داغ ننگ بر پیشانی امپریالیزم و همدستان ارتجاعی شوونیستی اش است .

سالیکه گذشت از یکطرف سال رنج های بیکران برای خلق هـا ی آسیا بود و لی از جانب د یگر سالی بود که اراده پیکار جو یانه خلـق های ز حمتکش در مبا رزه عـلیه امپریالیزم ، علیه ار تجاع و دستیا ران چینی اش بحقیقت پیوست امپریالیزم جهانی و در راس ا مپریالیزم امریکا ارتجاع منطقه وجهان وتوسعه طلبان مرتد چین که با اصولی شدن انقلاب ملی و دمو کراتیك خلق ا فغانستان نقشه های پلید شانرا نقش بر آب دیدند از یکطرف تبلیغات زهراگین وهستریك را براه ا ندا ختند و از جانب دیگر نیرو های ار تجا عی و ضد انقلاب را مسلح سا ختند و بخاك مقدس افغانستـان ار سا ل داشتند ا ما خلق افغانستان ازشرف آزادی و تمامیت ار ضی شان دلیرانه دفاع نمودند و بر پیکر دشمنا ن خاك مقد س شان ضر بات کوبنده حواله نمودند .

نیرو های مترقی ودمو کراتیك و کشور های سوسیالیستی ودرراس اتحادشوروی زحمتکشا ن افغا نستا ن را در دفاع از انقلاب ا فغا نستان وتمامیت ارضی شان یاری رساندند.

جها نیان بخوبی اطلاع دا رندکه افغانستان در طی سال ۱۳۵۹ مانند سالهای قبل آن در معرض تجاوز دشمنان انقلاب و امـپریالیـزم و شوونیزم قرار داشت . پاکستا ن به پایگاه عمده تجا وز بر علیـــه افغانستان انقلابی مبدل شد. بحران همه گیر اقتصادی و سیاسی جا معه پاکستان را در بر گرفت این بحران که پی آمد سیاست ضد مردمی رژیم نظامی پاکستان ووابستگی ر و ز ـ افزون آن به ارتجاع و امپر یا لیزم بین المللی است بلا و قفه عمـیق گردیده و پهنا ی بیشتری کسب کرده ودر نتیجه اقشار و سیعتری از مردم آ نکشور را بمبارزه عـلیه رژیم پوشالی ضیاء الحق فـر ا خواند . ا حزاب عـمده سیاسی که فعالیت های آنها از طرف حکومت نظامی ضیاءالحق ممنوع قرار داده شده است موافقه نموده اند که برای از میان بر داشتن حکو مت نظامی مشترکا اقدام نما یند .

در سالیکه گذشت مردم ا یران یکبار د یگر خا طـرات پـر شور انقلابـی خودرا بـا مبار زه ضـد امپریالیستی وضد سلطنت درذهن جهان زنده سا خت . مردم ا یران باچشمان پر از امید بسوی آ ینده رو آوردند واین واقعیت روشــن گردید که امپر یالیزم با همه لاف وگزافش د یگر توانایی گذشته را ندارد .

ا مپر یا لیـــزم ا مریکـــا فشار های سیاسی واقتصا د ی خویش را در قبال تصرف سفا رت امریکا و گرو گان گرفتن دیپلومات های امریکا ، افزود ، امادرنتیجـه با سرازیر شدن دارائی های غارت شده خلق ایران گرو گان هـــای امریکا ئی ر ها شدند .

جنگ بین عراق و ایران کـــه پیامد منطقی سترا تیژی ر یاکارانه امپریالیزم جهانخوار ا یالات متحده امریکا می باشد ، در طـی سال جریان داشت . شواهد ا نکـار ـ ناپذیری بد ست است که ا مریکا در تبانی با چین و سایر کشـور های وابسته که خودرا به محـور عراده سیاست امریکا آ و یخته اند تلاش مذبو حانه داشتند که از اب های گل آلود شط العرب و خلیـج فارس ماهی بگیرند .

حوزه هند و چین :

تار یخ خلـق هـای مبارز هند و چین در برابر امپریالیزم پر از قهر مانی های افتخارآفرین است این مردمان قهر مـان بـا نیـروی شکست ناپذیر خود راه طو لا نی مبـارزه را بــــرای آ ز ا دی ـ د مـو کر ا ســی و تـر قــی اجتماعی پیموده اند . اگر چه بـا شکست امپریالیزم ا مـریکـا د ر ویتنام از حوزه هند و چین این امید را قوت داد که بار د یگر که خلق های هند و چین بجنگ و مصیبت مقابل نخوا هند شد ا ما مداخلات پیهم شوونیزم عظمت طلبانه چین در این کشور ها این امید را به یاس مبدل ساخت. چین چندین بار برخاك ویتنام قهر مان تجاوز مسلحانـــه نمود که این اقدام چین در سرا سر جهان شدیدا محکوم گردید . باز ـ ماندگان باند جنا یتکار پول پوت، ینگ ساری بکمك مر تدان چین و امریکا از خاك تایلند د ست بـــه خرابکاری علیه دو لت ا نقلا بـی کمبودیا زده اما این همه د سایس وتوطئه ها محکوم بر شکست شد. برسمیت شنا ختن کمپو چیاازطرف هند و روابط عمیق آ نکشور بـــا کشور های سو سیالیستی وصلح ـ دوست شواهد آشکارای ا فزایش

لطفاً ورق بزنید



موشه دایان باهمدست امریکایی اش وانس روی پلان توسعه طلبی صحبت می کنند .



یاسر عرفات: خلق عرب وخلق فلسطین پیروز شدنی است

حیثیت بین المللی کشورکمبوچیا می باشد .

قیام شکو همند خلق رز منده کوریای جنوبی رژیم دست نشانده سیول را تکان داد. موج عظیم قیام وتظاهرات مردمی علیه امریکا ، بصورت مو قت سر کوب شد اما در شهر کوانگ جو وشانزده شهر دیگر اطراف آن تظاهرات بصورت قیام خلقی تجلی یافت ، چکمه پوشان امریکائی وارتجاع کوریا بقتل مردم‌پرداختند اما در زدو خورد ها هزاران امریکایی کشته و مجروح شدند ، محصلان وجوانان سلاح هارا به غنیمت بر دند و جنگ چریکی را آغاز کردند . حکومت جدید ایالات متحده امریکا تصمیم بر آن دارد تاکمک های نظامی خودرا به رژیم دیکتاتوری و خونریز سیول که بکمک زور وسر نیزه امریکا در راس قدرت حفظ گردیده، و سعت بیشتر بخشد .

بحر هند وجنوب آسیا:

کشور های عضو پیمان ناتو ، هژمونیست های خاین چین وجاپان برای تعمیل اهداف شوم شان ، بودجه نظامی شانراتوسعه‌بخشیده وپایگاه های جدیدی را در مصر ، عمان ، صومال ، کینیا و سراسر جهان اعمار می کند . تمر کز قوای ضربتی ، امریکا در بحر هندوحوزه خلیج تمر کز طیارات جا سو سی امریکا مجهز با سیستم های‌عصری رادار ، دامن زدن های به جنگ های محلی و تهدید مستقیم کشور ها ، ادامه جنگ بین ایران وعراق وتسلیح رژیم نظامیگر پاکستان توسط امریکا و چین تشنج را در منطقه ، آسیا وجهان بمیزان بی‌سابقه افزایش داده است .

امپریالیزم امریکا و متحدین‌ناتو به بهانه موهوم «تهدید شوروی» وبرای به اصطلاح حمایت از «منافع حیاتی» کشور های امپریالیستی در این منطقه از جهان که هزاران کیلو متر از آن کشور فاصله دارد به تمر کز خطرناک نیرو های‌بحری ادامه میدهند و شبکه وسیع از پایگاه های تجاوز نظامی رادربحر هند وحوزه خلیج بوجود آورده است کشور هند و کشور های صلحدوست منطقه پیوسته علیه تمر کز نیرو های امپریالیستی در منطقه مبارزه نموده‌اند .

لیونید بریژنیف در چنین‌شرایط حاد بین المللی بنابر دعوت دولت هند یك دیدار رسمی‌و دوستانه به آنکشور نمود و طی بیانیهٔ موضع گیری اصولی صلح آمیز وقاطع اتحاد شوروی را تصریح نمود ، کشور شوراها خواستار تبدیل بحر هند به ناحیه صلح پایدار بوده و بر آنست که بحر هند ساحهٔ منافع حیاتی کشورهای این منطقه است نه از هیچ یك از کشور دیگر . طرح تبدیل بحر هند به منطقه صلح پایدار شامل‌اینست که عدم تاسیس پایگاه های‌نظامی خارجی و عدم تمر کز اسلحه‌ذروی در خلیج ، جلو گیری از تهدید



مبارزه مردم جاپان برضد جنگ ومسابقه تسلیحاتی

کشور های منطقه ، احترام به حق مستقل کشور های منطقه به منابع طبیعی ، عدم ایجاد موانع در راه‌های آبی منطقه باساس پیشنهادسازنده تبدیل بحر هند به منطقه صلح ، کنفرانس شورای صلح جهانی در تاناناریف مرکز جمهوری ملغاسی دایر گردید که در آن نود هیأت از چهل کشور مختلف جهان بشمول جمهوری دمو کراتیک افغانستان اشتراك نمود .

شرق میانه:

بمانند سالیان‌گذشته، امپریالیزم وارتجاع عرب علیه جنبش آزادی بخش‌فلسطین، توطئه‌دسیسه وسنگ اندازی داشتند، برادرکشی درلبنان تمام مدت سال را بخود اختصاص داد. حمله صهیونیستان به همدستی امپریالیزم بین المللی درراس امریکا، بجنوب لبنان زخمی برزخم های پیکر جهان مترقی عرب وخلق های بیدفاع وقهرمان فلسطین افزود . اسرائیل‌بدستور امریکا و متحدین آن با جاه طلبی خاص در طی سال گذشته یك‌وجب از اهداف شوم مش ، عقب نشینی نکرد . خروج مصر از جبهه ضد امپریالیستی ضربه شدیدی برای تمام‌جنبش‌عربی‌است امضای قرارداد کمپ دیوید از طرف سادات‌خاین نتیجه قانونمند مشی است که سادات از اول رسیدن به حکومت

ژوندون



مرتدان چینی ، درکشور قهرمان ویتنام مداخله نمودند.



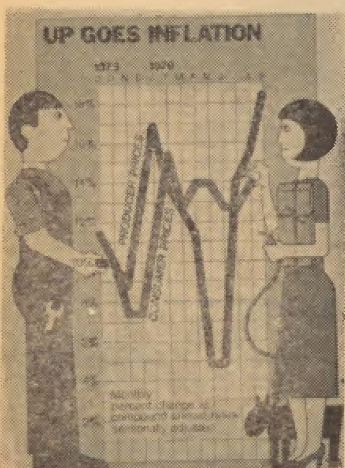
نمایی از کنفرانس نامیبیا در ژنیو

دنبال کرد . مصر بحیث ژاندارم منطقه در آمد و بر علاوه دشمنی باخلق های عرب ، دشمنی خودرا علیه خلق های افغانستان و ایران شدت داد . باز ماندگان شاه خاین ایران را تقویت می کند و برای حمله برایران ، مصر را پایگاه نظامی امریکا ساخته است همچنان گروه های آدمکش دزد و ضد انقلاب افغانستان را تجهیز می سازد و از طریق پاکستان به خاك مقدس ماجهت خرابکاری میفرستد. امپریالیزم امریکا بادستیاری مرتجعین منطقوی اش از یکطرف میخواهد به چاه های نفت خلیج وشرق میانه حکمفرمایی داشته باشد واز سوی دیگر خساراتی را که در نتیجه انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان وانقلاب اسلامی ایران وتحولات جنوب آسیا و هندبه پیکرامپریالیزم رسیده ، جبران نماید . روز نامه لوموند بطرز نیشداری خاطرنشان میسازدکه اسرائیل دعوی نقش(یگانه مدافع جهان سرمایداری» درشرق میانه را دارد در حالیکه مصرناگزیر است فقط به اجرای نقش «ژاندارم منطقه » قناعت کند. در سال ۱۳۵۹ بیرق اسرائیل در مصر بر افراشته شد و سادات در برابر جنبش انقلابی خلق‌های عرب خیانت کرد. کسینجر از کشور های عربی واسرائیل دیدن کرد واین کشورها را به پل انتقال سیاست توسعه طلبانه امریکادر شرق میانه، خلیج، بحیره احمر ، بحر هند تبدیل کرده است .

اوضاع در سرحد بین سوریه واردن طی سال ۱۳۵۹ کسب وخامت کرد و تمرکز قوا در هر دو طرف سرحد دیده شد . سوریه فعالیت های خرابکارانه مرتجعین را در داخل آن کشور خنثی ساخت محافل و حلقه های بر سر اقتدار ارتجاعی در عده از کشور های اسلامی کوشیدند تا اوضاع کنونی افغانستان را بهانه گرفته وسیاست ضد صلح و ضد دیتانت شانرا در ضدیت با افغانستان انقلابی واتحاد شوروی سوسیالیستی به کرسی بنشانند ، در هفته اخیر ماه جنوری ۱۹۸۱ کنفرانس سران کشور های اسلامی را در مکه‌معظمه دایرنمودند و جهانیان مطلع شدند که سران کشور های اسلامی

پیشنهادات مشخص وعملی جمهوری دموکراتیك افغانستان را نادیده گرفتند وبعوض آنکه پیرامون موضوعات اساسی شرق میانه و جهان اسلام اعاده حقوق حقه خلق فلسطین و افشای توطئه های امپریالیزم وارتجاع بپردازند بدستور امریکا در باره افغانستان بحث کردند .

رهبران کشور های سوریه ، لیبیا ، الجزایر ، جمهوری دموکراتیك خلق یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین برای اتخاذ یك رشته تدابیر مشترك در مقابله با توطئه های تازه امریکا ،صهیونیزم و رژیم سادات در طرابلس جمع شدند این کنفرانس



انفلاسیون، در امریکابیداد می‌کند و خلق های زحمتکش و کارگرانرا تحت فشار بیشتر قرار میدهد .

باتوجه به مذاکرات سادات بیگین در واشنگتن از اهمیت زیادی بر خوردار بود. این‌کنفرانس از خلق های عرب خواست تاعلیه دسایس امپریالیزم امریکا، مبارزه شانرا ادامه بدهند .

ایالات متحده امریکا با کنار گذاشتن گفتگو ها پیرامون بیطرفی در تصادم ایران و عراق تدابیر شومی را در جهت تدارکات برای مداخله مسلحانه در منطقه‌نفت‌خیز خلیج اتخاذ نمود . طیارات تانکر کی . سی ۱۳۵ انگلستان و همه سلاح های مرگبار و مشاورین امریکائی بصوب عربستان‌سعودی در حرکت شدند. واشنگتن بطور فعال متحدین اروپایی اش را به آمادگی ها برای مداخله نظامی‌در خلیج کشانید . استراتیژیست های ناتو پلان های عاجلی را برای مداخله در تنگه هرمز انکشاف دادند .

(ناتمام)



امپراتوری دالر مارك و پوند رو به تزلزل میرود .



ظاهر هویدا

پیوسته بگذشته

نوشخندها و نیشخندهایی با هنرمندان

ظاهر هویدا که ماشاالله نظر نشود چند سانتی کم دو متر قدو به اندازه چند بلند گو قد رت حنجره دارد از مدت هاست‌که درتلویزیون ناهویداست ویاکم هویدا وازآنجا که به خواست مردم‌اهمیت وارزش فراوان قایل است مردانه تصمیم گرفته نه آوازبخواندونه هم«شو»ی تلویزیونی ورادیویی اجرا کند د ر سال گذ شته جدا مشکلی شده بود بر ای مجله ژوندون چه نامه ها ی مکر ر فر ا وا نی که به خاطر یك مصاحبه چاپ شده وی در همین مجله بما می رسید آنقدر فراوان بود که می توانست سوخت بخاری های همه کار کنا ن ژوندون را کافی باشد و جالب‌اینکه باوصف آ نکه همه نگا ر ندگا ن این همه نامه او را به چوب ملامت وشماتت می بستند وما هم مشت نمونه خروار در هر شماره‌چندعدد آنرا چاپ می کردیم ، او چنان‌بی تفاوت بود که گویا سخن در با ره دیگر یست و نه به خاطر او باهمه دل‌خونی‌که‌به‌همین‌سبب از او دارم به سراغش میروم و به او میگو یم کم مانده است که خودم را د ر تشییع جنازه کار های هنری ات آماده کنم ومر ثیه یی هم باعنوان زنده آواز خوانی که سا لها ست مرده بنویسم ، آخر مرد حسا بی تنبلی را کنار بگذار ، آوازی‌بخوان نمایش رادیویی و یا تلویز یو نی ای را به اجرا بگیر ، کنسرتی ر ا دایر کن ، کاری انجام بده و ا و خلاصه می گوید هیچ یك از این فرمایشات را قبول ندارم .

— چرا مگر بالاخانه‌ات را به اجاره داده یی که فکر نمی کنم‌اجاره گیرنده یی هم و جود داشته باشد؟

با صدای بمش شر و ع می کند به‌پخش اراجیف و منکه گو شم را خیلی دو ست دارم کمی از او دور می شوم تا پرده ها ندرد و عمری‌را کر نباشم میگوید :

— راست راستی د یگر مفت آواز نمی‌خوانم و ...

— یعنی چه مگر تو از دیگرآواز خوانان چه بر تری داری ؟

— بر تری ندارم و کوچك همه‌هم هستم پول در بدل خواندن را هم فقط برای شخص خود تقاضا ندارم بلکه و ضع مقرره‌ای را خوا ها نم که به مو جب آن برای‌همه‌هنرمندان امتیاز های مادی در خور هنر آنان داده شود .

— این تقاضا را که تو همیشه داشته‌ای ، همیشه هم اجرا نشده و بازهم همیشه خوانده‌ای، هم نطاقی کرده‌ای وهم نمایش‌رادیویی‌ساخته‌ای حالا دیگر چرا ؟

— اصل مطلب همین جا ست که من تا پیش از ا نقلاب شکو همند ثور هیچ توقعی از دو لت نداشتم، چرا که در آن و قت هم با فرهنگ بازی می شد وهم با هنر، اما بعد از انقلاب این تقاضا را دارم چرا که حالا همه مسایل جدی‌بطرح می‌آید، جدی اجرا می گردد و هد ف عمده هم رشد فر هنگ وهنراست درکاربرد فعالیت های این بخش .

— مگر آواز خوا نان‌معاش‌ندارند؟

— دارند اما آواز خواندن جزء وظایف اداری نیست .

— اجرا نمایش رادیویی و یا تلویزیونی که هست ؟

— بلی ا ما من تا تداوی نشو م آنرا هم به اجرا نمی آورم .

— از این حرف ها بگذ ریم ، اینرا بگو که تو چه وقت از ر قابت بامرده ا حمد ظاهر منصرف می — شوی ؟

— من نه بازنده ا حمد ظا هر رقابتی داشتم و نه هم ا کنو ن بامرده‌اش دارم وتو بی انصاف‌باید اینرا بهتر از همه بدانی که هم‌بامن وهم با احمد ظا هر بار ها‌بگفت وشنود نشسته یی ، مگر تو ضیح پایه های طبقاتی و مقایسه شرایط هنری در درون هر طبقه معنی‌رقابت را دارد ؟ احمد ظاهر بهتر ین دوست من بود ، برای اولین باردر آرکستر آ ماتور ها که درآن و قت رهبری‌اش را به عهده داشتم‌اولین پارچه رادیویی اش را ثبت کرد ، در عروسی اش پدرش نبود ، ا ما من بودم ، ا ما هیچ یك از ا ین موارد نباید مو جب گردد که من عوامل پیشرفت را از دیدگاه خود به بررسی نگیرم و این نظر د هی که در دوران ز ندگی ا حمد ظا هر هم ابراز شده است نباید ر قابت تلقی گردد واز همه ا ینها گذشته من ا متیازاتی دارم کـه کمتر دیگران دارند بنابرین ا گر پا ی رقابت هم در میان باشد من ر قابت نمی‌کنم ، بلکه ...

— این ا متیازات چیست ؟

— آواز خوان هستم، کمپوزیتور می‌باشم ، شومن هم هستم و نطاق هم و ..

— پیش از اینکه سرم را بیشتر از این به درد اندازد میگویم کافی است به کارت برس ، ا ما ا گر امسال هم کار های هنری تازه‌ای را ارائه ند هی به سر خودت قسم که ترا در تشیع جنازه هنرت‌دعوت میکنم و مر ثیه جانانه‌ای‌هم برا یت می سرایم .

— پس شاعری را یاد بگیر .

سال را برایش تبریک می گویم



ذکیه کهزاد

وشرایطی بهتر ، شاد ش می ـ خواهیم .

* * *

ذکیه کهزادگوینده‌تازه‌کار رادیو تلویزیون که چند سال پیش از این درفلم هنری «مجسمه ها می‌خندند» نیز ظا هر گردید وبعدا به د لایلی که روشن نیست فلم و فلم بازی را بوسید و کنار گذاشت اینك دوست دارد فعالیت هنری را از راه رادیو وتلویزیون دنبال کند،ازخصوصیت های اویکی این است که بیش ا ز دیگران آ رایش می کند وقتی ازاو می‌پرسم چند سال عمر دارد ، رك وصریح جوابم می د هد که به این سوال پاسخ نمی دهم و چه بهترکه توهم ا صراری نداشته با شی، وقتی در سوال د یگر ازاومی‌خواهم توضیح دهد که در و قت نطا قی چرا بی جهت ولزوم سرش‌را تکان میدهد خنده‌ای میکند و جواب می‌ـ دهد نقصی است که خودم هم‌متوجه آن شده ام ، همیشه پیش از قرار گرفتن در مقا بـل کمره نیز یـادم است که این عمل را تکرارنکنم‌اما‌باز یادم میرود به‌اویاد آوری می کنم‌که پیری است و هزار علت واین‌هم‌یکی از آن شماره که سخت ا عترا ض می‌کند که چهل سالگی آ غازجوانی است و تو آنرا مر حله پیری می ـ دانی و سخنان د یگر از این قبیل..

ازشوخی‌گذشته‌ذکیه کهزاد در باره نطاقی عقیده دارد که گو ینده‌باید هر آنچه را نمی داند بپرسد که‌در پرسیدن عیبی نیست و در غـلط خواندن هزار عیب ا ست درارتباط با همین سخن وی به او خاطر نشان می‌سازم که در گو ینده‌گی خو د ش هم ز یاد اتفاق ا فتاده که کلمه‌ای را غلط تلفظ کرده و یا مطلب را در درست نخوانده و در این گو نـــه موارد عکس العمل بد تری هم از خود نشان داده و آن خندیدن بوده بجای معذرت خواستن از بیننده‌که این را هم قبول میکند و قول می‌ـ دهد که بعد ازین بکوشد چـنین نکند .

ذکیه همسر کهزاد نقاش‌چیره‌دست وشناخته شده کشور است به قول خودش به آثارشوهر خود و محیط خانواده عشق دارد وانگیزه تمایل وی به کار های هنری نیز جـــز تشویق کهزاد و روشن بینی و ی نمی باشد و باز هم می ا فزا یـد که پذیرفتن نقش اول فلم «مجسمه‌ها می‌خندند» از طرف وی نیز صرفاً به همین دلیل بوده است که‌سناریوی این فلم بر اساس ناکامیها‌و‌نامرادی های یك آر تیست جوان‌دریك‌جامعه عقب نگهداشته شده بـه نـگارش آمده است .

ودر آرزوی مو فقیت های وی کـه دو ستش دارم از او خدا حا فظی میکنم .

* * *

محمد جا ن گور ن بعد از فاجعه مرگ همسرش که هنوز چندهفته از آن نمی گذرد سیمای غمگین‌دارد وزورکی می کوشد لبخندی به لب آورد ، او که همیشه در حـــا ل هشیاری هم رفتار نشه مـا نـــند داشت بعد از این حادثـه همیشه گیج است و خلاف گذشته خـــمار می نماید ، اما باز یگـر توا ناست وبدون شك آینده خوب درانتظارش می‌باشد ، همیشه وعده فراوان‌می‌ـ دهد ، اما یاد فرا موشی‌دردبیدرمان اوست واز همه بدتر اینکه در هـر موردی که‌و عده ای داده باشد هر دوپای را دریك کفش می کندواصرار می‌ورزد که او برای فردا وعده داده بوده است و نه ا مروز وصد البته که فر دا و دیگر فر دا وفرداهای

بعدازآن هم‌همین حادثه تکرار می‌ـ گردد چنان که یك هـفتـه ا ست عکس خودرا و عده داده و نشا نی به آن نشانی که این مطلب بـــدون فوتوی وی به چاپ خوا هدرفت .

از حادثه های جالب ز ندگی ا و مهمتر از همه این است که او در فلم نیمه دا کو منتری و نیـــمه داستانی «دام مرگ» درنقش مـرد خانواده دو ستی ظا هر گر د یدکه زنش در اثر یك بیماری متدا و م وانگیزه فقر می میرد به این د لیل که او در مو قعش نتوانسته وی‌را تداوی‌کند و متا سفانه این حا دثه فلمی‌درزندگی واقعی او به حقیقت پیوست که امیدواریم غم آخرزندگی اوباشد .

باگورن به احترام غم بزرگی که به قول خودش وبه نقل از صا دق هدایت چون خوره رو حش را می‌ـ خورد و می گزد شو خی نمی‌کنیم واین را می گذاریم به فرصت دیگر



محمد جان گورن

از : دریا

زندگینامه ابرمردهای زنده جاوید تاریخ

این بیوگرافی ها پرشورتر از هر قصه و پرکشش تر از هر افسانه ای است وبهمین جهت ازشما میخواهیم هم خود آنرا بخوانید وهم مطالعهٔ آنرا به دیگر خانواده ها توصیه کنید.

مولانا جلال الدین بلخی

زادهٔ توفان وشوریدهٔ عشق

مردیکه ازتوفان توفنده تروازآذرخش رخشنده تربود

بلخ در آ ن نیمروز آ تشین ،در برا بر چشم تب آلود آفتا ب‌میسوخت ، غر شی در شهر بود ،هنگامه ای بر خا سته بود ، آری بلخ‌میجوشید چو ن رود خا نه ای کــــه سیلا ب بدا ن پیو سته با شد ، میخرو شید بدا نگو نه که دریا کف برد ها ن ، خرو شد و خو ر شید سوزده تر از هر زمــان ، در تــن شهر میسو خت .

گرو هی از بلخیا ن فر یـــــاد میگر دند ، می غر ید ند ومیدویدند:
ـ((بخانه بها ء الدین محمــد میگذراند، فر ما نروا یا ن مینوا ـ ختندش و در بزر گداشتش میکوـ شید ند ، لیکن ا ینك ، زما نــــه حر متش بسر آمده بود : فرما ـ نروا ی بزرگ شهر ، از اورنجیده بود و مایهٔ رنجشش این بود کــه بهاء الدین بی پروا پند ش میداد وپند آ ن را د مرد به فر ما نروا گران میا مد ... در این میا نه‌آنان که از نفو ذ وی در در گاه فرمانروا بیمناك و نا خشنود بو دند ،زبان به سعا یت از او گشو د ند و اند یشه فرما نروا را تیره تـــر ساختند .

نیز آنان که از مشر ب تصوف دل خو ش نمیدا شتند در بد گو یی از او کو شید ند و یکبار ه شهر را بر بهاءالدین شورا ند ند و عرصه رابراوتنگ گردانید ند.

خیل عصیا نگرا ن ، گذرگاهها را در می نور د یدند و شتا با ن به جا نب خا نه بهاء الدین روا ن بودند ، لختی دیگر بهاء الد ین در شعله خشم غو غا گرا ن‌میسو ـ خت و تنش آما ج ضر به هـــای دست و پا ی این و آن میگشت ، ناگهان پیشتاز آن خیــل فر یـاد کردند :

ها ، اینك رسید یم ... ایــن خانه ا و ست ، در خا نه را مــی شکنیم !

درچشم بر هم ز د نی ، د ر شکست و فر وریخت ، خیل‌غو غا گرا ن به درو ن ریختند و سر د ر هر اتا ق و حجره کشید ند و نا ـ گها ن خشمنا کتر از پیش با نگ بر آورد ند :

آن مرد درو غپر داز گر یختــه ا ست ، بر نا را ستی اش همیــن میرو یم ، بهاءالدین را با یـــد بکشیم ...

مردم شما هم بیا ئید ... تانگرـ یخته است بیا ئید .))

برشماره‌عصیانگر ان لحظه‌به‌لحظه افزود ه میشد ، در یا یی از جمعیت به حر کت در آمد ه بود و آهنگ خون بهاء الدین را دا شت .

((بهاء الدین)) واعظ پارسایی از بلخ بود ، ز با ن آور ، خو ش سخن و گرا نما یه ، به‌صو فیا ن گرا یش دا شت ، پیر وا ن فراوان دا شت ، مسند تدریس دا شت و فتو ی میداد .

زما ن را در حشمت و حر مت

وسخنی با خوا نند همشکل‌پسندژوندون

استقبال گرم وتشویق محبت‌آمیز شما خواننده عزیز از داستان ها یی که هر هفته ز یر عنوا ن((بر گزیده هایی از ادبیات‌جهان)) از چند شما ره به این سو بـــه‌شما پیشکش میگر دد ما را وا ـ داشت تا باز هم کار ارزند ه دیگری‌را در دست اجرا گیر یم و گا می د یگر در جهت بهبو د کیفی مجله‌بـر داریـم تـا بـا شد خوانـنـده آگاه و چیز فهم ژو ندو ن را ضی‌تر ا ز همیشه با شد .

ما از این هفته ز ند گینا مه ابرمرد ما ی زنده جاو ید تا ریـــخ رابه شما هدیه میدا ریم که از هرقصه یی شو ر انگیز تر و از هر دا ستا نی پر کشش تر ا ست واز شما میخوا هیم با زهم ما را در این کار یا ری د هید و با ار سال‌نظر ها وپیشنهاد های خود ایـن مجال را فرا هم آور ید که هر هفته‌مجله خا نواد گی شما زیبا تر و با محتو ی بهتر بد ست شما رسد۔یکبا ر دیگر از فرد فرد شما ـاز همه خا نواد ه ها ی خوا نند ه این‌تنها هفتگی نا مه کشور که خود را باما بیگانه نمیا نگـاریـد سپاس‌داریم و در انتظار نا مه هـــا ی محبت آمیز شما میباشیم.

بس ، در بیرون شهر دنبا لش میکنیم .

پس در پی بها ء ا لدین تا ختند، لیکن وی را نیا فتند ، زیرا کــه او شبا نه گر یز ش را آ غاز کرده بود ، از پیش میدا نست که آهنگ هلا کش را دارند ، و اینك چنــد منزل از بلخ دو ر گردید ه بود .

* * *

گر یز جا ن فر سا یی بو د ، بهاء الدین با همسر ش ((مو منهـ خا تو ن)) و پسر چها رد ه ساله ا ش جلال الدین میگر یخت ، آنا ن بیرا هه راه میبر ید ند و درسنگر صخره ها، پنــا ه می گزید نــد، هــر ا س د ر جــا ن شان بــود، بیم دا شتند بلخیا ن هر لحظه ا ز گــرد راه در آیند، بــر آنان‌تا زند وبه خو نشا ن ، راه غبار آ لود سمرقند را رنگین سا زند .

کاروان کو چك بیم آ لود ، را ه می پیمود ، بها ء الدین ز یر لــب خدا را میخوا ند و پسر چهــارده سا نه ا ش را میگفت :

ــدر همه حا ل خدا را بخو ا ن، عشق او ترا از هر گز ند ی میر هاند مبادا هر گز یاد او را به فراـ مو شی سپاری ... نیز بتو میسپارم که آزمو ده را هر گز نیا ز ما ئی به هیچ رو ی نزد خلق از راز ها که در سینه داری دم مــزن کــه خاق تاب شنید ن ندا رد و بی پر وادل به هلاك تو می سپارد ...

آنگو نه که د ید ی آ هنگــك هلا ك من کرد .

جلال الدین پند پدر پارسای خوـ یش را که برا ستی بینای کار بود و بینشی ژرف و پهنا ور دا شت ، می شنید و بدا ن میا ند یشید .

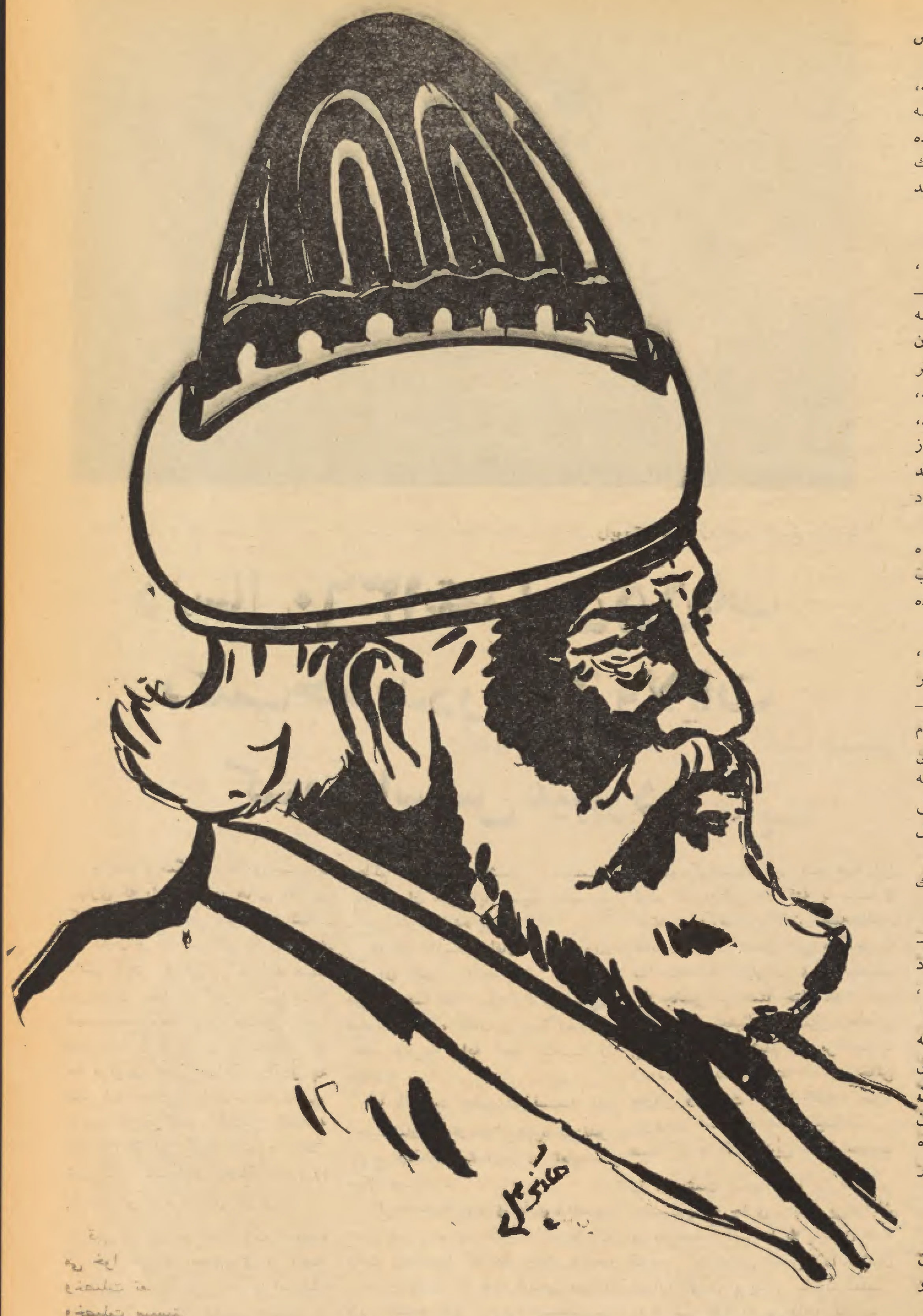
وی از آ ن گر یز بیم انگیز ،نکته ها آمو خت و هر گز لرزه هــای آنرا از لو ح خا طر نشست ، این نخستین رو یداد ز ند گی‌جلال‌الدین بود ، مرد یکه از تو فا ن تو خنده ترواز آذر خش ر خشنند . تــــر بود .

* * *

کا ر وا ن کو چك تر س ترسان ، در ((و خش)) خیمه افکند و سپس در سمر قند ...

سمر قند یان ، مقدم سخنــور دا نشمند بلخ را گرا می داشتنــد وبه زودی آوازه دانشو ری بهاء ـ الدین محمد ، جو یند گا ن دانش دین را چو ن پر وا نگا ن‌بپیر وا، بگرد شمع و جو د او فرا آورد ، مردما ن ، آمده بودند ، از همــه جا ی خرا سا ن، تا که از دریا ی فضل و کما ل وی بهره بر ند ... وجلا ل‌الدین همه جا با پدر بـــود وپدر و پسر ، هر دو هرا سا ن بودند : هردم ممکن بود فیرستادـ گا ن فرما نروا ی بلخ سر ر سند وآندو را در خو ن خو یش شست وشو دهند ، لیکن این هـــرا س بزودی از میا نه بر خوا ست ز یرا که هراس مرگ آ سا ی دیگر باید جا نشین آ ن میگرد ید : هجوا ن فتنه مغو ل ...

بقیه درصفحه ۴۰





عبدالودود (وفامـــل) ر ئیس تدریسات ثانوی هنگامیکه بهسوالات راپورتر مجله ژوندون پاسخ میگوید

درسال ۱۳۶۰ بتعداد ۵۵۵ باب مکتب جدید در مرکزولایات کشور تاسیس میگردد

با مقد م شگو فه ها ی سپید ـ بهاری که بار دیگر در ها ی مکا تب کشور گشو ده می شو ند و شا ـ گر دا ن و دا نش آمو زا ن ما به دانش آ مو زی می پر دا زند مـــا پیرامو ن مسا یل آمو ز شی بـــه صحبت محترم عبدالودود وفامل رئیس تد ریسا ت ثا نو ی می نشینیم که چه فراورده هایی درزمینه داردو چه تغییرات بنیادیی را درساحه تعلیمو تربیت اولاد کشور اساس گذاشته اند درآغاز این گفت وشنود رئیس تدریسات ثـــانوی رشتهٔ سخن را بدست می‌گیرد وچنین می‌گوید:

قبل از طر ح سوا لات شمـــا می خوا هم نظر مختصری بر وضع وخصلت تعلیم وتر بیه در گذ شته وخصلت سیستم تعلیمی بعـــد از انقلاب ثور افگنم .

تعلیم وتر بیه در زما ن فر مان روایی اهل نادر در مجموع به حفـظ منافع طبقا تی چند فامیل بی‌فرهنگ حاکم تخصیص داشت . سیســتم تعلیمی از سر تاپا وسیله تبلیـــغ کلتور غرب شده بود .

در هر جاییکه اطفال فرمان روا ـ یان آن وقت با متحد ینش که طبقه فیودال جـا معه بـود زندگی میکرد معلم، مکتب ، کتاب و همه وسایل تعلیم وتربیه رابه آنجا انتقـــا ل میدادند .

اما اکثریت عظیم فرزنـــد ان زحمتکشان ما ازعلم بی‌بهره بودندو بارنج وعذاب پیشهٔ پدر را تعقیـب میکردند.

اگر ما همه نیرو ی مادی ومعنوی مصر ف شده در تعلیم وتر بیه آن وقت رابانتیجه آن مقا یسه نماییم خواهیم دید که همه آن بی محتوا وبی نتیجه بود . زیرا سیســـتم تعلیمی آنوقت ازهد ف اصلی اش در مجموع به سو ی دفا ع ازمنافع طبقاتی چند فا میل محدود منحر ف سا خته شده بود. ولی انقلاب ملی ودمـو کراتیـک ثور بـه همهٔ این لجام گسیختگی ها نکته پا یـــا ن گذاشت و مطابق پلان ،همه‌سکتور هابه اهدا ف اصلی اش متو جـــه سا خته شد . ولی دیری نگذ شــت که جاسو س شنا خته شدهٔ (سی ـآی ـ ای) حفیظ الله امین وباندبی فرهنگ وخون آشام وی بر حـــزب ودولت مسلط گشتند . این خائن بهوطن ونهضت درتبه کاری ،خون ریزی و استبداد دست چنگیـــزـ هـلا کو و علاو الدین جهان ســوز را از پشت بست وچو ن هتلـــر فاشیست به جا ی رهنما یی‌جوانان به مدرسه ، آنها را به پلیگون هـــا کشید . به عوض تقدیر ازدانشمندان آنهارا گردن برید . سیستم‌تعلیمی را از سر تاپا به بی راهه کشاند . واهدا ف اصلی وتربیه در شرا یط انقلابی رابه کلی فرا موش کـــرد ولی باز هم در برابر این همه یی‌بی مسئولیتی ها ونابسا ما نی هـــا، مردم آگاه ووفا دار به تر قـــی و نهضت آرام نه نشستند ، از کو ته قلفی های پل چر خی تا سنگرهای بین‌المللی همه عناصر پر افتخـار در اطرا ف حزب دیمو کرا تیـــک خلق افغا نستان حلقه زدند، امیـن وباند فاشیست وی را بهگـودا ل تاریخ سپردند . بعد از مر حله‌نوین تکاملی انقلا ب ثور آن چنا نکه‌در همه ساحا ت نظم وبه هم پیوستگی به میان آمد تعلیم وتربیه نیز بر بر ـ نسیب های علمی وانقلا بی بار دیگر شرو ع به توسعه وتکا مل نمود که تاکنون گام های متین در این راه برداشته شده است.

گرچه عناصر ضد انقلاب ایـــن وطن فروشان‌وخائنان تلاش مـــی ورزند تاسد راه پیشر فت ماگردند ومشکلات رادر سیستم تعلیمـــــی ماایجاد نمایند . ولی هیچ‌گاه تاریخ به عقب بر نمی گردد واین آرزوی شان همراه باخود شان به‌گورستا ن سیاه خواهد رفت.

همبستگی مردم مابا حزب‌ودولت مارا متیقن میسازد که همه‌دسا یس دشمن نقش بر آب است .

از رئیس تدریسات ثا نـــو ی می‌پرسیم که آیا درسال ۱۳۶۰ چه پلان های رابرای بهبود وضع‌تعلیمی مکاتب کشور روی دست گرفته اید.

وی در پا سخ میگو ید :

با و جود آ نکه در میهن محبو ب ما تا حا ل نیز هما ن سیستم تدر ـ یسی کهنه روا ج دارد و زار ت‌تعلیم و تر بیه برای بهبود و ضع درسی مکا تب ثا نو ی پرو گرا م ها ی مختلفی را در سا ل جاری رو ی د ست گر فته ا ست بد ین معنی که‌وزا ر ت تعلیم و تر بیه به ا مـر انتخاب معلمین و رز ید ه ومسلکی توجه جد ی مبذول دا شته درو س مکاتب را اولابه آن‌عده از معلمینی می سپا رد که در رشتهٔ مذ کو ر تحصیلا ت مسلکی دا شته با شند و از عهده تدریس مضامین بوجـــه احسن بد ر آمده بتوا نند . همچنان در قسمت کا ر ها ی عملی شا ـ گر دا ن در مضا مین سیا نس‌چون کیمیا ، فزیك و بیو لو ژی که در لا برا توا ر ها اجرا ء میگر ددتوجه زیادی بعمل آمده ا ست .

قبل بر این درو س مکا تب‌کشور دا را ی جنبه ها ی زیاد نظری بودو به جنبه های عملی آن کمتر توجـــه صورت میگر فت . در اکثر مکا تب

انستیوت اکمال تخصص معلمان کشور تاسیس شد

کشور لابراتوار وجود نداشت که کارهای عملی شاگردان در آن صورت بگیرد و یا اگر وجود هم داشت بنا بر علل استفاده شایان از آن صورت گرفته نمی توانست واکنون چنین مشکلی در معارف کشور وجود ندارد وزارت تعلیم وتربیه آن عده از لابراتوارهای مکاتب را که بدون وسایل ضروری بودند به کمك کشورهای دوست با وسایل ولوازم ضروری مجهز نموده است و عدهٔ دیگری را که وسایل کافی در دسترس داشتند ولی بنا بر عدم موجودیت پرسونل فنی وورزیده از آن ها استفاده مطلوب صورت نمی گرفت به کمك مرکز سیانس از لحاظ پرسونل فنی تجهیز نموده است. بهمین قسم برای آنکه شاگردان مکاتب به دروس عملی خود علاقه وپای بندی خوب نشان بدهند وزارت تعلیم وتربیه تصمیم گرفته است که در پر مضمون پانزده پاینست بنام کار عملی به سر جمع نمرات شاگردان در امتحان افزوده شود اجرای این امر معامله خوبی در تطبیق کارهای نظری و عملی شاگردان بوده می تواند ودر قسمت اجرای کارهای عملی درلابراتوارها اعضای مرکز سیانس و مرکز تدریسات ثانوی عملا با شاگردان و معلمین مکاتب سهم می گیرند

در گذشته ها رسم بر این بود که اعضای تدریسات ثانوی فقط در روزهای امتحان بحیث نماینده ریاست تدریسات ثانوی از جریان امتحان مکاتب مراقبت بعمل می آوردند ولی امسال دراین قسمت تجویز علیحده یی صورت گرفته است.

بدین ترتیب که اعضای تدریسات ثانوی بدو قسمت تقسیم شده اند: گروپ اولی آن هایی اند که برای هریك از آنها دویا سه مکتب سپرده میشود ،این گروپ همیشه برای تقویت معلمین مکاتب مربوط دروس نمونه یی تهیه می نمایند وازطریق ارائه آن درمحضر شاگردان‌و معلمان میخواهند معلمان را باميتود های جدید تدریسی آشنا بسازند به طور مثال : آن عضو ریاست تدریسات ثانوی که در رشته تاریخ وظیفه دارد درس نمونه رادر همان مضمون تهیه نموده بعدا به مکتب مورد نظر می رود ودر محضر همهٔ معلمان مربوط به دیپارتمنت تاریخ درس تهیه شده رابه شاگردان یکی از صنف های مربوط ارائه می دارد وتمام معلمین رشته مذکور به طور مشاهد آن را می بینندو می شنوند . بعدا معلمین همان مضمون وظیفه دارند که مطابق همین درس نمونوی که قبلا ازطرف موظف تدریسات ثانوی در حضور ایشان داده شده‌است،دروس خودرا عیار سازند ودر مورد ارتباط دروس نو وکهنه ، طرح سوالات برای دروس آینده و غیره معلومات ارائه بدارند . اهمیت این موضوع در قسمت ارائه اصول تدریس از طرف عضو تدریسات ثانوی در محضر معلمین وشاگردان در این است که: ازیك طرف‌وقت شاگردان ضایع نمی شود وازطرف دیگر عضو تدریسات ثانوی می توانند وظیفهٔ خویش را به پیش ببرد .به طور خلاصه میتوان گفت که‌درسال جاری همه درسهای مکاتب به طور منظم وپلان شده به شاگردان ارائه میگردد .

گروپ دوم اعضای تدریسات ثانوی بنام گروپ نظارت ازتطبیق پلان درسی یاد می شود و این هانیز مانند گروپ اول بر اساس تقسیم وظایف مکاتب رامیان خود تقسیم می نمایند وهمه روزه به مکاتب مربوطهٔ خویش می روند و پلان‌های کار آنها را مشاهده می نمایند و این گروپ وظیفه دارد تا از تطبیق پلانهایی که قبلا توسط گروپ‌اولی به معلمین و مکاتب ارائه شده است نظارت‌و بررسی نمایندوبرای خود معلوم نمایند که آیا معلمین از دروس نمونه یی که قبلا درمحضر ایشان داده شده است تا چه حد استفاده نموده‌اند . آیااستفاده‌کامل صورت‌پذیرفته است یا خیر ؟ واز سوی دیگر در یافت نمایند که‌پلانی که قبلا برای معلمین داده شده‌است تاچه حد تطبیق شده است ؟ اگر نشده است علت آن چه‌بوده و علت عدم تطبیق آن در کدام سر حد میتواند رفع شود در سطح ادارهٔ مکتب ویا در سطح مقامات بالاتر از آن .

طوریکه دیده می شود تطبیق اینگونه پلانها در ارتقای سطح دانش شاگردان واز جانب دیگر عیار ساختن معلمین با پلان کار روزمره آنها بسیار ارزنده ومؤثر است و یقین کامل داریم که ازآن نتایج خوبی بدست خواهیم آورد.

جهت دوم مسئله مربوط به تشخیص استعداد های نهفتهٔ شاگردان‌است‌بدین معنی که‌دراینمورد تصمیم گرفته شده است تا کمیته هایی مرکب از معلمین وشاگردان در‌مکاتب کشور تاسیس شوند و درساحه های مختلف به کار آغاز نمایند . این کمیته ها وظیفه‌خواهند داشت تابهترین نقاشان ، مجسمه سازان ، خطاطان ،رسامان وغیره را از میان شاگردان مکتب مربوط انتخاب نموده آنهارا در رشتهٔ مربوط رهنمایی نموده آن عده از آثار ، نبشته هاوپارچه های هنری ، ادبی و غیره را که توسط شاگردان تهیه شده اند جمع آوری نمایند وازاین پارچه هاوآثار نندارتون هایی تشکیل بدهند و برای تشویق شاگردان در زمینه های مذکور باایشان مصاحبه هایی صورت گرفته از طریق روز نامه ها ، مجله ها وتلویزیون به نشر برسند .

از آن جاییکه والدین شاگردان در پیشبرد وبهتر شدن پروسه تعلیم وتربیه اولاد ایشان‌نقش‌بزرگی را دارا می باشند ما کوشش بعمل می‌آوریم تا والدین شاگردان را در پروسه تعلیم وتربیه سهم‌مستقیم بدهیم وزمینه تبادل افکار با پدران واولیای شاگردان را هر چه بیشتر مساعد سازیم و حاضریم انتقادات وپیشنهادات آن ها را در زمینه بهتر شدن وضع تعلیمی اولاد شان بپذیریم و به فرزندان آنها چنان درسی بدهیم که مطابق به‌خواست خود آنها وجامعهٔ‌ما‌باشد.

علاوه برآن مابه کمك مستقیم اولیای شاگردان در تعمیر وترمیم مکاتب نیاز مند هستیم واز آنها درخواست مساعدت می نماییم .

وی در مورد اینکه تا کنون چه تغییراتی از لحاظ ماهوی درسیستم تعلیم وتربیه مکاتب به میان آمده است چنین ابراز نظر می نماید:

در این مورد نکته ایکه قابل‌تذکر می‌باشد این است که باوجود آنکه سیستم جدید تعلیم وتربیه به‌دورهٔ ثانوی نرسیده ،ولی باز هم ریاست تدریسات ثانوی به عوض بعضی عناوین نا ضروری که درکتب‌درسی مکاتب وجود داشت عناوین مهم و ضروری ایراکه در رشد ذهنیت شاگردان سخت کمك می کندداخل نموده‌است واز طرف دیگر مضمون جدیدی رابنام (جامعه شناسی‌نو) می خواهیم در مکاتب کشور تدریس نماییم واطمینان کامل داریم که کتاب مذکور بزودی در دسترس شاگردان قرار خواهد گرفت و عجالتا ما عناوین کتاب مذکور را در اختیار معلمین مربوط قرارداده ایم تابرای شاگردان مکاتب الی رسیدن کتاب مذکورتدریس گردد .

با اطمینان کامل میتوان اظهار داشت که‌ کتاب مذکور در شناخت اساسات تکامل جامعه به شاگردان سخت کمك خواهد کرد.

هنگامیکه سیستم جدید ما به کاربافتد سیستم کاملا فشرده وبهم بسته یی خواهد بود که میان صنوف و مضامین مکاتب ارتباط قایم خواهد گرد و هیچ صنفی با صنف دیگر ویا هیچ مضمونی با مضمون دیگر بی ارتباط نخواهد ماند ماقبل از رسیدن و به کار افتیدن این سیستم بهم بسته تدابیری را که در فوق از آن تذکار بعمل آمد برای بهبود وضع ماهوی سیستم درسی کشور روی دست گرفته ایم .

از رئیس تدریسات ثانوی تقاضا بعمل آوردم تا در مورد سرنوشت آن عده از شاگردانیکه مکاتب‌مربوط آنها در اثر حملات خاینانهٔ عناصر ضد انقلاب در سال گذشته ویران ویابه آتش کشیده شده‌اند و بناء بر موجودیت عللی آن ها نتوانستند در سال گذشته به دروس خویش ادامه بدهند

بقیه‌درصفحه ۲۲

بخوانندگان محترم مجله ژوندون معلومات ارائه بدارد ، چنین بیان داشت :

بقیه درصفحه ۳۳

ستارگان افسانه ساز

ترجمه از : وافی

سرگی بوندر چوك

رژیسور اکتور ومعلم

پدر سرگی بوندر چوك کارگر بود تا سن هفت سالگی در یك قریه اوکرایین زندگی مینمود .ازطفولیت طبیعت را دوست داشت غـــروب و طلوع را در دشت دیده وسبزه‌ها را بو نموده بود آنچه روح اورادر طفلی نوازش کرده برایش جاو ید



سرگی بوندر چوك در فلم«سر نوشت انسان»

گشته وبه همین اساس بعد هـــا فلم عشقی ((دشت)) را ساخت .

در استودیو ی تیاتر ی شهـــر سیتوف درس خواند . درزمـــان جنگ با فاشیزم همرا ی قشـــون تمام راه ها ی شکست و پیروز ی را گذشتاند مرگ را به چشـــم خود دید . زندگی را فهمید .

آغار کار سرگی بوند ر چـــوك در سینما تو گرافی خیلی عالی شروع شد هنوز محصل بود که برای‌اجرای نقشس اول دعوت شد. وی قبـــل از اینکه تحصیل خود را تـــمام‌کند مدتها قبل به شهرت رسیده بود.

درسی و دوسالگی لقب آرتیست مردمی اتحاد شوروی را کمایی‌نمود.

اولین کار رژیسوری وی فلـــم ((سرنوشت انسا ن)) بود وبرایش شهرت بین‌المللی کسب نمود .

چار لی چاپلین اکتور ((فقید)) انگلستان فلم «سرنو شت انسا ن» را عالی ترین فلم خـــوانده بـــود ل.راس او لیف اکتور دیگرانگلیسی بعد از تما شا ی فلم «اتللو» نا مه بروجد برای اجراکننده نقش«اتللو» یعنی بوند رچوك فرستا دو چنین‌او راستود با نی ر یـــا لیزم جـــدیـــد ایطـالیا رو بیر تو روسسیلنی برا ی اجرا ی یکی از نقش های عمـــده فلم «نصب در رو م شب بود» از بوند ر چوك دعوت نمود .

بوندر چوك فلم بزرگ تار یخی ((جنگ وصلح)) را سا خت و با موفقیت بی نظیر در پرده‌های‌بزرگ دنیا در خشید و برا ی وی اسکار به ارمغان آورد .

پردیسور ایطا لوی دینو دی لاـ اورنیتس از بوندر چو ك تقاضاکرد تافلم ((واتر لو)) را رژی نماید .

دوست داران هنر بو ندر چـوك درتمام قاره ها فرا وانند اکـــثرا بمجله ((فلم شوروی)) نامه های زیاد میرسد که در آنها تذکر رفته بوندر چوك اکتور دوست داشتنی مایا بوندر چوك خوبتر ین رژیسور معاصر سینما . بوندر چو ك خیلی سخت گیر ودقیق است چه تمثیل کند یا رژی نماید تمام قدر ت خود رابه آن معطو ف میدارد مثل اینکه این آخرین کاروی باشد تیپ وکرـ کتروی چنان است . هنگام باز ی نقش تمام نیرو خود را به کار می اندازد وهیچگاه تابع اراده رژیسور نیست وبرای کامل ساختن نقشس ازتجر به ها ییکه از زند گی آموخته استفاده میکند .

چند نقشی وی از نظر کر کـــتر وتیپ خیلی با هم نزدیك بودند اما باآنهم هر کدا م شخصیت جداگانه از هر نگاه متفاو ت با مهار ت‌اکتور توانا عرضه شده وکار خلاقی وی مورد تایید واقع گردیده اســـت .

قهر مانا ن وی کسا نی بودندکه در زمان جنگ میز یستند وتمثیل زندگی آنها احسا سا ت و عوا طف آنها برای عسکر دیروز ی که‌خودش شاهد بوده‌وآنها را خـــو ب در ك میکند طبیعی است .

قهرمان فلم از سر نو شت‌انسان شو کلو ف در میان خون‌و آتش و دوزخهای هیتلری خوبتر ین‌عواطف انسانی را حفظ مینما ید وازدشمن نفرت دارد .

این قهر مانان انسانها ی عا دی باسر نوشت های‌خیلی تراژ یـــدی اما در حـــال ا نسا ن هـــا ی‌دارای عواطف بزرگ انسا نی اند .

در بین قهر مانا ن و ی گرا ف بیزا و خوف «جنگ وصلـــــح» جنرا ل ((اتللو)) قرار دارنـــد او هیچگاه رو ل منفی انسا ن هـــا ی لاوبا لی راباز ی نکرده است .

در فلم ((آنها به خا طر میهـــن شان جنگیدند)) بوندر چو ك‌یکبار دیگر باقدر ت تمام ظاهر شد .

بوندر چو ك اصلا عقیده داردکه اکتور شخصیت اصلی فلم است .

در انستیتو ت سینما تو گرا فی هر آنچه از زندگی آمو خته باتجربه های هنر ی خود در اختیار جوانا ن قرار مید هد .

کار کردن برا ی هنر مندا ن‌جوان با بوندر چودك خیلی دلچسپ است زیرا باوجود شهر ت جها نـــی او خیلی مهربان بوده خـــود را ی و دیکتاتـــورنیست زمیـــنه را بـــرای جوانان مساعد میسازد تا آنهـــا بتوانند بیا موزند وبیافرینند.



بوندر چوك در فلم «اتلـــلو»

بوندر چوك شصت سا ل داردا ما خستگی ناپذیر بکـارش مصر و ف است .

دختر بوندر چو ك نا تا لیابوندر چوك راه پدر راگرفته ودر چند فلم موفقانه بازی نموده است . .

درین فلم ها حصه داشته:

((قشون جوان)) ، ((ماماوانیا)) «پدر سرگی»، «اتللو» ، «ترا ســ شو یچینکو» ،جنگ‌وصلح ، آنهـا به‌خاطر میهن‌شان جنگیدند))ویکی از آخرین فلمها ی وی که در کا بــل به‌نمایش گذاشته شد فلم ساحـل آرام بود .

در فستیوا ل سینما یی عشــق آباد (تر کمنستان شوروی) هیئت ژوری بازی عالی وی را ستو دندو جایزه بزرگ را او دریافت نمود .

حالا بوندر چو ك با لای فلمی‌کار میکند به اسا س کتا ب‌نو یسنده بزرگ امریکا جان رید ((ده روزکه جهان راتکان داد)) . به انتــظار موفقیت بیشتروی .



بوندر چوك درفلم ((جنگ‌وصلح))

بریژیت‌باردو



بریژیت باردو بعــداز وداع از سینما شرو ع به نوشتن کتــا ب نمود .

ودر بهار سا ل۱۹۷۸ او لــین کتاب خود را به نشر سپرد .

این کتا ب ((نواوننا گو سا له سفید)) نام داشت وبرا ی اطفا ل نوشته شده‌بود .

کتــاب دوم وی بــرای دفاع از سگها نشر شد . و درین اواخــر کتاب، سوم وی به ضد شکــار از چاپ برآمده است.

یلینا پر و کسلوا



یلینا پرو کسلوا در نقش‌ناتاشا_فلم((بادراجستجوکن))

فلم رنگه ((باد را جستجو کن)) که درین اواخر با موفقیت خیلی‌زیاد در سینما های کابل به نما یــش گذاشته شد واز زیبا یی ها ی‌خاص برخوردار بود .

این‌فلم ازسا خته های استدیــو سیرردلو فسکی شورو ی میباشد. سناریو فلم‌ازوقایع سال‌های قرن بیست است .

سناریست وکار گردا ن فلـــم ولادیمیر لیو بو مودروف و کمره‌مین آن ولادیمیر بوندار یو ف است .

رژیسور سنار یست معلو مــات کافی در قسمت اسپها دارد زیــرا سالها قبل او در مسفیلم رهنما یی گروپ کاسکاد ها بود .

این فلم‌اززمان جنگهای‌داخلــی و از قهرمان هاییکه به خاطر خوشبختی مردم به استقبال مرگ‌رفتندحکایت میکند. برای رژیسورانتخاب‌کسانیکه وی به آنها ضرور ت داشت خیلی دشوار بود . در این فلم ما می‌توانیم کار ها ی مختلف را تما شا کنیم صحنه که بالای اسپها فیر میکنند واسپها بالای آنعده که فیر نمایند حمله ور می شوند خیلی مهیج‌است. درین فلم کو نونوف ،گری کودییف حصه داشته ویلینا پروکسلــوا در نقش ناتا شاخیلی عالی بازی نموده.

زلمی ځاځی

پسرلی او د هغه ذکر په پښتو شعر او شاعری کی

یو کال څلور فصله دی ، هر فصل ځان ته بیل خوند او کیف لری په دی څلورو فصلو کی د چا منی خو ښیږ ی د چا او ړی او بیا لاژمی چا ته ښه ښکاره کیږی . مگر په دغو څلورو فصلو کی کوم فصل چی هر ساکښ یعنی دانسانانو ، حیواناتو شینلیو (نباتات) الو تونکو خو – ښیږی هغه نو ښایسته پسرلی دی.

ځرنگه چی د پسر لی مو سم دخو ښی اوخوشحالی موسم دی هر څوك خوښ وی او غواړی چی دپسر لی د زړه را ښکو ونکی موسم څخه د زیات نه زیات خوند واخلی نو لکه ځرنگه چی دیوه لاس گو تی سره یو شان نه دی همدارنگه پـه انسانانو کی هم تفاوت لیدل کیږی چی دا تفاوت د ذهن، دماغ، شعور، هیجان ، عاطفی او داحساساتو لـه مخی وی . نو همد غسی شاعر پـه انسانی ټولنه کی د ژور درك او د رنگین ذوق خاوند وی هره پیښه اوهر څه ته د زړه او د دماغ په سترگو ګوري کیږی نو ځکه شاعر نسبت نوروانسانانو .نه پسر لی ته ډیر ښه هر کلی وایی .

شا عران ځکه پسر لی ته ډیره خو شحا لی ځر گندو ی چی په دی فصل کی د طبیعت او کایناتولیاره یوه نوی او ښایسته کوونکی دوره را غلی وی په دی فصل کی لـه سیرو میرو ، غرو، جلگو اودپیغلو څوانانو په اور بلو اوپگړ یو کـی ... او ښایسته گلو نه لیدل کیږی او له هره ځایه د خو شبو یی خوږی وږمی پورته کیږی .

د پسر لی په صفت کی کـه هر څومره و لیکو نه خلا صیږی ځکه چی دپسر لی صفتو نه او انعا مونه ډیر دی .

دا یو منلی وا قعیت دی چی شعر او شاعری په هره ژبه کی شته او دهری ژبی لیکوالو او شا عرانو په خپلو اشعارو کی پسر لی ستایلی دی خو پښتنو شاعرانو پسر لی ته ډیر ښه او اوچت مقام ور کړی دی او هغه یی ډیر ښه ستایلی دی .

لومړی به پسر لی د پښتو په کلاسیك ادب کی وڅیړو وروسته به یی په معا صری شاعری کـی وگورو بیا به یی په ولسی شعر او شاعری کی و څیړو .

دو لسی شاعری نه موغرض دادی چی په لنډیو ، بگتیو، نیمکیو، چـا ر بیتـو ، او د ا تـن په سرو کو کی به یی و څیړو چـی گران لوستو نکی د ښه نه ښه خوندترینه واخلی .

ښکارندوی چی د غور یا نـوددوری شاعر وه دپسر لی په باب کی یو لویه قصیده لری او دپسرلی یا دونه داسی کوی :–

دپسر لی ښکلو ونکی بیا کړه سینگارو نه

بیا یی ولونل په غرونو کی لا لو نه

څمکه شنه لا ښونه شنه لمنی شنی شوی

طیلسان زمر د ی و ا غو سته غرو نه

دنیسا ن مشا طی لاس دمچید ، دی

مر غلروبانـد ی و ښکـلـل بـڼو نـه

د غټو لو جنډی خاند ی وریدی تـه

زر غو نوبڼو کی نا څی ز لمی جو نه

لکه ناوی چـی سوړ تیك پـــه تندی وکا

هسی وگا ټل غټو لو سره پسولو نه

مر غلری چی او ره و خو نـولیه

په څلایی سـوه را نـه خپاره د ښتونه

زر غو نو څمکو کی څل کا لکه سو ریه

چی پرهسك با نـد ی ځلیږی سپین گلونه

زرغو ن ز میند اوری دپسرلی په باره کی ښه اشعار لری یو څـو بیتونه یی دادی:

پسر لی شو غنچـه گـل کا	زلفی تاوی د سنبل کــــا
بلبلا ن شور و فغا ن کــــا	کړ یدن په گلستـا ن کــــا
زاهد و زی صو معی څخـــــه	شراب پیر ی میخانی څخــه
هر سړی په میو مست د ی	دی بهار کی گلپرســت د ی

خوشحال خټك د خپلی لو یی شا عری نه یی پسر لی هم له یاده نه دی ایستلی . خو شحالخان په دی عقیده دی چی هر شی او هر څـــه دخپل یار او معشو قی سره گډ اویو ځای ښه خوند کوی لکه چـــی وایی :

دبهار د گلو نو صفت څو کـړم ولی بی یاره هر گل دزهروجام دی

او بیا د پسر لی هر کلی داسی کوی :

ښه چی را بیدار شوی د بهار زیړیه گله

تل یادونه عند لیب په هر نفس کړ ی.

عبدالر حمن بابا چی داشعاروسره یی هر پښتـون آشـنا دی . دپسرلی په باره کی وایی :

بلبـلا ن پسی ناری وهی رحمانه دبهار گلونه شوی دی که نه دی؟

محمد هو تك بن دا ؤد د پټی خزانی مؤلف دپسر لی په باره کی داسی وایی:

بی له میو د بهار نندار ه څـه کړ م

پسرلی شو دخو ښـی یو پیغـام را

دنیا یا ته ده ښا دی مو یو گړی وی

یو گړی می خوښ که می گړی انعام را

داوه دپښتو دکلاسیك بر خـــی دیو څو شا عرانو شعرو نه دپسرلی په باره کی اوس به وگورو معا صرشاعران د پسر لی په باره څه عقیده او نظر لری .

عزیز الر حمن ممنون دپسرلی په راتگ ډیره خو شحا لی ځرگند–

وی ا وددی دپاره چی پسر لی ته یی‌ښه هرکلی و یلی وی غوټی ته وایی چی دپسر لی وږ مو ته په خندا شه‌او توری تیاری ته وایی چی دتحول ډیوو ته وخانده او وایی :

ای خو ږی غوټی د پسر لی ورمو ته وخانده
ای‌خوږی‌اسری دنو ی کال نغمو ته و خانده

ای توری تیاری د تحول ډیوو ته‌وخانده
زر شه‌هله‌زر شه دا ځلی آرزو ته وخانده

پو هنوال ډاکتر مجاور احمدزیار پسر لی ته داسی خپلـــه خو شحالی څرگندوی او وایی :

چی نسیم د پسر لی بیـــا | د غو ټیـو ز ړو نه سپـړ ی
سم و غـر د ځمکـی وا ړ ه | سره لا لـــه گلونه سپـړی

نصر الله حافظ پس له دی نه‌چی په خپلی خواو شا کی یی‌دپسر-

د شپو ور ځو له نشاط او علا مو نه‌معلو میږی

دروښانه‌لمر دځریکو پلو شونه معلو میږ ی

دسیندو نو له څپو او بړ بکو نـه‌معلو میږی
دسبا دخوږ نسیم له چلیدو نه معلـو میږ ی

دشپو نکیو د شپیلیو دنغمو نـــه‌معلو میږی
دزلمیودمستیـو اتـڼو نـــه معلو میږ ی

د ښادی قا صد یی وخته گر ځیدلی‌لی‌په‌لی دی

چی راغلی‌سرلی دی چی‌را غلـی پسر لی دی

ار واح ښاد استاذ گـل پـاچاالفت په دی عقیده دی چی دا ځمکه لکه د بخمل شنه شوه او دا جها ن‌بیر ته ځوان ښکاری دا اغیزه د پسرلی بو لی :

ځمکه تما مه شنـــه بخملـی د ه | نوی بها ردی د کال ځوانی ده
دا ټول جهان چی بیرته‌ځوان شی | اغیزه ټـو لـه د پسرلـی ده

او په بل ځای کی وایی :

پسر لی کی که دگلو ننداری کړی | هیروی مه دا د بلبلو زیار تو نه

ار واح ښاد استاذ قیام الدین‌خادم دپسر لی په هکله داســـی وایی :

ننداری ور ته سجده کا محوه کیږی‌له حیر ته
پښتونخواناو ی سینگار شوه د بهار له‌برکته

دا وا دی ، هو غه دره ده دغه رودهوی آبشار دی
دلته ښارهلته بازار دی‌منظر ی دی‌بیش‌قیمته

او په بل ځای کی وایی:

توری ،توری ، سپینی سپینی ،غوړسکی غوړ سکی وریځی وینم
مرغلری‌ځا ځی او ری له آسمان‌ځنی راښکته

شنی بخملی راخ پری شوی دو طن‌په خړو د ښتو
چمندو نه‌هر خوا جوړ شول‌دما لی له محنته

په رانگ دی تازه گی شوه کاینا ت‌دی کړه بیداره
ته په‌خیرراغلی بهاره، ته‌په‌خیر راغلی بهاره

اوس به وگورو چی پسر لی‌زموږ په و لسی ادب کی ځر نگه ستایل شوی دی . دو لسی ادب‌نه‌زموږ مطلب لنډی ، بگتی،چاربیتی، غزلی، نیمکی ،سرو کی دی چی‌دهر یوه نمونه به ولیکو :

پاتی په ۵۰مخکی



نامه‌هایی از هفت اقلیم

تنظیم وترجمه از : میر حسام الدین برو مند

راکت‌های اتومی امریکا تهدید بزرگی برای صلح جهانی

بشریت متر قی خود را ناگزیر میداند وپیوسته جدیت به خرچ می‌دهد تا علیه نیرو های جنگ طلب که هر آن جنگ سرد را دا من میزنند ، برزمد تاباشد که بااختتام بخشید ن مسابقا ت تسلیحا تی صلح پایدار بر قرار گردد .معذالك به‌طور مستدام از نیرو های صلح طلب حمایت به عمل آمده است . هزینهٔ نظا می جهان سر ما یه‌داری امروز به (٤٥٠)میلیارد دالر بالغ میگردد مگرچراچنین سرمایه‌هنگفتی وقـف تولید اسلحه گردد نشرات مطبو ع ،رادیو ،تلو یزیو ن وتمامی وسایط ارتباط جمعی ورسا نه هـای گرو هی جهان کاپیتالیستی بااشکال گوناگون نود الی صدفیصد ایدیو- لوژی مسموم کننده و زهر آگـین راپخش می کنند وبدینتر تیب خود بخود پروگرا م تولید تجهیـزا ت نظا می روز تاروز گستر ش‌بیشتر می یابد که چنین نشرا ت همواره‌با پرو پا گند ها ودرو غ های‌شاخدار که بیشتر منا فع کشور ها ی کا- پیتالیستی را دربر می گیرد، تـوام میباشد . این انتی سوسیا لیست هااند که علیه ترقی پسندا ن قرار گرفته اند. سیاستمدارا ن ،ژور - نالیستا ن ،نویسندگان یك‌مسوولیت بزرگ را متقبل گردیده اند از آنان دعو ت شده تاطبل جنگ را بصدا بیاورند . مسابقا ت تسلیحا تی به طور روز افزون برای زحمتکشا ن کشور های کاپیتا لیستی یك اندوه ومحرو میت بزرگ رابه بار آورده است که بر سبیل مثال جنبش های معد نچیان در کشور های‌غـر بی‌خود موید این امر است. کاهش‌مزدکار- گران معدن یکی دیگر ازنمونه های حق تلفی کارگران در جوامع کا - پیتالیستی است چه پولیکه از ین راه تدار ك وصر فه جو یی میگردد مخارج تجهیزا ت گزاف تسلیحاتی وتجهیزات بیمورد نـظامی غربی از همین راه فراهم میگردد. بـه طور مثال: یك‌وسیله زره‌یی (لیو پا رد بیست‌ودو) چنان قیمت گزا ف دارد که باآن میشود برای (سی وشش) فامیل منازل سه اتا قه اعما رگردد. بجای یك قا یق تـحت ا لبـحری موسوم به (تر یرنت) میتـوا ن (دوصدو چهل) شفاخانه به قیمت سی وپنج میلیو ن کرو ن دنمار کی ساخت ویا هم برای شانزده ملیون طفل مصار ف یکسا له تحصیـل راپرداخت . جا ی بس نگرا نی‌است که تخنیك ودانش در کشور هـای کاپیتالیستی برا ی اهدا ف‌مخربانه استخدام گردیده است ودر ست‌در جهت مخالف‌وبه عو ض تو سعه و رفاد بشریت ، هفتادو پنج میلیو ن نفر درخدمت نیرو های جنگی‌قرار دارند ویابعبارهٔ در فابریکه هـا ی تجهیزات اسلحه های اتومی‌مصروف کار اند ومستقیما در خدمت جنگ قرار داده شده‌اند . بدین حسا ب بیش از بیست‌و پنج فیصد دانش منـدان و انجنیـران د ر همچـو کشور ها در صف دامن زنند گا ن جنگ قرار دارند . حالانکه باخلـع سلاح کامل سیصد میلیارد دا لردر اختیار بشر قرار میگیرد و با ایـن پول میشود به طور مثال برا ی‌کشور های روبه انکشا ف یك بخشـــ بزرگ زند گی شانرا تامین نمودو در مرفو ع ساختن بسـیار ی از پروبلم ها ونیاز مندی ها ی بشر نایل آمد . بر سبیل مثـال تدابیر محافظت بین‌المللی جها نی ،توسعه پروژه های مواد کیمیاوی بگو نه‌یی که‌برای زحمتکشا نیکه در فابریکه ها کار میکنند هوا ی داخل فابریکه شفا ف وتصفیه شده باشد . ...، در کشور های عقبمانده که نفو ذ قدر ت های سر مایه دار ی بر آنان مسلط میباشد هر گز کاهش و قت کار گران و بلند بردن مزد آنـا ن مطرح بحث نبوده ، بر خلاف همه مساعی در جهت مخالف منافع کار گران بوده است . تاکید برا ی‌خلع سلاح عام وتام وپیرو ی از تصامیم هلسنگی ، جدیت برای قد غن‌اسلحه های اتومی ، بیطر فی وپایان‌بخشیدن مسابقات تسلیحا تی از مسا یلـی است که همه وقت ملل متر قی بدان ارج گذاشته وبرا ی تحقق آن‌بذل مساعی نموده است .

در زمینه شعار همیشگی ملـل مترقی همواره اینبوده است : مـا علیه همه نیرو ها یی اعترا ضـ مینماییم که با همه ذرایع میکوشند حقوق ملل را پایما ل ، بر بر یت بردگی ،بیسوادی ، فقر و بیچار گی بنفع نیرو های صلحدو ست وترقی پسند تغییر بیا بد ، سترا تیژ ی اضلاع متحدهٔ امریکا پیو ســته چنا ن بوده که مسابقا ت تسلیحاتی راگسترش بخشد . فعالیت هـا ی مغرضانه امریکا خاصتا نقطـهٔاتکاء دیگو گار سیا ، ارسا ل یك ترو پ مداخله گر در اوقیانوس هـنـد ، سوگند علیه دولت انقلابی افغانستان وارسا ل اسلحه در پاکستا ن ،همه وهمه از تضاد های مستقیمی است که باعث نابسا مانی ها گردیده و مغایر خواست هلسنکی است . در پلان های کشور های شا ملهٔ نا تو، اشکال راکت های جدید اتو می‌نیز را در کشور همچنان نگهدار ند . ماشنگان صلح دوا مدار جها نـی هستیم با این آگهی که تهدیدصلح نا‌آرامی مختلف را بار آورده‌ومسا- بقات تسلیحا تی است که نامساواتی را گستر شـ می بخشد . بـرای آن کشور هاییکه در تحت شرا یط عقبماندگی زند گی مینما یند ،گریز از فقر ودستیابی به صلح بـر ا ی آنان ابعاد تازه وزند گی سا زی‌دارد بایستی به طور قطع مسا بقـا ت تسلیحاتی پا یان پذ یرد وتدابیری به کار گرفته شود تا از پایگذار ی وساختما ن انوا ع جدید اسلحه‌های اتومی مخر ب که در پیشا پیش‌آنان امریکا قرار دارد ، ممنو ع قـرار بگیرد. در اثر تصامیـم ناتو است که سلاح ا تو می تولید می‌گـرددو بیشتر مایهٔ نارا حتی جها نـیا ن میگر دد . با ا ین و صـف د هـه هشتاد دههٔ امید وار یست برا ی تناسب قواء تاباشد که شرا یـط



در شهر مـو نشن آ لـمان فدرال مردم هم صدا با هم میگویند ما راکت های اتو می رادر کشور خویش نمیخوا هیم .

شامل است که این خود در نیات بشر دوستانه ملل مترقی خدشه واردمی‌آورد. درجنبش صلحخواهی فرانسه در ماه مارچ گذشته مجموعاً (.....٢) نفر در لستی امضاءکردند که‌علیه راکت های (ناتو) ترتیب یافته بود . انان اعتراض شانرا علیه هستری جنگ‌طلبانه در اضلاع متحدهٔ امریکا ازین طریق به‌واشنگتن رسانیدند و هزینهٔ مسابقات تسلیحاتی را غیر انسانی وانمود کردند .

تاسیس مکتب شبانی در روتین

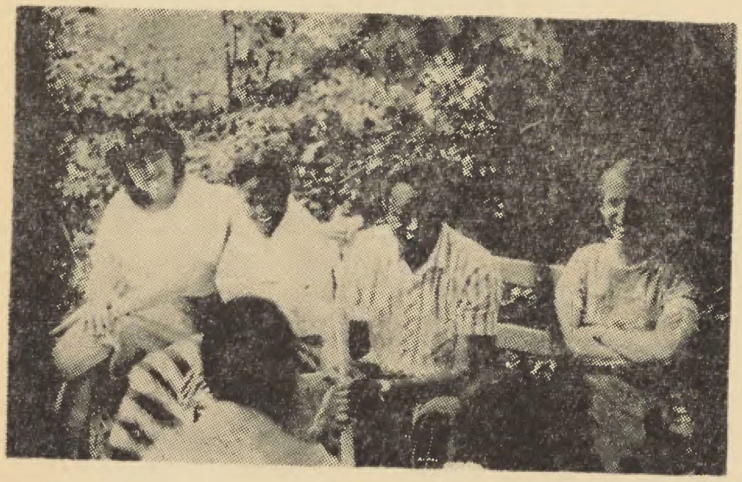
اینك بدین تازگی ها یك مرکز جدید به منظور تربیه وپرورش گوسفندان در جمهوری دموکراتیك آلمان در حوزه موسوم به((هالی)) رویکار آمده است . در واقع این مرکز جدید حیثیت مرکزی رادارد که در بر گیرندهٔ تمامی فعالیت های حرفوی درامور تربیهٔ حیوانی میباشد . از نگاه فعالیت های جدید این مرکز ، فعالیت یك چوپان به مراتب بیشتر رویایی ورومانتیك میباشد تا مشاغل دیگر . درین حوزه عدهٔ کثیری از چوپانان به منظور فراهم آوری معلومات در شغل چوپانی گرد آمده اند چه تربیهٔ مواشی خوب بیشتر متضمن آنست که شبانان ماهر عرض وجود نمایند . شبانان درین مرکز با اسلوب تربیهٔ مواشی را به طرق جدید آن آشنایی حاصل خواهند نمود . البته درینجا مربیون مجرب با خستگی ناپذیری تمام درین امر مساعی به خرچ میرسانند چه محصولات حیوانی در اثرتوجه چوپان باتجربه به خواهی نخواهی ارتباط مستقیم دارد . دانشمندان حیوانی یونیورستی (کارل مارکس) نیز در جملهٔ مربیون مرکز تربیهٔ مواشی ما فوق الذکرشامل اند . گزارشی حکایت از آن‌دارد که محصولات پشم ، گوشت ،پنیر ومشتقات آن چه از نگاه کمیت وچه از نگاه کیفیت رنگ بهتری خواهد گرفت و حسب توقع ونیازمندی تولیدات حیوانی مذکور بالا خواهد رفت . در اثر تربیه مواشی که توجه شبانان نیز تاحدی در آن دخیل میباشد کیفیت و کمیت تولیدات حیوانی بمراتب ازدیاد یافته ودرسطح بالاتری از تولید قرار خواهد گرفت . دراثر این دگرگونی ها مسلماً ذخایر تولیدات حیوانی گسترش و کسب فزونی خواهد نمود .

شفاخانه جنگلی در خدمت زحمتکشان ملل مترقی

((شفاخانهٔ جنگلی)) برای مبتلایان به مریضی های گوناگون ماحول ((دوبیز)) که یك محل آشنا ومطلوب بست .این محل به فاصلهٔ نه چندان دور از شهر در منطقهٔ ((هالی)) که خود یکی از مراکز مشهور صنعتی میباشد، واقع نشده است .

به عوض بوی دارو هاییکه در کلینیك ها معمولاً به مشام میرسد در شفاخانهٔ مدرن(شفاخانهٔ‌جنگلی) عطر دلپذیر علفزار ها و چمن ها و گلها ، مشام انسانرا نوازش می دهد . اطراف شفاخانه متذکره تا فاصله بیست متری آن بادرختان صنوبر وغوش وبوته های همه‌وقت پرازشگوفه محاط گردیده است. مریضان در شفاخانه متذکره باعطر دلفریب وفرحت بخش که شمیم‌آن نوازشگر دماغ است. کاملا آشنا و بلداند وبدون شك اینهم عطر هادر راه صحتیابی مریضان ،موثریتش را زود بجا میگذارد . در شفاخانهٔ جنگلی متخصصین اورتوپیدی که خودش از میتود های درمانی‌خوب در جمهوری دموکراتیك آلمان میباشد به اسرع وقت در تداوی مریضان میکوشند . مسئله عمده همانا درمان مریضان شفاخانهٔ مذکور بر خلاف تمامی شفاخانه های دیگر به وسیلهٔ نباتات است.

روی همین اطمینان است که حتی از دور ترین نقاط جهان مریضان رابرای تداوی درین جنگل دور افتاده ، گسیل میدارند . اکثرا این شفا خانه در خدمت آنانی‌قرار دارد که سراسر عمر شانرا وقف خدمت به مردم نموده اند ودر اثر حملات وفیر های دشمن معیوب گردیده وبدن شان صدمه دیده است . در واقع این شفا خانه‌بیشتر در خدمت آنانی قرار دارد که با چنین سرنوشتی رو برومیگردند.در اثر تلاش های مداوم متخصصین و کارمندان طبی شفاخانهٔ مذکوراست که در آن ناحیه توبر کلوز یکسره



چند تن از مریضان‌راازکشور های زیمبابوی ، موزمبیق لاوس وکمپوچیا در یکی از گوشه‌های شفا خانه جنگلی ، مشاهده مینمایید

نابود گردیده است . جالبتر از همه در (شفاخانه جنگلی) یك حمام‌نیز ساخته شده که بنام (حمام کلینیك دوبیز) مسماست که مخصوص مریضی های جلدی و همچنان‌جگر وشش بوده و مریضان در اثر عرق کردن درمان میشوند.دکتور ((دیتر یونگ میشل)) دکتور طب شفاخانهٔ متذکره که در ضمن بحیث متخصص اورتوپیدی سراسر آلمان دموکراتیك ایفای وظیفه مینماید . وی توانسته با یك پیاله دارویی مایع که تازه مواد دارویی مذکور را کشف کرده ، به خوبی مریضان تداوی میگردند . مسئله زیاد در خور توجه آنست که‌ازممالك آسیا ،افریقا و امریکای لاتین مریضان بیشماری را درینجا برای علاج می آورند .

در ((جنگل دوبن)) از ویتنام ، کمپوچیا ، لاوس ، بنگله دیش ، موزمبیق ، زیمبابوی ، افغانستان ونیکاراگوا برای معالجه آورده می شوند. به علاوه‌در کلینیك‌های هانیر نبرگ برلین ، هاله ، گرایسفالد و سایر نقاط عمده‌صنعتی درمانی آلمان دموکراتیك از سیستم درمانی که(شفاخانهٔ‌جنگل) مروج ومعمولست، استفاده می گردد . در ((شفا خانه جنگلی)) بغرنج ترین عملیات ها انجام می‌پذیرد وآنهم چه پیروزمندانه . در حال حاضر در مرکز درمانی متذکره دوازده مریض از افغانستان لبنان، ایتوپی، مالی ، سودان‌و گینا بیساو درین جنگل تحت معالجه قرار دارند . یکتن ازنظامیان ایتوپی موسوم به((دانیف‌سایفو)) که در اثر جراحت یك فیر چشم چپش را از دست داده وبازوی چپش نیز تایك قسمت شانه اش **فلج گردیده بود .**

درین شفاخانه در اثر شعاع و ماساژ وهمچنان یك پروگرام ((تمرین حرکات اعضاء)) مذکور به‌سادگی درمان گردید. مجروح خودش مدعی است که بزودی و بدون تحمل و مشقت چنان درمان گردید که به مشکل میشود باورکرد که مجروحی بدین سادگی درمان گردد . محمد شریف یکتن‌ازدهاقین افغانی که در اثر حملات یکی ازباند

بقیه درصفحه ٤٣

((سید الی))

زنان کشور با سلاح علم و دانش مجهز می گردند

زنان حماسه ساز افغان دارای همه صفات وطن دوستی ـ شجاعت ـ شهامت ـ دلیری ـ رزمندگی و حماسه‌افرینی بوده آنرا درعمل پیاده کرده با الخاصه در مواقعی که استقلال و تمامیت ارضی کشور از طرف دشمن بکدام خطر مواجه گردیده دوش بدوش پدران ـ برادران و فرزندان خود رزمیده وتاآخرین رمق زندگی وتاقلع وقمع کلی دشمن، علم مبارزه را بر افراشته نگاه داشته اند .

زنان افغان در انجام وظیفه مقدس و سنگین مادری که به عهده آنها میباشد در تعلیم وتربیه اولاد خود هر نوع تکلیف و زحمت را متحمل شده تلاش میورزند تا فرزندان لایق و طنپرست و مردم دوست بجامعه تقدیم کنند بسابقهٔ این احساس عالی وشهادت صفحات تاریخ زنان افغان ده‌ها فرزند، حکیم، دانشمند ، نابغه ، حماسه افرین و تاریخ ساز را در آغوش خود پرورش داده بوطن ومردم خود تقدیم نموده اند که هر یکی آنها آثار ارزشمندی از خود برای ما باقی گذاشته اند علاوه از آن که به‌علم، فرهنگ ـ ادبیات و کلتور کشور ما غنای خاص بخشیده اند مایهٔ سر بلندی وطن ما و تاریخ کشور مانیز میباشند.

زنان افغان علاوه از نظم وترتیب منزل ، پخت وپز وغیره در کار های دیگر مانند زراعت ـ مالداری ، دهقانی ، کار در دستگاه های بزرگ صنعتی و به کار انداختن ماشین های غول پیکر با مردان خود داری نکرده دوش بدوش آنها کار نموده اند مو جز اینکه هر کار ووظیفه که بزنان افغان از امور اداری تا کار های علمی و فرهنگی محول گردیده آنرا صادقانه و بنوع شایسته انجام داده اند .

زن افغان ازتمام سجایای عالی انسانی ، اخلاق حمیده ـ تهذیب ـ رحم و شفقت بر خوردار بوده استعدادهر نوع خلاقیت، ابداع، ایجاد ـ ابتکار وهنرآفرینی برآنها موجود است مثال بارز ان قالین های زیبا ـ نفیس ـ مستحکم وبادوام کشور ماست که شهرت جهانی دارد اکثر آن ها محصول زحمت، ذوق عالی و هنر آفرین زنان افغان است ولی به کمال تأسف باید یاد آور شد

باوجود این استعداد شگرف وعالی که در زنان کشور ما موجود است مگرطی قرون واعصار وددررژیم های‌منسوخ‌گذشته درجهت انکشاف وشکوفانی هنر واستعداد شان‌توجه بعمل‌نیامده این طبقهٔ زحمت‌کش هیچ وقت بخاطر مقام انسانی شان قدر نشده بلکه بخاطر استعداد و هنرشان بحیث یک متاع مادی وماشین تولیدی استفاده گردیده از محصول کار ، زحمت و عرق ریزی شان که روز ها را به شب و شبها را در زیر چراغهای تیلی‌درعقب کارگاه‌ها سحرمی‌نمودند از آنها طبقات حاکمهٔ فاسد

ار بابان ، ملاکین ،سرمایه‌داران فیودالان کمپرادوران و دلالان پول‌پرست استفاده‌کرده وبه‌سر مایه های خود افزوده اند .

دولت‌های خائین‌وارتجاعی گذشته این دشمنان اشتی نا پذیر مردم و ترقی کشور ما با این عمل خصمانه و ضد انسانی خود سد بزرگی را در برابر این عناصر دینامیك ـ فعال ـ زحمتكش و با استعداد وطن ما که اضافه از نصف نفوس را تشکیل میدهند بوجودمی‌آوردند وکشور باستانی و تاریخی ماراصدسال‌از کاروان‌ترقی علم و مدنیت عقب انداخته استعداد های خلاق ملیونها زن افغان را ضائع و رایگان به باد فنا دادند این جرم عظیم آنها را مردم و تاریخ وطن ما فراموش نکرده آنها را هرگز نخواهد بخشید .

زنان با احساس ووطنپرست افغان با درك این شرایط و احوال و شناختی که از دولت های بی مسئولیت ضد مردمی آنوقت افغانستان داشتند فقط اندکی بعد از تاسیس حزب دموكراتيك خلق افغانستان و آغاز فعالیت انحزب در جهت سقوط رژیم های میرائی فیودالی وماقبل فیودالی‌که از سالهای متمادی در کشور ما مستقر بود به مبارزه آغاز نمودند وتحت‌رهنمائی و رهبری داهیانه وزحمات خستگی ناپذیر ومتداوم دکتور اناهیتاراتب زاد این زن‌با شهامت ،فداکار ومبارز افغان بعد از جلب و جذب يك تعداد زنان و دختران منور ووطنپرست کشور درسازمان دموكراتيك‌زنان‌افغانستان در چوکات حزب دموكراتيك خلق افغانستان به فعالیت خود آغاز کردند در تمام شرایط سخت دشوار ، ترور و اختناق دوره‌سیاه سلطنتی چه بشکل علنی و چه به صورت مخفی بدون کوچك ترین خوف و هراس به مبارزهٔ بر حق و عادلانه خویش تا پیروزی انقلاب ثور به کمال شجاعت و پایمردی ادامه دادند بعد از يك مدت که انقلاب ثور به اثردسیسهٔ و توطئه دشمنان داخلی و خارجی وارتجاع منطقه و بین المللی به سردمداری امپریالیزم امریکای جهانخوار علی الرغم اهداف حزب دموكراتيك خلق افغانستان و آرزوی تمام مردم عذاب دیدهٔ افغانستان از مسیر اساسی آن به بیراه کشانده شد امریکای جهانخوار جاسوس مشهور و سر سپردهٔ‌و اجنت خود حفیظ الله‌امین این خائین بوطن و مردم را در افغانستان به مسند قدرت رساند

این مستبد خون آشام بی نظیر تاریخ و باند تروریستی اومطابق هدایت اربابان امریکایی شان‌به کشت و کشتار سایر مردم بیگناه ما شروع کردند تمام اعضای اصلی حزب دموكراتيك خلق افغانستان را به شمول اعضای سازمان دموكراتيك زنان افغانستان تحت آزار ، شکنجه ، ترور قرار داده و روانه زندانها و کشتارگاه ها کردند انعده اعضای حزب‌دموكراتيك خلق‌افغانستان واعضای سازمان دموكراتيك زنان افغانستان که از ساطور جلادی و آدمکشی امین‌و باند تروریستی او جان بسلامت‌بر دند در جهت سقوط واز بین بردن رژیم خون آشام امین و باند تروریستی او دست از مبارزه نکشیدند تا اینکه شش جدی سال ۱۳۵۸ مرحلهٔ تکاملی شکوهمند انقلاب ثور به پیروزی‌رسید ومردم وانقلاب را از بیراهه نجات بخشیددرجمله‌ای صدهاپرابلم که از دولت های ارتجاعی سابق برای دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان بمیراث باقی مانده‌ازآن‌جمله‌یکی مسأله آزادی‌های انسانی و حمایهٔ همه جانبه از حقوق زنان کشور بوده که‌مبرم تران مساله بیسوادی زنان است که تقریبا نود و هشت فیصد آن از نعمت نوشت و خوان محروم اند بنا بر ان از سازمان دموكراتيك زنان افغانستان‌که سالها در راه احقاق حقوق زنان کشور مبارزه بی امان نموده و در روشن ساختن اذهان و افکار زنان وطن کوشش و تلاش زیاد کرده توقع میرود که مطابق اهداف عالی دولت جمهوری دموكراتيك افغانستان مساعدت های مادی و معنوی دولت توجه خاصی وزارت تعلیم وتربیه‌درساحه

خدما ت خود را در امر مبارزه‌بابی سو ادی و با سواد سا ختن تما م زنا ن کشور با تدو یر کور سها ی سواد آموزی در سر تا سر کشو ر همچنان در روشن ساختن اذ هـان زنان وطن مبارزه پرعلیه‌تمام‌خرافات پسندی ها کهنه گرائی هایکه معناو مادتا به‌نقص خود زنان‌مردم‌و‌کشور کشور ماا‌ست‌ذریعه تدویرکنفرانس هادر تمام‌نقاط کشور گسترش‌داده‌در رو شن سا ختن مشعل فـر و زان علم ودانش ساعی وکوشا باشند تا تمام زنان کشور ماباسلاح عـلم دانش مجهز گردید.

بررسی مختصر از وضع زنان در کشور و وظایف‌انان در این مرحله از تاریخ

بررسی و تحلیل تا ریخ ز ند گی زنا ن‌کشورمان در گذ شته نشا ن مید هد که مشکلا ت خیلی مغلـق و طا قت فر سایی در برابر ز نان ستمکش و بلا کشیده ما قرار داشته است که این امر نا شی از مو جو- دیت نظا م ها ی فیو دا لی، ماقبل فیودالی و برد گی بوده ا ست . کند ی آهنگ ر شد اقتصا د ی‌و عدم ا ستفاده صحیح از منا بـع طبیعی و انسانی تا ثیرا ت سو ء خود رابا نخا صه با لا ی زند گی و کا ر ز نا ن کشور ما با قـی گذاشته است .

با تا سف با ید اظها ر داشت که زن در همچو جوا مع ازابتدایی تر ین حقو ق انسانی محرو م‌بوده ا ست ، اکثر یت قابل ملا حظه‌زنان در دها ت و قصبات در امورزراعت و ما لداری مصرو ف اند در ایـن جا ما منظر ه و چهره وحشتنا ك زند گی ز نا ن ستمد یده را خوبترو بهتر مجسم سا خته میتوا نیم .

زنا ن با کار در مزارع شخـم زد ن و خر من کو بید ن جمع آوری هیزم برای پخت نا ن و گر م کردن کلبه ها ی و یرانه شا ن ووا رسی از حیو ا نا ت ، مشکلات طفل داری و کا ر در منزل صبح ها را بـسـه شا م میر سا ند .

دست ها ی استخوا نی‌وزحمتکش آنها بازتاب کار پر مشقت و د شوار روزانهٔ آنها ست .

زندگی آنها بارنـــج و محنـــت شرو ع میشو د و سو انجا م این زنا ن مظلو م وبلا دید ه که د ر جستجوی یك لقمه نان بخور ونمیر اند ، و حشیا نه استثمار میشوند. زنان‌کوچی،زنان‌کارگر وگداها،طفل‌به آغوش سر کو چه ها و پس کوچه ها موجود ا ت سر گر دا ن و د ر بدری هستند که زندگی اندو هبـار آنها قلب هر انسا ن با احسا سی را میشگا فد .

این وا قعیت تلخ و غم انگیـــز زند گی ز نا ن و کود کا ن و طن را از پس کو چه ها ، مغاره ها ، گرا چ ها ی نمنا ك و دیگر بیشـه ها ی محقر که از یك گو شه‌به گوشهٔ د یگر پر تا ب میشو ند ، باید در ك کرد .

توده ها ی وسیع از زنا ن افغا- نستان را زنان خا نه دار تشکیـل مید هد ، نا بسا ما نی ، کمبود در آمد ها و رنج‌بیکاری شو هرا ن،عدم موجود یت سر پناه ، داکتر،شفا- خانه و ده ها مسا ئه دیگر حیا تی، فکر زن خا نه دار را بخود مشغو ل دا شته است و مهمتر از آ ن خود به عنوا ن یك فرد جامعه با ردوش فا میل وشو هر خو یش بو د ه واز هرنو ع حقو ق وامتیاز انسا نـی محروم بود ه اند حوادث نا گوا رو د لخرا ش ما نند خود کشی ها ، طلاق هاو گدا شتن اطفا ل گر سنه و بی سر پر ست از جملهٔ نکا تی است که شرایط نا مسا عد بـرای آنا ن به ار مغا ن میاورد .

دختران خا نواده ها ی ز حمتکش ما از طفو لیت پا بپای ما در از یکسو در مزا رع ، در دستگاه های قالین بافی ، پشم ریشی، نمـــد بافی ، مز دوری واز سوی د یگر در حفظ و نگهبانی بر ا درو خوا هـر کو چکتر شا ن مشغو ل اند .صبح ها را با این زند گی پر مشقت به شب‌میرسانند،وهمچنان برای‌کودکان معصو م وبیگنا هی که ساز ند گان بنا ی نو ین جا معه اند ، هیـچ و سیله ر فاه و تفر یح حدا قـل مرا قبت و حفظ الصحه و جود ندا- شته ا ست ا ستعما ل مواد مخدره دربین‌خانواده ها مروج بوده ومقا- مات صلا حیتدار و قت ساده لو - حانه انتظا ر دا شتند که کود کا ن پرو ردهٔ این چنین شرا یط مردما ن در ست کار ، پا ك نفس و بـا اخلاق وعضو مفید جا معه بارا یند. قابل یاد آوری ا ست که هیچگاهی رژیم ها ی فر تو ت و ار تجا عـی وقت گا می در مورد محو نا بود ی این همه د شواری ها ونا بسا ما نی ها و بخا طر بهبود ز ند گی ز نان زحمتکش افغا نستان که در پنجه های خشن ا ستبداد قرو ن وسطایی قـرار داشته ، گا می نبرداشته اند برعکس آنها درصدد بهره بر داری ازوجود این معصو ما نو بگفته خود شان این نازك پیکرا ن بوده اند . آری کسا نیکه به فر سو ده شدن زنان در اثر کا ر یکنو ا خت، خرد کننده و بی حا صل منزل ، بـه تحلیل رفتن و تلف شد ن قدر ت آنها ، به کشیده شد ن انها بـه تنگ نظری و انجماد فکری ، بـه ضعیف شد ن اراده شا ن با بـی تفاو تی نگاه کرد ه با ن رضا یت میدهند مر تکب خطا ی نا بخشودنی گردیده اند زیرا این ز نـان یعنی مادرا ن اند که جوانا ن آینـــده کشور ما را پرو رش مید هند و از جانبی هم هیچ جنبش بزرگـــ ستمد ید گا ن در تا ریخ بشربدون شر کت ز نا ن ز حمتکش قا د ر نبو ده است ، گا می به پیش‌بردارد این توده ها ی مرد م است که امر سا ختما ن جا معهٔ نو ین را دردست میگیر ند و لی جلب تود ه ها بدون زنا ن نا ممکن ا ست .

قا بل یاداو ر یست که علی - ا لر غم د شواری ها و نا بسا ما نی ها با آنهم زنا ن پیشتا ز و قهرمان وجود دا شته اند ، که ندا ی‌ازادی زنان را بلند کرد ه و در این پروسه گام ها ی ارز شمند و پرا همیتـی برداشته ا ند که با تذ کر در این مورد از عصر ا ما نی که تقر یباء در خشنده تر ین صفحه تا ریـخ کشور ما ست یاد او ر میشو یم .

ناتمام

سپورت



مرگ نابه هنگام صدیق زرگر یك ضایعه بزرگ درحلقه‌های ورزش کشور است

نوشته از عبد الکریم پوپل

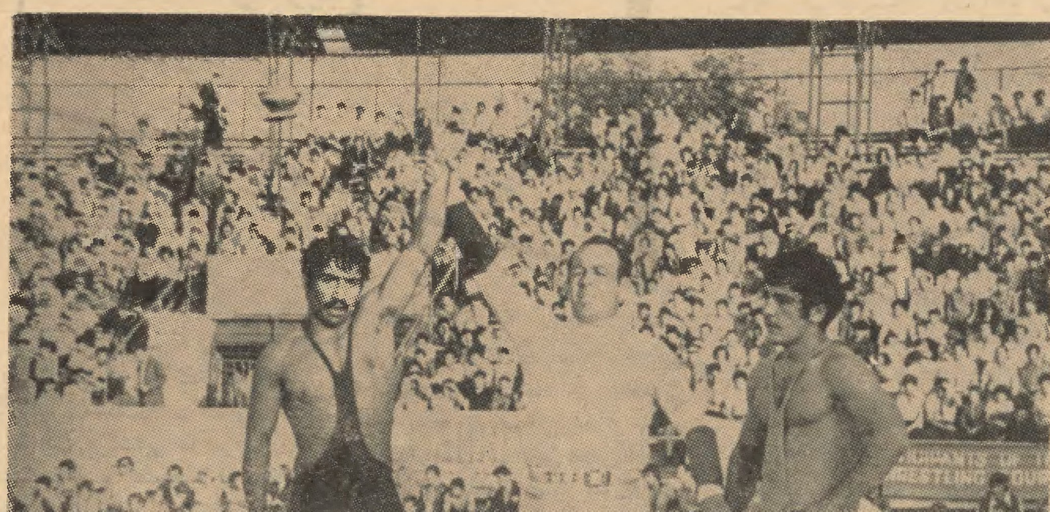
شام روز دو شنبه ۱۸ حوت ۱۳۵۹ با تاسف و تاثر اطلاع گرفتیم که یکی ازقهر مانان افتخار آفرین پهلوانی کشور غلام صدیق زرگر داعی اجل رالبیك گفت.

(انالله وانا الیه راجعون)

درتاریخ معاصر کشور در یکنیم دهه اخیر کمتر کسی خواهد بود که بانام صدیق زرگر این قهرمان‌حماسه آفرین ورزش پهلوانی کشور ما آشنایی نداشته باشند. در درازنای یکنیم دهه نام صدیق زرگر در همه محافل ورزشی کشور وجهان نام آشنا وقابل وصف واحترام بوده واست. اوکه اکنون در میان مانیست اما خاطرات نیك وفراموش ناشدنی او باما زنده وجاوید است .وهیچگاه افتخارات و قهرمانی هایش ازخاطره فراموش نمی شود. وقتی تاریخ رویداد های ورزشی رادر طول سالیان اخر ازنظر می گذار نیم وقتی گرد همایی های المپیك را در نظر مجسم میسازیم ووقتی مسافرت های حسن نیت گروپ های‌ورزشی کشور را به ممالك دوست مرور میکنیم صدیق درهرحال به‌یادمیاید. او پیوسته بر حریفان پیروز بود او برای ازدیاد افتخارات ورزشی کشور ومردمش مدال های طلا بکف آورد وامتیازات بیشماری را نصیب گردید .

مرحوم غلام صدیق زرگر پسر غلام دستگیر شیدا زرگر در سال ۱۳۳٤ در شهر کابل پا به عرصه وجود گذاشت او بیست وپنج بهار زندگی را دراوج شهرت ومحبو بیت دربین اعضای خانواده و مردم خود پشت سر گذاشت .

غلام صدیق‌زرگر تحصیلات‌ابتدالی



پهلوان صدیق زرگر دراکثرمسابقاتی که اشتراك‌نموده مقام‌قهرمانی‌را نصیب گردیده است.



زرگر درطول حیاتش ده ها بار مدالهای قهرمانی وافتخاررا بدست آورد.

را در لیسه استقلال به پایان رسانیده وبعداً در لیسه حبیبه شامل گردیدو تاصنف دهم تحصیل خود را با شوق وعلاقمندی کامل ادامه دادهولی بعد از چندی به نسبت مریضی محرقه که مدت زیاد این مرض گریبانگیر او بود از ادامه تحصیل محروم گشت وی زمانیکه در لیسه حبیبه مصروف تحصیل بود برای باراول در مسابقات



پهلوان صدیق زرگر هنگام مسابقه باپهلوان اتحاد شوروی دیده میشود (۱۳۵۷)

رسمی معارف آنوقت شرکت ورزید ودر آن مسابقات مقام قهرمانی را حایز شد. وبعداز مدت چند ازطریق تیم منتخب معارف در مسابقات انتخاباتی تیم ملی کشور روی آورد که آن مسابقات در جوزای سال ۱۳۵٤ در کابل بوده وی در آن مسابقات چنان شایستگی وبرازندگی از خود نشان داد که توجه همگان را

به قدرت ونیروی بازویش جلب کرد .

مرحوم زرگر قهرمان افتخار آفرین ورزش پهلوانی کشور محبوب مان افغا نستان در مسابقات جشن سال ۱۳۵٤ که تعداد زیاد کشتی گیران کشور های دوست نیز اشتراك داشتند، شرکت نموده وبه مقام قهرمانی رسید .

موصوف در طول عمرش هر گاهی که پا بمیدان مسابقه گذاشت کشتی گیری‌را سراغ ندارم که‌پشت اورا به زمین مانده باشد. وبالاخره مرگ براو پیروز شد وبرای همیشه پشت او را به خاك ماند .

صدیق زرگر در طول ورزش پهلوانی علاوه بر پیروزیها وکسب افتخارات بیشمار شس در داخل کشور،در مسابقات بین المللی و مسابقات حسن نیت به کشور های دوست سفر نموده چنانکه دو باردر مسابقات بین المللی در ثور سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵٦ منعقده بغداد شرکت نمود که بار اول به گرفتن مدال برونز وباردیگر بهاخذ مدال طلایی آن مسابقات توفیق یافت. وچهل روز بعد باتیم افغانی به مسابقات شیر- نمنگان اتحاد شوروی اشتراك ورزید

درآن مسابقات در وزن ٦٢ کیلوگرام قهرمان شنا خته شد. در مسابقا ت بین المللی پهلوانی که در سر طان سال ۱۳۵۵ در کابل دایر گردید و در آن مسابقات ورزیده ترین کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی - ایران - پاکستان - عراق شرکت داشتند به گرفتن مدال نقره موفق شد . بتاریخ ۳۰ عقرب سال ۱۳۵۵ تیم افغانی در مسابقات بین المللی جام محمدعلی جناح منعقده‌پاکستان اشتراك نمودکه صدیق‌زرگر دروزن ٦۲ کیلوگرام عضویت‌هیات راداشت ودرآن مسابقات کشور های افغا - نستان ،ترکیه، جاپان، عراق ،اندو- نیزیا لیبیاوپاکستان شرکت ورزیده بودند وصدیق زرگر در وزن ٦۲ کیلو گرام قهرمان شد اولین مدال طلائی خودرا بدست آورد به دنبال آن در مسابقات بین المللی تهران‌با سایر کشتی گیران افغانی اشتراك نمود که دست آورد این کشتی گیر تیم افغانی‌اینبار مدال برونز آن مسابقات بود.او هرقدر که مسابقات راپشت سر می گذاشت به هما ن اندازه افتخارات زیاد را به مردم و میهنش کمایی میکرد.

مرحوم زرگر در دومین باریکه در مسابقات بین المللی بغداد شر کت نمود با مهارت وخارق‌العادگی آن مسابقات را پیروز مندانه پایان‌دادو مدال طلایی‌را باسایر دست‌آوردهای دیگر کشتی گیران افغانی به کابل آوردند .

در دومین مسابقات بین المللی جشن ۱۳۵۵ کشور ما در کابل که در آن مسابقات کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی- ایران-پاکستان لبیا، کوریا، جاپان شرکت داشتند به گرفتن مدال برونز این مسابقا ت موفق شد .

مرحوم‌زرگر چهره در خشان و افتخار آفرین ورزش پهلوانی کشور در سر طان ۱۳۵۷ در مسابقات بین- المللی جام‌علی علی‌اف اتحادشوروی اشتراك نمود که در آن مسابقات کشتی گیران افغانستان - اتحاد- شوروی- بلغاریا چکوسلواکیا، آلمان دمو کراتیك . پولند. رومانیه وفلند شرکت داشتند دراین‌رویداد تاریخی صدیق زرگر با مهارت (شایستگی) از مقام قهرمانی خود دفاع نمود .

بقیه‌درصفحه ٤٠



اطفال امروز

ترجمهٔ عبدالغیا ث نوبهار

تاثیر پرخاش والدین بالای شخصیت طفل

در بارهٔ اینکه انفصا ل مطلــــق و یا سازشی توا م با جنجا لهـاو پر خاشها ی مکرر پدر و مادربـه روحیهٔ اطفال اثر ناگوار میگـذارد هیچ شکی نیست ولی اینکه کدا م یکی ازان بیشتر بر سیستم عصبی وشخصیت طفل اثر ناگوار بجـــا میگذارد مشکل است بتوا ن قضاوت کرد. اما پدرا ن ومادرا ن این نکته راهر گز فراموش نکنند که چشمان طفلشان همیشه متو جه او ضا ع وحرکات آنان است . چه بســـا احتمال دارد زمانیکه آنها بزرگـــ شوند وحینیکه خود پدر و مـا در گشتنند از طرز تلقی و ذهنیت‌منفی پدر ومادر پیـر و ی خواهند کرد. حتی اطفال به‌چنان روز هم انتظـار نمیکشند بلکه بلادرنگ هر حر کت پدر و مادر را تقلید میکنند . یك معلم دقیق همواره خودرا از جریان زندگی خانوادگی طفل واقف نگهه میدارد ودر مییابد که چه چیز در دنیا ی زندگا نی وی بر تصورا ت وتخیلات‌اواثر عمیق دا شته است.

یکی از خصوصیا ت ممیزه‌اطفال کوچکتر از سن هفت اینست کـــه حرکات واففال دیگر آ نـرا از راه مشاهده میگیرد وبلا فا صله آنرا تقلید مینما یدوبد ینطرق تجار ب زندگی راکسب میکند . از آنــــرو حرکات و افعا ل پدر ومادر وکسانیکه بانها تماس نزدیك دارند نقش بارز تربیتی را دارا است واثرا ت آن‌بر نمو وتکامل اطفا ل بدو ن‌شك‌خیلی ارزنده است . در سن شمو ل به مکتب این یك امر مسلم است که اطفال بمرحلهٔ رسیده میبا شندکه میتوانند حرکا ت وافعا ل مرد مان دور وپیششانرا مورد انتقاد قــرار بدهند . واین اگهی را دارند که‌کی را مودل تقلید خویش انتخا ب‌نمایند آنها شخصیتها ی مورد پســند و قهرمانان دلخواهشانرا انتخا ب‌می کنند وهمواره از آنا ن تقلید مـــی نمایند .البته اطفا ل کو چکتر ازسن هفت این قدر ت را نمیداشته باشند.

اطفال بسن کودکستا ن کـــدا م مقیا سی جهت تفکیك اعمال نیــك وبد ندارند بلکه در مرحله ای‌قرار دارند که باید از اعما ل خو ب وبد تقلید کنند ـ البته ان اعما لیرا که بدور وپیش خود مشاهده میکنند .

این حقیقت رادر حین بازیها ی اطفال کوچکتر از سن مکتب‌میتوانیم مشاهده کنیم ، در حین بازی آنها از افعال وکرداران بزرکســـا لا ن تقلید میکنند که مورد مشاهده آنان قرار گرفته باشند . اطفا ل در ین سن خیلی مایلند که ((خانه بازی)) بنما یند ودر نقشس خود همان‌حر-کات وافعا لیرا اجرا میکنند کـــه همان اعضا ی خانواده شا ن آنرا انجام داده باشند .

زندگی اجتما عی وخانواد گی پدران ومادرا ن و همچنا ن بـــرادرا ن و خواهرا ن بزرگتر تما م جز ییا ت ((خانه بازی)) اطفا ل را تشکیـــل میدهدوشیوهٔ سخنزدن آنها نیز از آنان پیرو ی میشود حتی درشیوه سخنگفتن اطفا ل مسلك و پیشـــهٔ اعضا ی خانواده ها یشا ن تبا رز میکند . همینگو نه تقلید وشیوه ها است که شخصیت آنانرا پیر یزی میکند . اطفا ل عقیده دارند که‌پدران ومادران آنان خوبتر ین زجیا تر ین وصادقترین همه میبا شند وآنچه‌را که آنها انجا م مید هند به جا ومهم است از همینجا است که پدرا نو مادران در برابر اطفا لشا ن‌مسئولیت عظیم دارند وبا یست آنا ن همواره افعال وحرکات شانرا تحت بررسی وارزیابی قرار بد هند و همیشــــ متوجه باشند که تما م حرکا ت و افعال آنان در مقابل اطفا لشا ن‌سالم وبدون عیب است تا اطفالشا ن حین تقلید ازآنان دچار گمرا هی‌وانحراف نگردند.

بعضی پدرا ن ومادرا ن حرکات وافعا ل روزانه شانرابدیدهٔ‌سرسری وسطحی مینگر ند ولی هر فعــــل وحرکت آنان در برابر چشمـــا ن اطفالشان در حکم یك طر زالعمل یانصب العین است ونزد آنـــا ن فوق العاده حایز ار زش بوده هر جر آنرا مشی خود قرار میدهند . طور مثال صور ت مکا لمهٔ خا نواده راطفل از زبا ن پدر و مادر خـــود میشنود واز زبا ن آنها زبا ن مادری اش رایاد میگیرد . اطفا ل عمو مـــا سخن در باره چیز ها ی میگو یند که در خانه آنرا شنیده اند و یـــا دیده اند

تبادله‌های فرهنگی و هنری و

نقش آن در شناسایی هنرهای بومی ملیت‌ها و ملت‌ها

چرا برخی از تماشاگران شعبده بازی رانوعی جادو گری وچشم‌بندی توصیه میکنند؟

• • •

آیا امکان ندارد که انسامبل‌گونه‌های از هنرهای بومی ما تدارك گردد ودر کشور های دیگر به نـــمایش‌گذاشته شود ؟

هیاتی از هنر مندان کشور دوست اتحاد جما هیر شوروی ،با سلسله نمایشات جالب وتا حدی تازه ای که در استیج کابـل نند اری ودر محافل بزرگداشت روز زن به انجام آوردند تماشا گران فراوانی را بـه سالون های نمایشی کشاندند ایـن هیات که اعضای آن از میان بـــر جسته ترین هنر مندان کنســـرت مسکو که مربوط وزارت فرهنگ آن کشور میباشد برگزیده شده بودند در بخش های آواز خوانی، رقص، اکروبات وشعبده بازی مهارت فرر- وانی را در کار برد های هنری از خودنشان دادند، وهمین‌موجب‌گردید که در تمام روز های نمایش سالون ازانبوهٔ تماشاگر پرباشد وهربخش آن با استقبال پر شور وگرم روبرو گردد.

رقص عربی که‌زیر نـام ر قص شرقی به وسیله رقاصه جـــوان‌و تحصیل‌یافته‌درهمین رشته«زلنسکی تسیانا نو و لبکوفنا» به اجرا آمـد بیش از بخش های دیگر باخواست بیننده این نمایشات برابری داشت که‌انگیزه استقبال پرشور تما شاـ گران آنرا صرف نـظـر از فضای خاص نمایش باید در عوامل دیگری هم به‌کاوش گرفت که ذهن بینـنـده تیاتر وسینمای مارابه خود اختصاص داده است .

بخشی شعبده بازی نیز که در واقع در همه‌گونه‌های خود اختلاطی است از سرعت عمل وتکتیك خاص این گونه نما یش هـــا با استفاده‌از ابزار ووسایلی که از نظـر بیننده عادی مینماید امابا همه شبـا هـت خود باو سایل هم‌مانند خودبا مهارت به‌منظور خاص اجرای نوعی نمایش اعجاب آور ساخته شده است.شور وشوق فراوان رادر بیننده ایجـــاد میکردوتماشاگر ساده‌را وامیداشت‌تا نحوه اجرا را با اعمال جادو گرانه وچشم بندی ومسایلی دیگر از این مانند در ذهن خود پیوند دهد، این بخشس که به وسیله «الکسی‌وکیـن نوو» رئیس هیات به اجرا می‌آمدهر چند باحالت های شاد درچارچو بـه کمیك به‌اجرا کشیده‌میشدبامقایسه شعبده بازی های که تماشا گرا ندر سلسله نما یشات هیات های قبلی دیده بودند ساده مینمود وبه همین جهت در ختم این بخشس بیننده‌هنوز هم انتظارداشت کار های‌اعجاب‌آور تر را مشاهده کند .

ازنظر تکنیك کار ومهارت باز- یگران واجرا کنند گان بخشس های گوناگون اکروبات همه در کار خود موفق بودند واین موفقیت به حدی بود که حتی بیننده به خواب رفتـه راهم به‌شور وامیـدا شت وترس و دلهره واعجاب را در او بـر مـــی انگیخت نرمشس بدن، سرعت‌گرفت ذهن وعمل، حفـظ تعادل وتوازن و تکرار وتمرین دایمی که‌از خصوصیت های عمده حرکات اکروباتیك بـه شمار می‌آید در میان‌اکرو بات‌بازان این هیات در حد ستایش آمیزی قابل ملاحظه بود والبته نباید ازنظر دور داشت که هنر ا کـرو بات‌در پهلوی دیگر هنر های مردمی مانند رقص، آواز ، تیاتر ، سینما، پیکره تراشی، معماری وغیره بعد از سا ل های پیروزی انقلاب اکتبر در شوروی پهنای وسیعی یـا فته و امروز رشد آن‌به‌حدی رسیده است که‌صد هـا سازمان‌تربیوی درهریك‌از رشته‌های هنرهای زیبا در آن کشورمصروف تربیه محصلان به صورت حر فوی میباشند وهمین شرایط وتوجهی که به پیشرفت این‌گونه‌هنر هامعطوف میگردد موجب آن شده که اتحـــاد- شوروی درمیان کشورهای جهـــان درتکنیك اجرا ممتاز باشدونمونه.

وسخن دیگر دراین تبصره‌فشرده اینکه به اساس قرار داد ها وموا - فقت نامه های فرهنگی که در ایـن اواخر میان افغان ننداری وموسسات کلتوری اتحاد شوروی به امضـــاء رسیده است در آینده نزدیك ازیکسو جمعی ازمحصلان افغانی‌برای‌آموزش رشته های گونا گون هنری ما نند رقص ،بالت، آلتنگ، تکنیك تیاتر خصوصیت های تیاتر اطفال،ماسك سازی ، اکروبات سرکس وغیره به کمك کشور دوست ما شوروی در آن کشور زیر تربیه وآموزشی گرفته شوند واز سوی دیگر با استفاده از کریدت های پولی بلا عوض ایـــن کشور دوست هم نواقص تخنیکـی افغان ننداری مانند نورپردازی وامور مربوط به صدا با وسایلی کـه‌در اختیار این موسسه گذاشته میشود برطرف میگردد وهم یك تیاتر مدرن تازه در شهر کابل‌اعمار خواهد شد هم چنین همکاری جمعی از متخصصان امور تیاتر که از امسال با افغان - ننداری به آغاز گرفته میشود روزن تازه دیگری است که مارا در رشته شکوفایی هنر تیاتر درهمه ابعاد آن در کشور نوید میدهد امیدواریـــم تبادله چنین هیات های هنری که در تبادله تجار ب میان هنر منـدان‌هر دوکشور وآشنایی‌رهر وان تازه‌کار هنر جوی مادر کار تیاتر مفید یتی فرا وان دارد در سال روان بیشس از پیشس وسعت یابد وتا جای امکا ن کوششس به عمل آید نمونه های از هنر بومی سرزمین پر غنای ما هـم در کشور های مترقی به نمایشـــی گذاشته شود تابه این وسیله بتوانیم گامی دیگر بر داریم درجهت شناـ ختاندن بخشس های گونه گون هنر پر مایه بومی خود به مردم سر زمین های دیگر واین آغاز چه‌بجاست که با انسامبل های باشد از رقص‌های، محلی، لباس های محلی و آوازهای محلی که متاسفانه تا کنون در میان خود ماهم تااندازه ای‌ناآشنا ما نده وشکی نیست که اگر در این زمینه‌ها تلاشس های‌صورت‌گیردنقشس ارزنده درمعرفی و شناخت فر هنگ‌مردمی ملیت های‌افغا نستان به‌همدیگر شان خواهد داشت ودر قدم بعدی همین فرآورده میتواند زمینه هـای تازه- ای با شد برای تحقیق در زمینـــه وجوه مشترك میان هنر های‌مردمی در آسیای میانه وکشور های دیگر یقین داریم بارفع مشکلات کنونـــی افغان ننداری که تنها موسســـــه مسوول پیشبرد اموری از مانند ی که‌به نبشت آمد میباشد این مجال درسال روان به پیما نـه بیشتراز سال های پیشس فراهم خواهد آمد وسالون‌کابل ننداری‌باشرایطی‌تازه‌ای که‌برایش‌مهیامیگرددبه‌پرتما شا گر- ترین سالون نمایشی کشور مابدل خواهد گردید .



داد محمد ((راسا))

د بهار نغمه چلیږی

د بهار له بر کته شاړی دښتــی زر غو نیږی
طبیعت عطر پاشلی ټول وطن پری معطر یږی
* * *

طراوت دی تازگی ده ښکلــــی انجونه هوسیږی
زدی گلو نه یه اوربل کی ځــــی میلوته روانیــږی
* * *

د سهار نسیم چه کله په دښتوباندی لگیږی
پاخوی گلان له خوبه د ویښتوب جرس غږیږی
* * *

په دښتو نو او بیدیا وونوی نوی خیز ټو کیږی
ور کوی رخصت زړو ته چه به نوی پیدا کیــږی
* * *

د شاعر په تخیل کی د بهـــار نغمه چلیږی
جوړوی هغه شعرونه چی ولس پری بیدار یږی

تقصیر نکردی

یکـروز مرا بـردل خود میر نکـــردی
و ز لعل لبت حاکم تقریر نکـــردی
زان شب که من آن زلف تو درخواب بدیدم
حیران و پریشانم و تعبیر نکـــردی
یك عالم وعاقل به جهان نیست که اورا
دیوانه آن زلف چون زنجیر نکردی
بگریست بسی ازغم تو طفل دو چشمم
ورسنگدلی در دهنش شیر نـکردی
باقوس دوابروی تو یکدل به جهان نیست
تا خسته بدان غمزه چون تیر نکردی
دربـردن دل هـاودر آزردن جـان هـا
الحق صنما هیچ تو تقصیر نـکردی
جامی

شمع شبستان

گل زد دلم از عشق و بیا وردبـبا غم
شاید بنهد نــا فهٔ گل پیــنه بدا غم
ما شمع شبستان کی بو د یــم که تاصبح
می بست گل حیرت ومی سوخت چرا غــم
بگذشت گــناه از سر ونششست خمارم
بشکست مراتو به و نشکســـت ایاغــم
من خد مت د هقان بکنم یا طلب وصل
بوی تو زتن میر سد هردم بـــه د ما غم

آرزو

همی خوا هم که چون مر غان در یـــا
به پهنــای طرب هـــا پـــر کشایم
زنم پهلو به ا مــواج خـــروشا ن
سرودمست در یا هـــــــــــاسرایــم
* * *

همی خوا هم که چون ا بــــر کـــهر بار .
گهر هـــا د ر د ل صحـــر ا فشانم
ببندم سا یبـــان برد شـــت سو زا ن
به هو اشکی که ریزم گل فشانم
* * *

همی خواهم که چون بـــرق شرر تاز
به سو ی دیـــو ظلمت هـــاستیزم
زنم آتش به بنیاد سیاهی
به جان «تیره روزی » شعلــه ر یــزم
* * *

همی خـــواهم کـــه مـــو ج غــریوان
تپش ها در دل د ریا سپـــارم
بپیچم در دل شو ر یــــد ه گر داب
صدف ها بشکنـــم گو هـــربرآرم
* * *

همی خواهم که چون مرغ شب آور
بنا لم با نــوا هـــای ا ثـــر نـــاك
که تابیدار گردد اهل غفلت
که تا از خواب خیزد خفته ی خاك
* * *

همی خواهم که چون بال سبك بـــال
به هرکنج جهان خود را رسانم
پـــیام آ رزوی ســـا ز ش وصلح
به گوش رزمیان د هر خوانم
* * *

همی خوا هم که چـــون پـــیك طرب ها
به هر جا مژده ی عشرت رسانم
جهان لبریز سازم از خو شی هـــا
نشان غم د رین عـــا لـــم نمانم .

نوبهار

تو بهاری
نه بهاران از تست
تو درخشنده تر از خورشیدی
ز تو می گیرد وام
هر بهار این همه زیبائی را
هوس باغ و بهارانم نیست
ای همین باغ و بهارانم تو!

سرکه اندیشهٔ مردم نکنـد
کدوی پوك کم از آن سرنیست
ا . طبری

شعر پائین درسال ۱۳۵٦سروده شده بود اما چون آنزمان امکان‌نشر آن نبود اکنون بدست نشر سپرده می‌شود .

نوظفر مند وکامگار شود

سرکه درخدمت مردم نبود
بار گردن بود اماسرنیست

دل که در الفت و طن نتپد
سنگ را مرتبه‌زان کمتر نیست

دور زر رفت و عصر زورگذشت
بعد ازین چرخ ، سفله پرورنیست

در نظا میکه کس ستم نکشد
اندران جای برستمگر نیست

چه تباه است حال آن ملت
که‌درآن احترام مادرنیست

همه سرباز خلق خویشتنیم
کس نه کهتر بودکه‌مهترنیست

زندگی چیست ، رزم کهنه ونو
غیر ازاین ارتقاع میسرنیست

کهنه ا مروز گرچه پرزور است
لیك پر زور روز دیگرنیست

نو اگر ناتوان بود امروز
روز دیگر چو او توانگرنیست

نو ظفر مندوکامگار شود
کهنه را جز فنا ، مقدر نیست

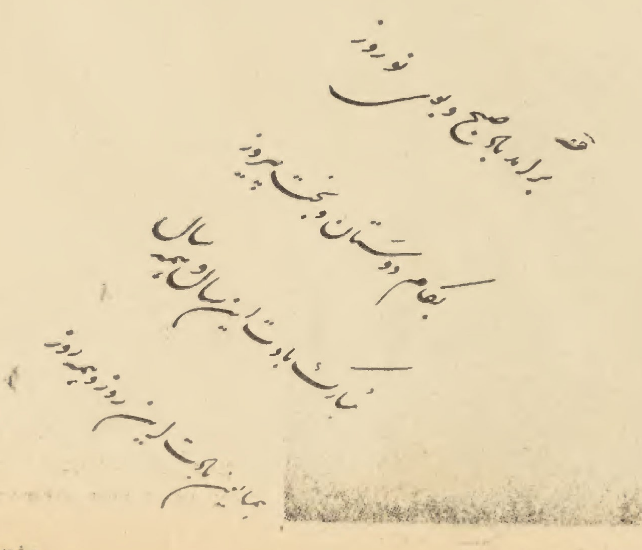
ای و طن ، ای بهشت شرق‌کهن
چون تودر بحرنه ودربرنیست.

عاقبت گمره و هلاك شود
عشق تو هر کرا که‌رهبرنیست

عظیم شهبـال

بهار

آن روز که مر غهای سفر کردهٔ
خزان
بار دگر بسوی دیاران خود روند
آنروز که سبزه های چمـــن را
نسیم صبح
آرد به اهتزاز
آنگه که بر گهای گل از شاخـه
های شان
ریزد فرو بزیر
در آنزمان که نالهٔ زیبای آبشار
از گوشه و کنار بیاید زباغها
آنگه که بازوان سپید پری رخان
عریان ز آستین و بعاشق شود
عیان
وانگه که بوی عطر گل یـاس و
نسترن
با عطر ناز بوو گل ســـــرخ
ویا سمن
آید ز طرف باغ
آنگه که ناله های شبانان دهکده
آید ز کو هسار
گویند شد بهار
• • •
آری !
روزیکه گلر خان پری چهر سبز
پوش
از قریه دسته دسته روند سوی
دشتها
آنگه که ببلبلان جفا دیدهٔ خزان
با عند لیب روند به گلگشـــت
باغها
بر روی سبزه های چمن با هزار
شوق
بر پای گل نشسته و شو رو نوا
کنند
آنگه که با غبان کهن سا ل پـر
غرور
با دست پرز آبله و بــا توا ن
خویشس
آید بسوی کار
گویند شد بهار
• • •
اما درین دیار ،
در سر زمین پاك شما ای دلاوران
زان روز های خوب ،
کاین نورجان بخش
خورشید تا بناك نظام نوین ما
تابیده پر شکوه ،
گردیده است بهار
آری شده بهار
• • •
آری !
ای هموطن ببین ،
هم میهن عزیز ،
این نو بهار ماکه پس از سالها
خزان
آمد درین دیار
وین ملك باستان
این تك درخت پیر و کهن سال
زندگی
گردیده است جوان
مار است تا بخد مت ایـــن تك
درخت پیر
از جان بگذریم ،
زیرا که این درخت ،
عمری جفاو جور خزان را کشیده
است
تا بار ور شود ،
این نوبهار ما
گردد جاودان
آنگه شود بهار . . .
آری شود بهار . . .
محمد عزیز (رویش)



۲

از شگفتی های جهان

رام ساختن آفتاب

در جمهوریت های آسیا ی میانهٔ شوروی که هوای گر م وسوزا ن دارد سالانه دوصدو پنجاه‌الی سیصد روز آفتاب مستقیما می تابد وریگ های بیابا ن وصحرا رادر آن مناطق سوزا ن ودا غمی سازد . بنابران این شرایط اقلیمی طی سا لهای‌اخیر علاقمند ی علمی را در مورد بهره برداری از انر ژی آفتا ب به طـور سرسا م آور ی ازدیاد بخشیده‌است این در نتیجهٔ زود به مصر فرسیدن منابع سو خت طبیعی و آلو ده شدن محیط به میا ن آمده در حا لیکـه ماشین هایی که به قوهٔ انـر ژ ی آفتاب فعالیت مینمایند قـادر ا ند برای مد ت زمان های نا محدود کار کنند بدون آنکه محیط را آلوده‌سا-خته باشند.

شرکت استفاده از منبع آفتا ب که شامل انستیتو ت تحقیقا تـی انرژی شمسی نیز می گردد او لین مجمع در اتحاد شوروی بوده که‌به سویهٔ جهانی در مقام سو م قرار دارد. شرکت مذکور در نزدیکی‌عشق آباد مرکز تر کمنستا ن اتحـاد شوروی موقعیت دارد .

جریان فلش های روشن نور از طرف روز توجه هر تازه وارددرین شهر بخود جلب می کند زیرا این نتیجهٔ فعالیت دستگاه های انرژ ی آفتابی است که انر ژی آفتا ب را ذخیره نموده و فابریکا ت متعـدد نظیر فابریکهٔ تصفیه آب معد نی - آب جوشی ها - لفت های‌آب ترمو-الکتر یکی و یخچا ل هارا به فعالیت وامیدارد .

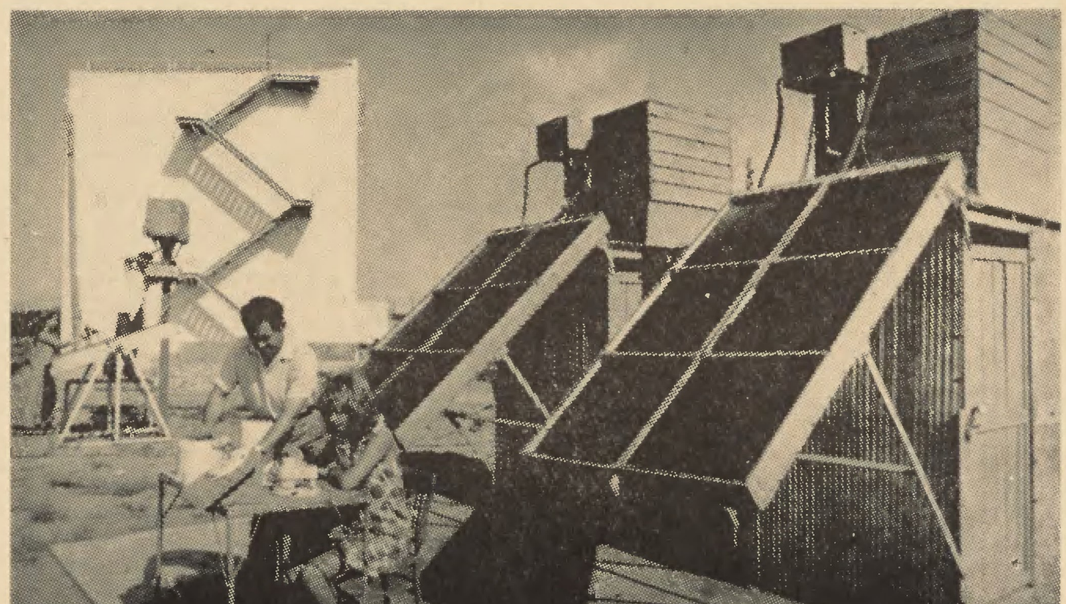
بایرا موف عضو اکاد می علو م ومدیر انستیتو ت انر ژی شمسی ترکمنستان درین باره می گو ید : ما باید تسهیلات ساده و شا یسته را رو ی اساسا ت انر ژی شمسی انکشاف دهیم . زیرا در ترکمنستان هشتاد فیصد اراضی را صحرا ها وعلفچر ها تشکیل مید هد . درین جمهوریت چوپانان در شرا یطدشوار کارمیکنند‌درجهٔ‌حرارت به‌پنجاه درجه سانتی گراد می رسد و ذخیرهٔ آب کافی نیز برا ی شا ن وجود ندارد. علاوتا اکثرا فامیلها رمه دارهستند ومشغول پرورش مواشی می باشند

لازم است تابرا ی آنهاتسهیلات در قسمت شستشو و پخت و پز مهیا گردانیده شود. همچنان‌آن‌ها‌به یخچا ل وحما م نیاز دارند که درین صور ت ،نداشتن وسایل را حـتی (باوجودیکه مزد های بلند دارند) مردم را دلسرد می سازد .

همین انگیزهٔ متذکره سبب بوجود آمدن دستگاه ها ی تصفیـهٔ آب گردیده است انر ژی آفتا ب ما را قادر می سازد که به سر عـت و سادگی به آبها ی‌زیرزمینی‌دسترسی پیدا نموده واز آن استفاده نماییم البته دستگاه های آزما یشی قبـلا در (حوض شاه) و دیگر محـلات به فعالیت خود شرو ع نموده انـد . اولین دستگاه تصفیهٔ آب با یـک لفت آبی تر موالکتر یکی و یـک مکان آبیاری‌برای ((گر ین هو س)) ها(یافارم های سرپوشیده‌سبزذریعه شیشه) تکمیل گردیده واز چند ین سال تاکنون در فار م تربیهٔ‌گوسفند (آسترا خان) وا قع در صحرای‌کارا کوم فعالیت مینما یند .

دانشمندان انستیتو ت مذکـو ر یك دستگاه آفتا بی را اخترا ع و به زو دی کار های عملی را شرو ع خوا هند کرد . یك استیشن دستگاه انرژی شمسی آب گر م و حرا رت‌و قوه برق رابرا ی یك کلبهٔ‌روستایی دوطبقه یی تامین خواهد کرد وواحد های ایر کاندیشن نیز فعا ل‌خواهند شد. یك ((هات هوس)) یا خا نـهٔ گرم که به قوه انر ژی آفتا ب کارمی کند نزدیك هر کلبه اعمار خواهد شد که در این هات هو س‌سبزیجات ومیوه جات وکلور یلا ، الجا ی(نوعی ازخوراکه های غنی از پروتین که‌با علوفه یکجا به حیوانا ت داده می شود) کشت وپرورش مـی شود .

همچنان در مجاورت‌نزدیك‌آن‌آغل‌های سر پوشیده گو سفندا ن قـرار خواهد داشت که قادر است هزار الی دوهزار گوسفند را درخودجای بدهد طوریکه برای هر یك از آنها محل آب خور ی مجهز با لفت های آبی آفتابی که آبرا به داخل‌دستگاه تصفیه میرساند می باشد .



شاور های آزمایشی که‌حرارت‌آب آنها توسط آفتاب تامین می‌شود

بقیه صفحه ۱۷

در سال ۱۳۶۰...

سوال جالبی است ودر این موضوع از دوجهت باید صحبت صورت پذیرد، نخست برای‌آن عده از شاگردانیکه در سال گذشته از ولایات‌کشور به‌مکاتب کابل مراجعه نموده‌اند

فیصدی نصاب حاضری ایشان را از (هشتادو پنج) فیصدبه(پنجاه) فیصد تنزیل بخشید یم و درمیان آنها حتی شاگردانی هم بودند که (پنجاه) فیصد نصاب حاضری را نیز پوره نموده نمی توانستند بنا بر آن ما برای پوره نمودن پنجاه درصد نصاب حاضری شاگردان کورسی رابنام ((کورس اکمال فیصدی حاضری شاگردان)در لیسه استقلال افتتاح نمودیم‌ودرطول مدت رخصتی های زمستانی تمام اعضای ریاست تدریسات ثانوی بدون اخذ هیچگونه مزد و حق الزحمه به تدریس شاگردان مذکور پرداختند وبدین ترتیب با اکمال فیصدی حاضری شاگردان مذکور چندی قبل از امروز امتحان خویش راسپری نموده در لیسه‌ها ومکاتب مرکز به صنوف مربوطه خویش شامل گردیدند وبه دروس خود ادامه می دهند .

وی در مورد آنعده از شاگردان مکاتب ولایات کشور که درسال گذشته به اثر حملات و حشیانه دشمنان انقلاب‌شکوهمندثور مکاتب شان‌مسدود ویاتخریب‌شده بود ودر سال جاری دوباره بازو به فعالیت آغازنموده‌اند چنین‌روشنی انداخت:

وزارت تعلیم و تربیه به مدیریت های تعلیم وتربیهٔ آن عده ازولایات کشور که بعضی از مکاتب آنها در اثر حملات ضد انسانی دشمنان آتش بجان مردم افغانستان مسدود ویا تخریب شده بود و شاگردان بنابر عللی نتوانستنددر طول سالیکه گذشت دروس روزمره خویش راتعقیب نمایند هدایت داده است تادروس اینگونه مکاتب را از تاریخ پانزدهم برج حوت ۱۳۵۹ آغاز نموده تا اخیر برج جوزای سال جاری ادامه بدهند تا شاگردان بتوانند در این مدت نسبتا کوتاه با تعقیب یك پروگرام بسیار فشرده درسی که تهیه گردیده است یك سال تحصیلی‌خویش را که از دست داده‌اند تلافی نمایند .

اینگونه شاگردان بعد ازگذشتاندن موفقانه امتحان در ماه سرطان به یك صنف بالاتر ارتقا می یابند وبدوام آن سال جدید تعلیمی را شروع خواهند نمود که تا اواخر سال جاری ادامه خواهد یافت ، یعنی وزارت تعلیم وتربیه با در نظر داشت مشکلات شاگردان زمینه این امر را مهیا گردانیده است که آنها بتوانند در طول یك سال باتطبیق دو پروگرام فشرده درسی دو صنف را بخوانند و با سپری نمودن امتحان موفقانه به صنوف بالاتر ارتقاء نمایند . با تذکار نکات فوق در مورد آن‌عده از شاگردانیکه مکاتب مربوطهٔ آن هادرسال گذشته مسدود شده بود اکنون کدام معضله یی وجودندارد.

رئیس تدریسات ثانوی وزارت تعلیم وتربیه در مورد سرنوشت آن عده از شاگردان مکاتب‌بعضی ازولایات کشور که درسال‌گذشته به اثر بیدادگری های وحشیانه گماشتگان بدنام ارتجاع‌وامپریالیزم مکاتب ایشان به آتش کشیده شده بود و سوابق آن ها نیز باسوختن مکاتب ازبین رفته اند واکنون نیز سندی که بتواند هویت شاگردان مذکور را ارائه بدارد وجود ندارد چنین گفت :

ریاست تدریسات ثانوی به عموم مدیریت های تعلیم و تربیهٔ ولایات کشور هدایت داده است تا در مورد تعیین سر نوشت آن عده از شاگردانیکه سوابق درسی آنها دراثر به آتش کشیدن مکاتب مربوط توسط اجیران ارتجاع و امپریالیزم از بین رفته اند چنین تجویز به عمل بیاورند ،

این عده شاگردان در صورتیکه بخواهند به مکاتب مرکز و یا ولایات دیگر کشور شامل شوند اولا باید به یکی از معلمین مکاتب مربوطه خویش که آنها رامی‌شناسد مراجعه نمایند وبعد از اخذ تصدیق معلم مربوطه به مدیریت معارف مراجعه کنند تامدیریت نیزازحقیقت موضوع به اساس تصدیق معلم متذکره تصدیق به‌عمل آورد، بعدا برویت تصدیق مدیریت معارف که متعلمین مذکور آن را حاصل‌نموده اند می‌توانند به مکتب مورد نظر خواه در مرکز وخواه در ولایات کشور شامل گردیده بدروس‌خویش ادامه بدهند .

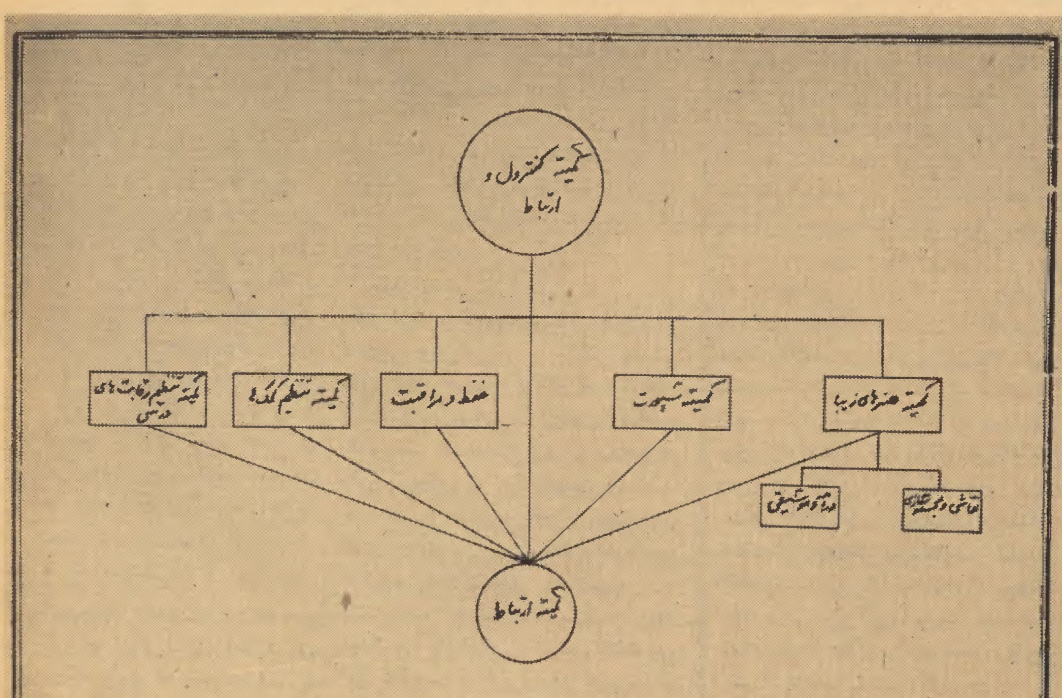
وفامل بجواب‌این سوال ما که در سالیکه تازه آغاز نموده ایم بچه تعداد مکاتب در مرکز و ولایات کشورجدیدا تاسیس گردیده اند و تعداد مکاتبی که از سویه ابتدایی به لیسه ارتقاء نموده اند چند خواهد بود چنین گفت :

درسال ۱۳۶۰ به اساس‌پلان پیش بینی شده به تعداد (۵۵۵)باب مکتب درمرکز وولایات کشور جدیدا تاسیس گردیده است ، همچنان به تعداد پنجاه باب مکتب ابتدایی به متوسطه وچهل ونه باب مکتب متوسطه به‌لیسه ارتقامی یابد به همین ترتیب به تعداد ده باب مکتب لیسه، جدیداتاسیس میشود.

رئیس تدریسات ثانوی به جواب سوال دیگریکه نقش سمینار های مسلکی راکه در جریان سال ۱۳۵۹ از طرف وزارت تعلیم و تربیه برای ازدیاد معلومات‌معلمان کشور دایر گردیده در امر بهبود وضع تعلیمی مکاتب کشور چطور ارزیابی می نمایدگفت:

شکی نیست که تدویر چنین سمینار ها در سیستم جدید تعلیم

بقیه‌درصفحه ۴۷





((پیوسته بگذشته))

از تاریخ باید آموخت

جوانان دلیر وطن ! در ین هفته به پیشواز سا ل‌نو سا لیکه یـــک برگ دیگر از درخت زند گی ما و شما راکم می کند ولی به تجر به و پختگی ما می افزا ید مبحث شمارهٔ گذشته را دنبا ل نمی کنیم و هفتهٔ آینده باز هم مطلب مذکور که نمایان گر دلیر ی وحما سه آفر ینی‌مرد م ماست دنبال خوا هد شد ، لذابرای بزرگداشت شادابی و خر مـــی و طراو ت بر بهار بحث می کنیم ، بر بهار طبیعت وبر بهار انقلاب این همیشه بهار مردم ما .

بیاد داریم بهارا ن گذ شته را ، بهارا نی را که هر گز مرد م ما بهار واقعی نداشتند ، بوستان وطن پراز حزن و اندوه و پژمرد گی بود ،جای بلبلان را زا غها پر کرده بودند و لذت بردن از همه زیبا یی های بهار خاصهٔ یك مشت محدود بود .

این وضع قر نها وسالها ادا مه داشت. ولی بهار واقعی مرد م ما نیز فرارسید . آری تحت رهبر ی حزب دموکراتیك خلق افغا نستا ن ودرنتیجهٔ مبارزا ت مرد م ما انقلاب شکو همند ثور به پیروز ی رسید وهمه کا خ نشینان را از امتیا زات شان محروم سا خت و قدرت بــه دست مرد م انتقا ل یا فت و لی دیر ی ، نگذ شت که جغد ها وزا غ ها برین بهار آرزوی مردم ما تـــا ختند آری آنها با دستیار ی دشمن بزرگ آرا می بشر یت یعنی امپر یالیزم ودر راس امپریا لیزم امریکا امین را به جان مردم ما مـــور زجر وشکنجه ساختند و یکباردیگر بهار امید مـــر دم ما به سر مـــاو یخبندان مبد ل گشت . امین خا ئن که بابهار و طراو ت دشمن بوده تعداد زیادی از بلبلان بو ستا ن‌وطن رابه‌خا ك وخون کشید و به قفس افگند. ولی مردم ما از پانه نشستند ویکبار دیگر بر علیه زا غ ها و جغد ها شوریدند ، آری درزمستان سال ۱۳۵۸ با پیروز ی مر حلـهٔ نوین انقلاب ثور مرد م ما به بهـار همیشگی دست یا فتند و دیگرهرگز زاغ و زغن رابه گلشن وطـــن راه نخوا هد بود .

جوانان خوب‌و آگاه ! درین جای شك نیست که دشـــمنان آزادی و شادابی وطن و مرد م ما در تلا ش مذبو حانه هستند وبا براه انداختن توطئه ودسیسه می خوا هند سـد راه پیشر فت وطن ومرد م ماشوند ولی پیروزی مر حلهٔ نوین انقلا ب به اثبا ت رسانید که نه تنها این تلاش هابجایی نمی رسدبلکه‌شکست ناپذیری انقلاب ظفر مند مرد م ما رانیز اثبا ت نموده است و برماو شماست تابا کار و پیکار انقلا بی این شکست ناپذیری را جـاو دان سازیم .

ادامه دارد .

تتبع و نگارش : پو هاند محمدفاضل

جوانان وخود ارادیت

اکنو ن سعی مـی ورزیـم تا خویشتن رااحساس کنیم‌ودریابیم که بکدام وضع وحا لت روا نی‌قرار داریم تا آنکه بتوا نیم نسل جوان را در عملیه های اجتماعی شدن بـر حسب مادهٔ جریانا ت مهم زند گـی بسوی خود ارادیت و آزادی بـــر انگیزانیم بدون آنکه جز یی تر ین لطمهٔ به آزادی دیگرا ن وارد شود. بصورت عموم ما از پدیده هـــای صعود و نزول انضباط و دسپلین که بجوانان تطبیق میشود حر ف‌می زنیم اما در واقع امر بر یکی ازآنها بقدر اوسط هم نتوا نسته ایم انضباط و دسپلینی را تطبیق کنیم . در هر جامعه بدون شك وشبه چه از کلا ن سالان وچه از جوانان تا حد ممکن مخالف خود ارادیت وآزادی مـــی باشند وحتی بعضی از آنها بامخا_ لفت های علنی شفاهی و زبانی بر علیه آن ایستادگی می کند وبر خی هم هستند که هنوز با فهم کامل‌و همه جانبه ورعایت احترا م متقا بله بدون بزبان آورد ن کلمهٔ اعتراض آمیزی به تصامیم‌معقول وقابل‌قبول می گرایند و در حال و آینده به آن وقع می گذارند . همچنا ن بعضی ازجوانان تا مین و حصو ل آزاد ی رادریك ساحهٔ زندگی آسا ن تراز ساحات دیگر آن می یابند که شاید نزد بعضی دیگر مشکل و دشـوار باشد . تفاوتها ی بارز و علنی بین آزادیها ی که به مردا ن وزنا ن داده میشود محسو س و موجود است. بسیار دلچسپ خوا هد بود تـــا معلو مات علمی وثقه ایرا که توسط بشر شناسان بد ست آورده میشود بین ملل مختلف به صورت مقایسوی تحت مطالعهٔ مزید قرار گیرد وسعی بعمل آید تا مابه اوضاع و صحـنه های دیگر ی خو یشتن را موا جه سازیم ، خاصتا صحنه ها ی که به صور ت کلی با ثقا فت و رو ش زندگی ، تربیت و تحصیل وانضباط خانوادگی مامغایر ومـتفاوت بـاشد آنگاه احساسی را که از موا جــه شدن و زیستن بهمچو یك صحنهٔ کاملا جدید بما رخ مید هد دریابیم وحتی‌آنرا یاد داشت کنیم .

هریك از ما دارا ی تجار ب‌متحصر بخود میبا شیم . ما از دریافـت و شناخت ماهیت و طبیعت انسا نـی که بعضی از خوا ص مشـــتر ك داینمك وپرتحرکی راکه درمابودیعه گذاشته است و متضمن معما ها ی لاینحل انضباط و آزادی فطر ی می باشد به قدر دانی و حر مت یادآور میشویم ومیکو ییم که هم ضبـط نفس وهم آزادی هر دو حق فطری نسل جوان ونو ع بشر است که با ماسر شته شده است . نگار نـده از لابلای مطالعا ت عمیق وتدقیقات ژرف علمای متبحر روان شنا سی وتربیت وتجار ب علمی شخصـــی خود به حیث یك پدر و یك استـاد پوهنتون به حقایق آتی در بـاره آزادی و دسپلین وانضبا ط جوانان از منابع مختلف بر خور ده ام که آنهارابه حیث یك مجمو عه وفهر_ ست بر شمرده جهت مزید معلومات خوانندگا ن گرا می تقدیم می کنم و نمیدانم خوانند گان ما تا کجا به همچو مطالب آشنا خواهند بـود ویا از مطالعهٔ آن تا کجـــا رو ی موافقت ویا مخالفت به آن نشا ن مید هند ، ای کاش بر من منـت گذارند تانظر شان‌را عنوانی‌نگارنده بدفتر مجلهٔ وزین وخواند نی‌ژوندون بفر ستند تا این فهر ست غنی تر ووزین تر گردد. اینست فهر ست متذکره :

۱ ـ جوانی را سرا غ دار م که بین دو کشش در یکی از معضله‌ها ومعما های زندگی دست وگریبان بود. او سخت در چنگال افکارضد و نقیض گر فتار بوده و از لحـاظ نظر ی وتیوری از اظهارا ت واحتیا جش به کمك وخواستن معاو نـت آشکارامی شد . اما نمیخوا سـت غرور وتبختر جو ا نی را زیر پـا گذارد ودست نیاز به طر ف کسان دراز کند چنانکه میگفت : ((یقیـن دارم شما می خوا هید در حل این معما ی زندگی به من کمك کنید ، پس هر معاو نتی که از شما ساخته باشد در انجام آن دریغ نکنید اما بمن چیزی نگویید ونه به من‌نصیحت کنید و مشوره بد هید ونه از من چیز ی بپر سید ، اگر از من‌چیزی بپر سید ویا به من چیزی بگویید ومشوره بدهید من‌نه جوا ب میدهم ونه به آن گوش می کنم‌ولو که‌درشت وبرحق هم باشید .))

ناتمام

ژوندون

نوشتهٔ محمد ز مان ((برك))

وظیفه‌جوانان روشنفکر در وضع کنونی

جوانان که نیروی توانا وبازوی پرانرژی جامعهٔ بشری بوده و بحق چشم و چراغ کتله های ا نسانی را تشکیل می دهند ر سالت بس‌عظیم ومسئولیت نهایت سنگین را د ر قبال خدمت به مردم و پیشر فت وتعالی و آ با دانی جامعهٔ خوددارند.

در کشور عزیز ما که انقلاب‌ثور به پیروزی رسیده ا ست و ظیفـهٔ جوانان رو شنفکر ما را پر مسئو ــ لیت تر و سنگین تر سا خته است. بـد یـن ملحوظ و ظیفـهٔ سترگ روشنفکران ا ینست که در جـهت حفاظت از دست آورد های ا نقلاب مجدانه تلاش بورزند در بین‌توده ها و سیع مردم بخاطرروشن‌ساختن اذهان آنها داخل شده و از نزدیك باآنها در تماس شوند جوا نـا ن روشنفکر ، برای انجام و ظـا یف مشخص عملی در عرصهٔ ساز ما ن های اجتماعی امور دولتی‌وموسسات فرهنگی ، نـقش بـارز وارزنده‌را ایفا می نمایند امروز بهترین‌جوانان روشنفکر ما از پشت میز تحصیـل علی الر غم مسئو لیت های سنگین که در اجتماع دارند سلاح دردست بابرادر کارگر و دیگر اقشاروطبقات جامعهٔ مابخاطر حرا ست‌از دست ــ آورد های انقلاب و امحای کـا مل باند های مسلح ضد انقلابی روانه جبهات نبرد گردیده اند .

جوانان‌روشنفکر کشورمامصممانه توانستند باپذیرش اصول ا ند یشه های مترقی بهترین خوی و خصلت انقلابی را فرا گیرند و ز ندگی‌خود را بر اساس آن عیار سازند. ولی وظیفه رو شنفکران در وضع کنونی که میهن عزیز مـا در مـعـر ض تجاوزات و قیحانه نیرو های‌اهریمنی ارتجاع و امپریالیزم قرار دارد نباید فقط وفقط به‌دفاع مسلحانه بسنده کنیم ، بلکه جبهه بزرگ د یگر ی هم و جود دارد ! که عبارت از نبرد فکری است . گفتهٔ مشـهـور یست که اگر نظریات معینی در بین‌توده‌ها نفوذ نماید و مورد پذیرش آ نـان قرار گیرد به نیروی مادی مبدل‌می‌ــ گردد . پس جوانان ما هم با یـد افکار عالی انسانی وپیشر و و عصر ما را در میان توده ها پخش‌کرده وبه نیروی مادی مبدل نمایند.

کسانیکه قلم را تیغ‌بران مبارزهٔ اجتماعی در جهـت خـو شبختی و سعادت ز حمتکشان می دانندگفتار فوق را سر مشق قرار داده مطابق بر آن عمل می کند .

نویسنده و هنر مند ز مانـی خد مت گزار واقعی در جا معه‌شده می‌تواند که از نیاز های د رو نی مردم واز خواسته های بر حق‌آنان آگاهی کا مل حاصل نمایند. حوادث ووقایع را باچشم باز ببینند . ا ز مداحی وطفره رفتن دروغ بپرهیزد. امروز پر مضمو ن تـرین و قا یـع تمام تاریخ کشور ما در ساحـهٔ گسترده ز ندگی اجتماعی مادرحال تکوین است ، اینست عمده تر ین موضوع که بـاید روی آن بحث و بررسی شود هر هنر مندونویسنده درجهت تغیرات کنو نی با بینا ئی ودانائی بنگرد فقط را هی را کـه برگزینند که مردم عذاب دیده‌ای‌ما از زیر یوغ ظلم واستبداد ، آلـت فشار ومناسبات فر سوده و رو به زوال فیو دال نجات دهد.

نوشتهٔ : محمد موسی «راد منش»

جوان‌واقعی کیست؟

جای تردید ی نیست که آرزوها خواستها وتوقعا ت روز افزو ن‌مردم وجامعه ما ایجابا ت و مقتضیـا ت متعددی حیاتی وظایف‌ومکلفیتها ی جوانان باحساس و خلاق کشور را به مقابل خواسته هاونیاز مندی‌های جامعه ودوران ما حساس تر وعمیق ترساخته است .

بدین ملحوظ قشر نیر و منـد و جوان وروشنفکر در چنین فر صتی ازهمه بیشتر مخاطب تو قعـا ت همگان قرار میگیر ند .

اما نقطهٔ قابل بحثو توضیح‌این است که اوصا ف ممیزهٔ ونیرومندی جوان وجوانی در چیست ؟

وعنوان جوان مبتکر ــ خلاق و دوران ساز بکدا م قشر و طـبقه اطلاق شده میتواند و کدامین‌اشخاص خواهند بود که طر ف چنین‌خواست ها وآرما نهای مرد م و جا معه‌قرار گرفته اند ؟

از تعبیرا ت ومطالعا ت مختلف بر میاید که مفهو م جوا ن در بسا موارد ومحیط وجا معه و ذهنیت‌ها متفاو ت است . واز دید ی عده ای آنانی جوا ن شناخته میشو ند که بین سنین هجده الی چهل وا قع اند ودارا ی صفا ت جوانی به‌حساب میروند .

وبعضا هم به گرو هی عنوا ن جوان رامید هند که دارا ی اوصاف خون گرم بوده ولی از دورهٔ تجار ب وآزمون زمان بدر نیا مده است .

وهم از نظر بعضی ها کسا نی جوان تصور می شو ند که‌عصر فـدر طرز حرکا ت شا ن خودرا به‌اصطلاح تیپیك جلوه داده واستعمال لبا س هاوشکل ظاهری وتقلید از مما لك پیشر فته بنما یند ولو که درواقع ثبات وسابقه ای هم ندا شته‌باشند.

پس این همه تصانیف و طبقه بندی ها در تعاریف و تشخیص‌جوان وجوا نی بر مبنا ی واقعیت استوار نبوده وحاصل آن‌هم‌جزاینکه‌درروابط فامیلی ومحیط زیست باعث ایجـاد وتفرقه وبی تفاوتی گردیده وروحیهٔ فشرده گی وبسیج شد ن ویکر نگی وروحیهٔ کار و عمل را ناتوا ن سا ــ خته مسبب تولید اشتباهات قـرار گرفته ومثمر ثمر ی شده نمیتواند.

درواقعیت امر جوان کسیست کـه دارای افکار خلاق وسازنده و عقاید عینی وپیرو ی مکتب ریا لیسم‌بوده وعملا مطابق به مقتضیا ت عصـر وزمان این در ك سالم را بخـود داشته باشد . ولو تفاو ت سن و عمر آنان از چهل وشصت با لا تر باشد .

القا ب جوا ن شایان آنها یست که معنا جوان بوده ودر ك نیرو مند واحساس درونـی دراوشان بیـدار ورویهم فته دار ی صفا ت عا لـی انسانی با ارا ده ، متین وبا استقامت جوانی وجوانمر دی باشند . وبـا ثبات این رسا لتمندی و مجا د لـه به مقابل مشکلا ت ونا بسا ما نی روزگار، احساس خسته گی و نـا امیدی نه مینمایند.

بلکه رسالتمند ی خویش را در محتوای صفا ت جوا نی خو بدر ك کرده در حرکا ت و طرز بر خوردبا مردم وطرز روش بامرا م ونفع‌واقعی همگان وخواستها ی اجتماعی شا ــ یسته قد علم کرده با قبو ل‌ایثار وجا نفشانی ها از صیانت منا فـع ملی وعمرا ن جامعه پشتیبا نی‌نمایند

جوانان رسا لتمند و دور انساز وپر تحر ك . شخصیت ها یست‌که حایز نیرو ی عظیم و عز م خلـل ناپذیر فکر ی ، علمی و عملی بوده با ایمان قوی وراسخ وثبات کا مل جوانی دربرابر مشکلات اقتصاد ی، تحولات بنیادی اجتما عی و ملـی مبارزه کافی کرده بتوا نند .

عناوین جوا ن در راه خد ما ت وبر آورده شد ن وشگو فا نـی توقعا ت ملی در روند تکا مـل جامعه مختص به عنا صر رو شـن آگاه ومتر قی متعلق است . که‌از نور دانش خلاق نیرو ی جوا نی و تجار ب کافی وعمیق برخور داربوده مراحل تیوری وباز تا ب علمی و عملی شخصیت ارزنده را پیمـوده باشند . ولو به هر سن قراردارند.

مادر داخل کشور عزیز و محبوب خود از جوانان سازنده وحما سه ساز ورزمنده بر خوردارهستیم که تنها به قـدر ت بازو ، ارا ده و استقامت جوانی ، وداشتن افکـار پرتوان وبکر و ایده مستحـکـم و پیشرو با ایما ن کامل وسر شاراز امید آینده ــ آینده نیکو پر شکوه وپر جلال و فضا یی آزاد عمیقـا داخل پیکار عملی بوده ودرنهگداشت منافع مردم وجامعه نویـن ومترقـی وطن ،باستا نی خویش و ظیفـهٔ سترگ خود دانسته در شگوفا نی هر چه بیشتر سهم بارزی گر فته ومیگیرند.

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

کتاب دانشمند خاموش است

کتاب بهترین دوست انسان است. کتاب دریچه‌ای به‌جهان ناشناخته‌است. کتاب راهنمای خوشبختی‌است، کتاب اندرزگوی‌خستگی ناپذیر است .

این ها همه‌درست است، اینها راهمه‌میدانیم وتعریف های بسیار باارزش در باره کتاب بزرگان و دانشمندان گفته و نوشته اند اما چرا این دوست را بااطفال آشنا نسازیم .

چه شیوه‌یی راپیش‌بگیریم که‌اطفال بااشتیاق کامل با این هم صحبت دانشمند ،متفکر، بی ریا، بی مزد، صمیمی، یکدل وخستگی ناپذیر آشنا شوند ؟

بیشتر از پدران و مادران گرفتار ایــن رنج وناراحتی هستندکه‌فرزندانشان باکتاب ، آشنایی ندارند وازاین گنج گرانبها بیزارو گریزانند .

تنها باکمی حوصله میتوان بخوبی بااین مشکل مبارزه کردکه اطفال بدون‌کوچکترین ناراحتی به کتاب روی آورند، شب وروز باآن باشند وبرای حل مشکلات خود از آن کمـك ویاری جویند .

برای رهبری به چنین هدفی، یك بررسی کوتاه‌روانشناسی‌لازم‌است‌که سعی شودبازبان ساده بیان شود .

بیگمان‌هرپدیده‌اجتماعی خواه‌عینی‌وخواه ذهنی، معلول علتی است و برای پیدا نمودن آن پدیده می باید به دنبال «علت پدیدآمدن آن گشت»

هرگاه می‌بینیم‌که طفلی باجسم‌سالم وروح بانشاط از کتاب ، خواه درسی‌وخواه غیردرسی فرارمیکند باید دنبال علت آن گشت .

دانشمندان روانشناسی دراین باره بسیار مطالعه نموده وهردانشمند علت این بیزاری رابه نحوی معرفی‌کرده‌اندولی اغلب راه‌هایی از این مشکل را نشان نداده اند .

مثلا از جمله گروهی معتقدند تنها علتی که اطفال از درس ، مطالعه وکتاب دوری می‌گزینند «فقر خانواده است» این دستــه از روانشناسان میگویند : اطفالی که در خانواده های‌تهیدست و فقیر زندگی میکنند به‌علت کمبود مواد غذایی‌وانرژی کافی، نبودن‌وسایل مخصوصا در زمستان وبالا خره عدم توانایی پدران و مادران در بر آوردن نیاز های‌جسمی وروحی آنها واحساس حقارت این دسته‌نسبت به همصنفان ، دلیل بی علاقه گی به‌کتاب و مطالعه است .

البته نظربه مطالعاتیکه درقسمت این‌گروه صورت گرفته است این مسئله عمومیت‌ندارد وبسیار دیده شده است که شاگردان ممتاز اکثراً از همان خانواده های برخاسته اندکه توانایی مالی آنها چندان قناعت بخش نبوده است .

گروه دیگری از دانشمندان به این عقیده هستند که باید ذوق وعلاقه اطفال رادرست درك نمود ودرست‌رشته‌های مورد علاقه اورا دریافت مانندرشته ریاضی، نقاشی ، شعــر ادب ، فزیك ، ورزش وغیره خلاصه هرکتابیکه طفل ازمطالعه آن لذت برد وبتواندذوق طفل را اقناع کند دردسترس او قرار داده شود . این بحث ارتباط به اطفالی دارد که هنوزدوران شگفتگی استعداد وذوقی آنها آغازنشده است که بعضی از آنها به کتابها بیکه زیاد قصه‌های خوش آیند داردروی می‌آورند .

دسته دیگر از محققان ، جدایی میان پدرو مادر را عامل اصلی گریز اطفال از یادگیری، مطالعه وتحصیل می‌دانند و عقیده دارند که خاطره پدر و مادر و مشاهده جای خالی آنها سبب اشتغال دایمی فکرکودك میشودوطبیعتا حوصله برای مطالعه کتاب برای او باقــی نمی گذارد .

بااینکه این نظریه طرفداران فراوانی دارد وبا برخورد هاییکه مردم در اجتماع میکنند تااندازه این عقیده راقبول نموده‌اند ، لیکن‌اگر نظری به‌زندگــی نابغه ها، بزرگان ورهبران جهان به افگنیم می‌بینیم‌که بیشتر ازآنها از داشتن نعمت پدر یامادر محروم بوده‌اند وبا وجود این برای اجتماع خود و حتی بــرای جهان بشریت موثر واقع شده‌اند .

همچنان اگر پدران و مادران به این عقیده باشند که توسط تنبیه کردن، سلی زدن ، ناسزا گفتن اطفال را مجبوربه مطالعه ، نوشتن وغیره میکنیم نه تنها مفید نیست بلکه نتیجه بدست‌آمده‌است‌که ظاهراًاین اطفال به مطالعه چه کتاب درسی وچه غیر درسی می‌پردازد اما با استفاده‌ازکوچکترین فرصت یاروی‌صفحه کاغذ به نقاشی می پردازد . یاتلویزیــون تماشامیکند ویا با برادر یاخواهر خود سـر صحبت را بازمیکند ویابه روی‌کتاب خوابش می برد، بنابراین ، اگر توجه ومراقبت پدرو مادر این‌است بایدگفت بی توجهی بمراتـب بهتر است .

پس باید علت اصلی را جستجو نمود : براستی چه‌عاملی باعث‌میشود که اطفال‌باوجود اینکه از نظرجسمی‌وروانی کاملاسالم وتندرست است ، واز طرز بیاناتش همه میتوانند درك کنند که سرشارازهوش واستعداداست، طفلی که‌از زدن وناسزا گفتن پدر و مادر وشنیدن جملات رکیك نفرت دارد به یقین وحشت اورا از درس وکتاب دو چندان می سازد .

باید بگویم که نظر یا ت بالایی را رد نمیکنم امابااطمینان می‌گوییم‌که هیچیك‌ازعلل گفته شده نهایی وقطعی نیست پس‌علت‌اصلی راجستجو کنیم‌که نیازبه توضیح‌بیشتری دارد.

اولتر از همه باید شخصیت طفل را مورد مطالعه‌قراردهیم‌پس ازدرك‌شخصیت‌طفل‌میتوانیم علت راپیدا نماییم‌که یقیناً راه رفـع ایــن مشکل آسان میشود .

شخصیت اجتماعی چیست ؟

آزمایش های گوناگون روانشناسی اجتماعی ثابت کرده است که طفل هنگام تولدکاملافاقد شخصیت‌است این‌اطرافیان‌اوست‌که آرام آرام به‌طفل شخصیت می دهند و این شخصیت بمرور زمان رشد میکندوشخصیت اجتماعی او امی سازد .

البته اطرافیان طفل عبارت ازپدر، مادر ، خواهر ، برادر او، پس باید گفت کـه : « شخصیت اجتماعی » طفل در خانواده رشد می‌کند ورفته رفته تصاویری از اطـرافیـان در مغزش نقش می بندد .

محمد ظاهر ایوبی

وجیزه‌ها واندرزها

شرافت مانند تیری است که‌چون ازکمان جست بازگشت آن محال است .

* کار انسان رااز سه بلای بزرگ نجات‌میدهد ـ افسردگی ـ فسق ـ احتیاج .
* پیمان شکنی یکــی از شاخهای درخت‌دروغ است .
* درخت‌که ازبین خود خوده خوردسرنگون می گردد .
* مأیوس مباش زیراآخرین کلیدکه درجیب داری ممکن است قفل راباز کند .
* حرف زدن بدون فکرمانند تیراندازی‌بدون نشان به هدف است .
* هرچیز دردنیاپیداشده زیبا است اما زیباتر از همه کشته شدن وجان دادن درراه آزادی ووطن است .
* بامردم داناازدر حیله درآمــــدن چنان است که آب را در دهن جویدن .
* حفظ جان واجب است اما حفظ وطن وآزادی‌واجب تراز آن است .
* خردمند طالب کمال است ونادان خواهان‌مال .
* آدم تنبل از یك گوشه که بگوشه دیگرخزید می‌گوید که‌عجب‌سیاحت دور ودراز انجام دادم .

اما این نقش ها تنها شکل ظاهری آنهاست ارزش وتفاوت وضع اشیا برای او مفهومی ندارد •

مثلایك مار ممکن است دراطراف طفل‌دیده شودوطفل مانند سامان بازی همراه اوبازی‌کند اما رفته رفته همچنان به اثر تجربه وتحلیلی که طفل میکند ازآن موضوع درك درست کند چون «تقلید» دراطفال بسیار قوی است اعمال وافعال اطرافیانش بهترین سرمشق اوست ، وهر کاریکه اطرافیانش انجام میدهند درست ومنطقی نباشد کار های طفل نیز مورد تایید دیگران واقع نمیشودو برعکس اگر اعمال اطرافیانش مثبت باشد شخصیت او درست انکشاف نموده واین عکس العمل درطفل وضعی را ایجادمیکند که به آن «شخصیت انکشاف یافته‌طفل» میگویند.

باید یاد آور شد که اطرافیان طفل را به دودسته تقسیم میکنند :

دسته اول که مستقیما باطفل در تماس و معاشرت هستند ودسته دوم‌کسانیکه ندرتاً و غیرمستقیم باطفل درتماس می باشند .

اعضاییکه‌درارتباط مستقیم باطفل اندعبارت اندازپدر، مادر، خواهروبرادرطفل دانشمندان روانشناسی سه‌مرحله رادرساختن ویاانکشاف «شخصیت» طفل ودوران تکامل آن در نظر دارند :

مرحلهٔ اول : تقلید کور کورانه، که از روز تولد تاسه سالگی است ودراین مدت طفل مطلقا بدون تفکر از اطرافیان خود تقلیدمیکند•

مرحلهٔ دوم را بنام مرحله بازی نیز یاد میکنند که از سه سالگی‌تاپنج سالگی ادامه می‌یابد •

دراین‌مرحله طفل «خود» رامی شناسد ودر برابر هر کاریکه اطرافیان او انجام میدهند عکس العمل نشان میدهد وتمام کردار، رفتار وگفتار بزرگان رادرقالب بازی‌های طفلانه خود تقلید میکند •

مثلا نقش یك معلم ،یك کبسه کار ،پدر خانواده ، مادر خانواده را آنقدر ماهرانه تمثیل میکند که گویی دراین وظیفه مهارت خاصی دارد مثلااگر پدر یا مادر مقابل طفل به مطالعه روزنامه مجله ویاکتاب بپردازد فوراًطفل کتاب یامجله را برداشته وبه تقلید از پدرو مادر می‌پردازد وتظاهر به خواندن میکند •

مرحله سوم از پنج‌سالگی به‌بعد آغازمیشود دراین مرحله اطفال زیاد تربه بازی های‌گروپی یاگروهی شروع میکنند وزیاد تر علاقمنداند که دربازی های دسته‌جمعی‌حصه بگیرند و در حقیقت شخصیت واقعی خود رانشان می‌دهند•

شخصیتی که کاملا ساخته وبافته مشاهدات مرحله دوم زندگی اویعنی ازسه‌سالگی تاپنج سالگی است • وروانشناسان به این عقیده هستندکه شخصیت هرکس ، انعکاس دهنده شخصیت اطرافیان اوست و طفل رامثل یك آئینه پاك خوانده اند یعنی‌دیگران شخصیت های خودرا در آئینه‌پاك‌ذهن‌او منعکس‌می‌سازند وآنگاه از مجموع این شخصیت ها شخصیت اجتماعی طفل شکل میگیرد .

پس هرگاه طفل از درس وکسب دانش و خواندن کتاب ومطالعه فرارمی کند باید علت آنرا خانواده واطرافیان او جستجو نمود زیرا خانواده تاثیر مستقیم روی طفل می‌گذارد •

وبرای اینکه اطفال عادت مطالعه را پیداکنند همیشه پدران و مادران به مطالعه بپردازند وطفل هنگامیکه می بیند پدریامادر وباخواهر وبرادرش مطالعه میکند، به تقلید از آنها به‌خواندن‌کتاب شروع میکند وفوراً به مطالعه روی می‌آورد •

شاید در اول این کاربه پیروی از حس تقلیدباشد لیکن رفته‌رفته جزء عادت اومیشود وشخصیتش را اینطورمی سازد خواندن و نوشتن را عادت روزانه خود می‌داند ومانندپدر ومادر عمل میکند •

درین وقت که طفل با تقلید از پدرو مادر به کتاب و مطالعه علاقمند شد باید پدران و مادران برای تهیه کتابهای در خورسن ، سال ذوق واستعداد پرداخته وطفل پس از مطالعه این مواد تهیه شده به‌سوالات گوناگون‌ازپدر-مادرواطرافیانش می پردازددرین‌وقت است‌که آنها با حوصله ودر خورفهم وبرداشت طفل بایدبه آن هاپاسخ دهندوهم بکوشندکه طفل زیاد تر کتابهای درسی خودرا مطالعه کند •

قبول این اروش رفته رفته وحشت مطالعه ویاد گیری رااز ضمیر طفل پاك میکند وشوق روزافزونی به اینکار دراو پیدا میشود •

دیگر پدران و مادران ومربیان متوجه این موضوع باشند که محیط‌مساعد طفل رازیادتربه مطالعه می‌کشاند زیرا اگر محیط مساعد برای فراگیری موجود باشد طفل به چیز دیگر نمی اندیشد •

بهار نارنج

در فصل بهار درختان نارنج شکوفه می کنند و گل سفیدو معطری بوجود می آورند که به آن بهار نارنج می گویند .

در طبابت یونانی از گل یعنی شگوفه و میوه و برگ‌درخت نارنج در موارد مختلف استفاده می کنند . زیرا این قسمت های درخت نارنج دارای خواص ضد تشنج و درد ، خواب‌آور، معرق، مقوی معده ، تب بر و ... است .

برگ و گل درخت نارنج اختلالات عصبی را مانند تپش قلب ، فلج های عصبی ،تشنجات معدوی بی خوابی و .... راتسکین و تخفیف می دهد .

مصرف مقداری از برگ وگل نارنج هضم غذا را آسان نموده و در حین حال عرق آور نیز می باشد پوست نارنج برای معده هایی که‌ترشح زیاد دارد بهترین دوا و داروی موثر می باشدکه مصرف آن‌درینحالت معده را تقویه نموده و اشتهای دوران سلامتی را با زبر می گرداند.

طرز دیگر استفاده از پوست نارنج اینست که پوست آنرابه تکه های خورد تبدیل نموده‌یعنی به اصطلاح خلال می نمایند وبعد می گزارند که خشك شود بعدا یك قاشق آنرا در یك گیلاس آب انداخته بعد از جوش دادن برای مدت پانزده یا بیست دقیقه آنرا دم می دهند و هر روز یك گیلاس آنرا قبل از غذا صرف می نمایند که باعث اشتهای خوب می گردد .

همچنان اگر پوست‌نارنج‌تازه نصف‌کرده‌شودودر زیر خریچ(یعنی آتش) قرار داده شود بهترین‌ادویه‌یی برای التیام زخمها محسوب می‌گردد.

ازشگوفه درخت نارنج مانند عرق گلاب عرق می‌گیرند که دار-ویست برای آرامش اعصاب و سردردی و شکم دردی .

واکثر خانواده ها خلال نارنج را با برنج یکجا طبخ نموده که غذای مفید و خوشمزه یی بنام نارنج پلو تهیه می شود . اگر اندکی از جنبه های دارویی نارنج دور برویم بد نیست که نوعی از استفاده یی را که خانمها برای زیبایی خود از نارنج می کنند شرح دهیم بعضی از خانمها و دختران جوان که پوست روی شان دارای سوراخهای کوچك است که اگر دقیق شویم می توانیم آن سوراخها را ببینیم مسلما که چنین خانمهای ازدا-شتن چنین سوراخها در جلد خود ناراحت هستند . این خانمها برای رفع این نقیصه آب نارنج را با عرق گلاب مخلوط نموده وهر روز روی خود را با آن می شویند که بعد از چندی جلد آنها زیبایی و طراوت خود را باز می یابد .

نوی زمانه

راغله راغله ، نوی نوی زمانه
نوی شوه او نوی زړه شوی ترانه
لوېږی نسکو ډیږی زاړه شوی او وراسته
تیره شوه او هیره داوهاموافسانه
ګډدی چپاولګردی دژوندون په زوړپورجل
وړی یی یرغلونه جانانه او جانانه
رغړی هر خه رغړی د زمان د خخ پښنوکی
لوټی‌لوټی کیږی دفکر ونو جیلخانه
نه شی ټینګیدلای زنځیرونه په شلیدودی
شلیږی دیاغی نظر د متو زولانه
زه په دی ډګرکی له جګری سره ملګری
لکه می شعرونه کړل دی لارګی ندرانه

چیستان

عجایب گنبد والاتباری
نه در دارد ، نه دیوار وحصاری
بنازم قدرت پروردگاری
در دلش هست لشکر بیشماری
جواب خشخاش

عجایب صنعت نادیده دیدم
پریرویان به بستان تازه دیدم
چودست کردم گل از باغش بچینم
بیك محمل دو صد دردانه دیدم
جواب انار

دباندونګ افکار او زمونږ ددوران واقعیت

لیکونی : ساردا میترا دهندوستان د کمونست گوند دملی شورا غړی

ژباړونکی : حضرت‌گل (حسامی)

پنځه ویشت کاله پخوا د بین‌المللی سیاسی لغاتو په فرهنګ‌کی یو نوی سیاسی مفهوم ور زیات شو .

((باندو نګ !))

د اسیا او افریقا د خلکو اوهیوادونو په اجتماعی ژوندانه کی یوی مهمی پدیدی ، جغرافیایی نوم ترلاسه کړ . د اندو نیز یا د خاوری سمسور او میلمه پالونکی ښار باندونګ خپل نوی ویاړ هستوونکی نوم دآسیا او افر یقا د هیوادود کنفرانس له خاطره وګاټه . نوم چی په **۱۹۵۵ عیسوی کال په دی** ښارکی تشکیل شو .

کوم شی د دی سبب شو چی د پنځه ویشتو کلونو له تیریدو وروسته د دوهم ځل له پاره داپیښه زمونږ پام ځان ته را اړوی . نه شی کیدای چی په دی هکله بیلا بیل عقاید وجود ونلری .

د باندو نګ کنفرانس د یوستر بین المللی قوت د پیدایښت په خیر یعنی د مستعمراتی او نیمه مستعمراتی تړنو څخه د آزادو شویو هیوادو او لسونو غور ځنګ دی‌چی د باندونګ کنفرانس یی په‌نړیواله سطحه د عامو دمو کرا تیکو او کټو نظریاتو دد ریځو نو په نسبت لومړنی څرګند وی و .

د باندونګ دکنفرانس وروستی اعلا میه نن هم دآسیا او افریقا د نامتو دولتی شخصیتو نو په بصیرت او سترګو رتوب باندی شاهدی و رکوی چی **په هغه وخت** کی یی وکولای شول د شلمی پیړی په دوهمه نیمایی کی د نړیوال تکامل د بهیر ځنی عمده تمایلونه وځلوی .

د دی کنفرانس ګډون کوونکی **ځوریدلو ا نسا نانو اواولوسونو** د اساسی حقوقو دفاع ته را پورته شول او د ملتونو د سر نوشت د ټاکلو د عادلانه حق د رښتیا کیدو غوښتنه یی وکړه او د نژادی توپیر غیر انسانی عمل یی محکوم کړ . سر بیره پردی اګرچی د کنفرانس په وروستی اعلامیه کی په مستقیم ډول امپر یا لیزم نوم نه و اخیستل شوی . د هغی د یرو موادو مشخص امپریا لیستی ضد تما یلونه‌درلودل. د دی تمایلاتو له جملی څخه یو هم د کنفرانس په واسطه د خلکو په اسارت کی راوستل لاسبری او د خارجی استثمار غوڅه غندنه وه .

د باندو نګ د کنفرانس پته وروستی سندکی راغلی و چی :

((. . . استعمار د هغه په ټولو ښکارندو کی یو دارنګه فلاکت دی چی باید بی له ځنډه پای ته ورسول شی .))

دا نظریی چی امپر یالیستی ضد خصلت یی درلود په اوږده موده کی په بین المللی ډګر کی د مخ په‌وده هیوادو د ډله ایزه اقداماتواساسی مضمون تشکیلا ده .

باندو نګ همدارنګه د اسیا او افریقا په تاریخ کی نو مړنی غونډه وه‌چی په‌لوړه سطح کی یی سوله ایز ژوند ـ سوله ایز کار او سوله ایزی را تلونکی ته د دی دوه لویو وچو دو لسونو تمایل اعلام کړ. کنفرا نس خپله ژوره اندیښنه چی د هغی زمانی د ((سړی جګړی)) په وخت کی د بین المللی اوضاع د کړ کیچن کیدو سره په رابطه کی اوله هغی څخه د رامنځ ته شوی اتومی جګړی د خطرونو په مقابل کی‌څرګنده کړه او دسولی او امنیت د بنسټونو د ټینګښت د وسلو لمنښت د پوره بی وسلی کولو په لاره کی د یو ګام په څیر ـ په اغیز ناك بین المللی نظارت سره د دزروی وسلی له منځه وړلو ته بلنه ورکړه په دی ترتیب سره‌دآسیااو افر یقا هیو ا دو نو ـ د د ی مهمی بین المللی مسئلی په نسبت خپل دریځ په دقیق ډول سره مشخص کړ او په څرګنده توګه یی وښود له چی نه غواړی د دی‌مسالی دحل له جر یان څخه په جنګ اوسی .

کنفرانس د بین المللی مرستی د مسالی په نسبت پراخ ـ هر اړخیزه او دور اند یشانه چال چلند درلود ، او هڅه یی وکړه چی دی مرستی ته د سوله ایز ګډ ژوند دوستی او ښه ګاونډی توب روح ور پو کړی .دا قتصا دی مرستی په مسایلو باندی ـ د متقابلی ګټی او د ملی حاکمیت حق ته د درناوی په بنسټ تکیه شوی وه .کنفرانس ګډون کوونکو هیوادو ته توصیه وکړه چی د بین المللی قیمتونو د ټینګښت له پاره او دامو موادو د غوښتنی په هکله ګډی هڅی وکړی او د دی مسایلو په څیرنه‌کی په بین‌المللی غونډو کی یو شان‌چال چلندو لری .دآزاد شویو هیوا دو دالو ری د با ندی سو دا ګری په زمینه کی د امپریا لیستی حکم چلولو په ضد ـ وروسته په اویایمو کلونو کی په یو عمده تمایل باندی واوښت .

د باندو نګ کنفرانس همدارنګه دآسیا ا و افریقا هیوا دونو تر منځ د فرهنګی تماسونو خاص رول ته اشاره وکړه او په عین حال کی یی په نړیواله سطح کی دپراخو مرستو **اهمیت یادکړ او په‌دی‌هکله** یی د هر ډول توپیر دله مینځه وړلو غوښتنه وکړه . د اجتماعی پر مختګ د مسایلو سره په رابطه کی دآسیا او افیقا دهیواد و له پاره نوی اصولی چال چلند د دکنفرا نس په واسطه په تصویب شوی وروستی سند کی ثبت شو. په دی اساس چی ((ټول هیوادونه باید حق ولری چی په ازادانه توګه خپل سیاسی او اقتصا دی سیستمو نه او د ژوند طریقه)) د ملګرو ملتونو د سازمان د اساسنامی د مفهوم له مخی غوره کړی . د کنفرانس ګډون کوونکو په عملی توګه دامپر یا لیزم«داحق» چی دودی په حال کی هیوادوباندی خپل په زړه پوری اجتماعی نظام وروتپی ، نفی کړ . وروسته بیا د مستعمراتی سیستم د وروستی تسن نسی کیدو په جریان کی ـ په نړیوال ډګرکی د سو سیا لیستی لوری په مخ کی نیوونکو هیوادو د ورځ په ورځ زیاتیدو نکی شمار سره دانفی ، په واقعیت واوښته .

با لاخره د کنفرانس په‌اعلامیه‌کی د سوله یز ګډ ژوند اصـول : ((پانچا شیلا)) په خپل مشخص شکل کی چی په هماغه وخت کی‌یی بین المللی شهرت تر لاسه کړی و، ځای شول .

د باندو نګ د لاس ته راوړنو په اجماٰلی راغونډونی سره کـو لای شو نتیجه واخلو چی د ځینو ارتجاعی محافلو د مخالفت سره سره بالاخره د سولی په شرایطو کی د خپلواکی وده په لاره کی د استعمار لمنځ څخه دآزادید و نکو هیوادواو خلکو اساسی لوری نیول ،داکثریت په وسیله تصویب شو . اما په‌هغه وخت کی په کنفرانس کی د ګډون کوونکو د نیت په هکله دا یوازی یوه اعلامیه وه چی په راتلونکی کی یی باید تحقق موندلای وای .

د یوی دا رنګه لوری نیونی په خاطر ډیری سختی مبارزی په مخ کی وی اومتا سفا نـه ، دآسیا او افریقا ټولو هیوادونو او له هغی جملی د باندونګ د کنفرا نـس

ګټون کوو نکو ونه شول کولای‌چی په راتلو نکی کی د باندونګ دروح او مصو بو په نسبت خپله وفا داری ځرګنده کړی . د ((سړی جګړی)) قیودات ، او سیاسی او نظامی پکتو نو پوری تعلق‌چی دامپریالیزم له خوا رامنځ ته شوی و ، په ځینو مواردو کی واقعی استقلال ته له تمایل – او په بین المللی چاروکی د مستقل نقش څخه پیاوړی را ځرګند شول .

په ظاهری توګه ــ د دی علت چی د با ندونګ د کنفرانس وروستی تصمیم دآسیا او افریقا د هیوادو د نوی کنفرانس درابلنی په هکله په کاروانه چول شو ، هم همدا واقعیت و .

سره له دی هم ، اصلی لوری نیول چی په باندو نګ کی مشخص شو ، په همیشنی ډول سره ټینګیری . د امپر یالیزم او استعمار په زیان په نړی کی د قوتونو د انډول تغییر ، چی د سو سیالیستی سیستم دقدرت وده او داستعما ری امپرا توریو د تسس نسس کیدو د پروسی زیات چټك کیدلو (په تیره بیا په افریقا کی د شپیتمو کلونو په پیل کی) په دی شاهدی ورکوله له دی چاری سره مرسته وکړه د استعمار د تسس نسس کیدو او د لسګونو هیوادو د آزادی د اعلامیه سره یو ځای آزادی بخښنو نکی مبارزی پخپله ژوره محتوا ترلاسه کړه چی نه یوازی د انګلستان او فرانسی او نورو د مشخص استعمار سره بلکی د امپریا لیزم‌سره د هغه سیستم په ځیر چی د دی هیوادو اسارت ته یی ادامه ور کوله اوهغه یی کوله چی له هرڅه وړاندی یی‌به هغوی باندی په اقتصادی زمینه کی نوی استعماری اسارت او هراړخیزه ترنه تحمیلو له ، لاس او ګریوان کیده .

په عین حال کی ځرګند یدله چی د بین المللی اوضاع کړ کیچن کیدل او ((سړه جګړه)) چی یوغوره عنصر یی د امپریا لیزم او له هرڅه وړاندی د امریکا د امپریا لیزم په واسطه او له هغی جملی په اسیاکی د نظامی پکتونو د سیستم ایجادول دی . په دی مبارزه کی د بری د تر لاسه کولو له پاره خنډونه‌رامنځ ته کوی . دا پکتونه لکه سیتواو سنتو (په پیل کی د بغداد پکت) چی شوروی اتحاد ته متوجه وو ،د امپر یا لیستانو له خوا زمونږ په لویه وچه کی له هرڅه وړاندی دنوی استعماری هد فونو د ترسره کولو د آلی په ځیر په کاریدل . په‌دارنګه شرایطو کی د ۱۹۶۱ کال په سپتا مبر کی د بلګراد په کنفرانس کی د ناپییلو هیوادو غور ځنګ له سازمانی لحاظه شکل ونیو . دی کنفرانس د باندو نګ د افکارو ژوندی پاته کیدل په ځرګنده توګه وښودل او داسی ښکاری چی په نویو شرایطو کی د هغوی د فعالیت ادامه ده . په باندو نګ کی تدوین شوی اصول چی پورته اشاره ورته وشوه د غور ځنګ د پروګرام بنسټ تشکیل کړ . په بلګراد کی یی یوبل اصل یا محدودیت ، یعنی نظامی پکتونو سره د نه یوځای‌کیدو اصل په هغی وراضافه کړ ، او له ملی آزادی بخښنو نکو غور ځنګونو سره مرسته د ناپییلو د غورځنګ د یوی غوره وظیفی په عنوان وټاکل شوه .

نظامی پکتونو سره د نه یو ځای کیدو فکر لکه ځرنګه چی پوهیږو د هندوستان ددولتی نامتو شخصیت او د هغه هیواد د لومړنی صدراعظم جواهر لعل نهرو له خوا مطرح او فرمول بندی شوی و . هیواد پال او دموکرات جواهر لعل نهرو درك کوله چی د خپلواك شویو هیوادو راتلو نکی سر نوشت تر زیاته حده پوری په نړیواله سطح کی د مستقلو دریځونو په نیولو کی د هغوی د پیاوړ تیا پوری اړه ولری .

جواهر لعل نهرو د خپلواك هندو ستان د راتلونکی باندینی سیاست په هکله د سنجش اوتفکر په ترځ کی د ۱۹۴۶ کال په سپتامبر کی د ډهلی له راډیو څخه په خپلی بیانینی کی اعلام کړ چی قصد لری د ټولو بین المللی مسایلو په نسبت خپل دریځ د هندوستان ګټوته په پاملرنی سره وټاکی اوپه نړیواله سطح کی (د هغه ډلبندیوله سیاست څخه چی یو دبل په‌وړاندی ولاړ دی په ځنګ پاته شی) د هغی دوری په شرایطو کی د سو سیا-لیستی‌هیوادو په ضد (سړی جګړی) ته د امپریا لیستانو له خوا لمن وهل کیده اومشهور جون فاستر- دالس اعلام کړی وه . هر څوك چی (له مونږ سره نه دی زمونږ مخالف دی) د هغه دریځو نو امپریا لیستی ضد ماهیت کوم چی جواهر لعل نهرو فرمو لبندی کړی‌و دارنګه رو ښانه و چی د دالس د زیږ عکس العمل موجب شو او هماغه دالس و چی دا دریځ یی (له اخلاقی مبادیو سره مغایر)ونو ماوه .

وروسته بیا نهرو څو ځله توضیح کړه : که چیری هندوستان اعلام کړیدی چی د یوی ډلبندی پوری به ونه نښلی ، داچاره په بین المللی مسایلو کی له بی‌طرفی انفعال یا ځانګړ تیا غوښتنی سره هیڅ ډول ګډه وجه نه لری او د (دوو څوکیو په منځ کی د کښینا-ستلو) په معنی نه دی . د دی په خلاف نهرو په نا پییلتوب کی د هند له پاره هغه امکان لیده چی په نړیوال ډګر کی په فعال ډول اوپه خپلواکی کړ نلاری سره د عمل میدان ته ودانګی . نو موړی دی ته تیاری وښود له‌چی له‌ټولو هیوادونو سره د برابرو حقوقو په بنسټ مرسته وکړی او په مشخصو مسایلو کی له هغوی څخه ملاتړ وکړی کوم چی د هند له ګټو سره موافق دریځونه لری .

د پام وړ ده چی نهرو د مانیل او بغداد د تړون د لاسلیك کیدو په ارتباط (چی د دی تړونونو په‌سبب) دآسیا په جنوب ختیځ او جنوب لو یدیځ کی نظامی بلو کونه‌تشکیل شو) د ناپییلتوب د سیاست محتوا لا زیاته مشخصه او دقیقه کړه . نهرو په دی هکله د هند په پارلمان کی ځرګنده کړه.

د هغه عواملو څخه د استفادی په ځای چی د سولی ، بی وسلی کولو او د کړ کیچ د کمښت په لوری کی عمل کوی ، هغوی په قصدی توګه ددی عواملو دودی مخه نیسی‌اونور تما یلات چه د کرکی وحشت‌او اندیښنی حس پیاوړی کوی اودبی وسلی کو لو مخه نیسی هخوی.نهرو ددی یادو نه وکړه چی حتی دمانیل په کنفرا نس کی دهند ساده ګټون «پاتی لاپه سیتوکی دغړیتوب منل» به په دی معنی وی چی مونږ دخپل نا پییلتوب له اسا سی سیاست څخه مخ اړولی دی .

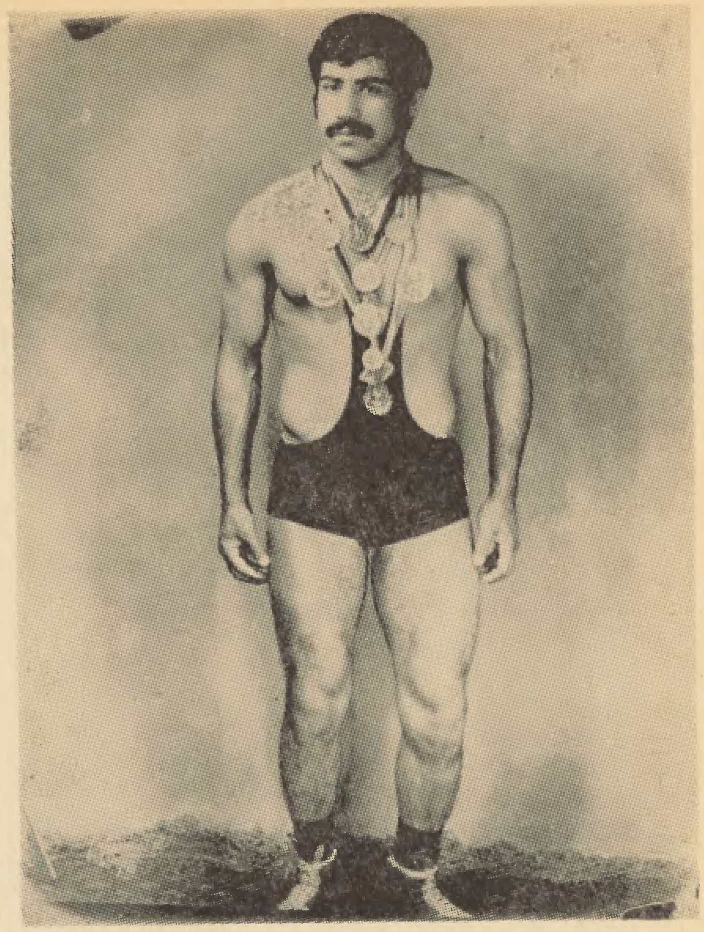
په دی تر تیب کوم وخت چی دنا پییلتوب دفکرریښه دهغه د(عدم) په مقطع کی لکه «په هغه بلوکوکی‌نه ګډون چی دسترو دو لتو تولله خوا منځ ته راغلی دی» تر ځیر نی لاندی نیول کیږی ښکاری چی داستعمارله منګلو څخه دآزاد شویو هیوا دو له پاره ددی امکان غوره کول چی له کومو بلوکونوسره یوشی یانه شی، اصولا وجود نلری. دآسیا یا افریقا په لو یه وچه پاپه لاتینه امریکا کی هیڅ یو داسی بلوك نه شته چی دشو روی اتحاد له خواتشکیل شوی وی‌او اوس هم وجود نلری .یوازی هغه بلوکونو و جود در لود چی دامریکا دامپر یا لیزم له خواتشکیل شوی وځ لکه سیتو اودبغداد پکت.او خپلواك شویو هیوا دوته یوازی یو-سوال په مخ کی پروت و دی تړونو-کی شا مل شی‌یا تری بهر پاتی‌شی.

او همدادوهم دریځ وځ چی‌بالاخره «دناپیلتوپ» په نامه مشهور شو

دا دحیرا نتیا ځای نه‌دی چی دنا پییلو دغور ځنګ غوښ اقدام‌اوپه طبیعی‌توګه له هر څه وړاندی دآسیا او افریقا هیوادو دامپر یا لیزم استعما ر او نو ی ا ستعمار د نړ ا د پا لنی او د سولی‌او سوله ایزګډ ژوند په خاطر اوله هغی جملی هغه اصول چی «دخپل سر-نوشت دټا کلو له پاره دخلکو حق استقلال ا‌ود اقتصادی اجتما عی او فر هنګی ودی دلاری په غوره‌کولو کی دآزادی امکان» په هغه‌کی ځای-شوی وه دامپر یا لستانو له خوا دمنفی او سخت عکس العمل مو جب شوه. دناپییلتوب ددی ماهیت دپیل په ضد چی دامپر یا لیستی ضدقو-تونو دعا مو دمو کرا تیکو دریځو نو بیا نوونکی دی- امپر یالیزم ترننه پوری خپلی پر له پسی تبلیغا تی جګړی ته دوام ور کوی .اګرکه هر-څومره په خبر وکی «زما نی تغییر خوړ لی دی»خپل ځان ددی غورځنګ او رجن» پلوی» ښیی .

دورو ستیو کلو نو په ترځ کی دنا پییلودغور ځنګ‌په ضد دارتجاع دسیسو او تو طئو خورا زیات زور اخیستی دی اودا چاره په لومړی پړاو کی په معا صره نړی کی ددی غور ځنګ دنقش او نفوذ دټیټ کښت پوری اړه لری. امپر یالیستان په‌تیره بیا له دی مو ضوع څخه سخت په تشویش کی دی چی نه یوازی سیا-سی نوی‌استعمار له‌ماتی سره‌مخامخ دی «نظامی بلو کو نو تس نس کیدل دامپر یالیزم پوری دتړلو رژیمو نو نسکور یدل» بلکی نوی استعما ری اقتصادی لاری چاری هم کوم تا ثیر نه لری.

نور بیا



مرحوم پهلوان صدیق زرگر

بقیه صفحه ۲۷

مرگ نابهنگام..

مرحوم زرگر درحوت سال ۱۳۷۵ با سایر کشتی گیران افغانی بـــرای اولین‌بار درمسابقات‌بین المللی جام دانکولف‌بلغاریاشرکت‌نمودکه‌باگرفتن مدال برونز به کشور مراجعت‌نمود.

صدیق زرگر چهره طلایی ورزش پهلوانی کشور در اولین جشن‌انقلاب ثور درین رویداد عظیم وتاریخی با کشتی گیران کشور های اتحاد شوـ روی بلغاریا، چکوسلواکیا وعرا ق دست وپنجه نرم کرد ومدال طلا ی اولین جشن تاریخی انقلاب ثـــور افغا نستان قهرمان‌رامال‌خود ساخت.

در حوت سال ۱۳۵۸ بازهم در مساـ بقات بین‌المللی جام دانکولف‌منعقده بلغاریا دروزن ٦۲ کیلو گرام شرکت ورزید.

اودر مجموع چهار مسابقه راچنان ماهرانه واستادانه در برابرورزیدهـ ترین چهره های قاره ارو پا (دارندـ گان افتخارات سر شناس مسابقات مختلف اروپایی وجهانی) پشت‌سر گذاشت که تمــــام تماشاگران زال فستیوال بلغاریا به مهارت شجاعت این‌کشتی گیر باقدرت کف‌میزدندو احساسات نیك شانراتارزو میدادند سرانجام در پایان آن مسابقات‌مدال برونز به وی تعلق گرفت وآرام و خونسرد به سکوی قهرمانی همرابا دیگر برندگان مدالهای طلا و نقره بالارفت وسرود ملی جمهوری‌دمو ـ کراتیك افغا نستان پخش گردید و همزمان به‌آن بیرق ملی‌کشور محبوب مان نیز به افتخار پیروزی این چهره رقهرمان به اهتزاز درآمد.

این چهره پردرخشش پهلوانـــی کشور در مسابقات انتخاباتی المپیك ۱۹۸۰ مسکو در وزن ٦۸ کیلو گرام شرکت ورزیده ودرین وزن باوجود که بار اول بود اشتراك ورزیده‌عنوان قهرمانی را با مهارت چشمگیرحایز شدوپیش از آنکه تیم عازم د هکده المپیك ۱۹۸۰ مسکو شود وی همراه بادو کشتی گیر دیگر افغانی سفر به کشور پولند نمود. وازآن مسابقات موفقانه به کشور باز گشت. زرگر همراه با سایر ورزشکاران افغا نی عازم المپیك ۱۹۸۰ جهانی مسکــو گردید ودر جریان تمرینات بـــرای آمادگی بیش از پیش آن مسابقات در ناحیه گردن صدمه دیدو به اثر توصیه دوکتوران موظف از آن مساـ بقات محروم گشت .

مرحوم زرگر قبل از ینکه داعیـ اجل رالبیك بگوید مصروف سپری نمودن دوره مکلفیت عسکری بود با آنهم دست‌ازتمرین نکشیده‌تمرینات خویش را گاهی در کلپ ورزشـــــی قوای مسلح و زمانی درکلپ‌ورزشی افغان تحت نـظر خلیفه امیر جـان ادامه میداد ولی مرگ تابه هنـگام اورا مجال نداد تا افتخارات بیشتر نصیب شود او جوانی بود بشاش صمیمی ود وست دا شتنـــی اودرد ستگیری وسخاوت به ناتوانان‌دست کم ازدیگران نداشت او علاوه بـــر مصروفیت های ورزشی اش‌عضویت اتحاد یه های صنفی افغا نستان را نیز داشت ودرین راه هم خدمـات قابل قدری‌را انجام داده است .

دز اخر یکبار دیگر مرگ نا بـه هنگام وی را به همه اعضای فامیل مرحومی وسایر دوستان وهموطنا ن شرافتمند خود تسلیت گفته برا ی مرحومی از بار گاه ایزد متعال طلب مغفرت می نماییم .

بقیه صفحه ۱۵

مولانا جلال الدین...

مغو لان چو ن سیلی که بــــی محابا در نشیبی ا فـتد در خراـ سان سرازیر میشد ند ،دا ستا ن خونر یز یها ی آ ن فتنه گر ا ن، دهان به دهان، شهر به شهـــــر می گشت و خراسان را یك پارچه کاروان کو چك چند ما ه راه‌پیمود هو ل هرا س میسا خت ، در وازه ها فرو میر یخت ، شهر ها یکا یك از مقاومت میا فتادند ، مر دا ن هزار هزار در رود خا نه ها ی خون غرق میگر د ید ند ، کو د کا ن در آغوش ما درا ن و ما درا ن در بـر کود کا ن ، در خوا ب خو نین‌مرگ فرو میر فتند و پشته ها از کشتـه ها با لا میر فت .

بهاء الدین در این گیر و دا ر دهشتناك، بر آ ن شد که سمرقند را بگذارد و رهسپار سفر حـــج گر دد .

کا روا ن بیم‌آ لود ، د یگر بـار د ر بد ری را از سر گر فت ، آنان از برابر مر گ که هر د م فر یاد میکشید میگر یختند ، شهر ها را پیاپی پشت سر مینها د ند وشتاـ بان پیش میتا ختند ، ا مـا سپاه مغول تا زند ه تر مینمود و هر گاه در راه میا سو د ند بیم آ ن بود که خیلی از مغو لا ن بر سر شا ن ریز ند و در یکد م ،دود از دود ما نشا ن بر آرند .

شتا بند ه چو ن بر ق ، پیش می‌تاختند که‌به نیشا پور رسید ند، در آنجا لختی میتوا نستند بیاـ سا یند ، سه روز در آنجا ما نـد ودر دو مین روز ما ند نشا ن بـه خدمت شیخ عطار رسید ند .

عطار ، آنزما ن وا پسین رو ز ها ی ز ند گی را میگذ راند ((چند روز دیگر مغو لا ن به نیشا پو ر میریختند و سر ش از تن جـــدا میکر دند .))

او که آوازه دانش بهاء الدیـن راشنیده‌بود. در تجلیلش کـوشید، آنگاه عطار جلال‌الدین را دید کـــه با ر قه هو ش و هو شمندی ا ز دید گا نش سا طع بود .

روبه بهاءالدین کرد و گفت :

زود باشد که این پسر تـــو آتش در سو ختگا ن عا لم ز ند ، نگا هش و سینما یش چنین حکا یت میکنند .

جلال‌الدین که هنو ز در آغا ز راه دانش پژو هی قرا ر دا شت‌سربزیر افگند و خموش ماند و عطا سخن سرای پا کدل عر فا ن پیشه کـــه جلا ل‌الدین هر گز یاد ش را ا ز خاطر نزد ود ، افزود :

ـدرخموشی‌او، یك آسمان سخن میخوانم ...

پس د ستها را بر آسما ن‌گشود ، برا ی جلال الدین دعا خوا ند ، وبرادر آغوش کشید و نـوا خـت ومثنوی ((ا سرار نا مه)) را بنام او سا خت .

عطار بحق ازآتش‌روح‌جلال‌الدین سخن گفته بود .

(ناتمام)

ژوندون

عایدملی درسال...

***ـ اتحادشوروی قیمت خر یدگازطبیعی ا فـغـا نستان را بعد از پیروزی انقلاب شکو همند ثـور سه‌مرتـبه بلند بـرد و در سال ۱۳۶۰ عایدملی ما ازدرك فروش‌گاز به‌ه۱۳ر میـلیارد افغـانی خواهـد رسید .**

محسوب میگردد، فرو ش و صدور گاز طبیعی به اتحاد شورو ی برای ما اهمیت خاصی دارد و ضمنا باید گفت که بعد از پیروزی انقلا ب شکوهمند ثور ، اتحاد شـورو ی قیمت گاز طبیعی را سه مر تبه‌با لا برد ودرسا ل روان از در ك فروش گاز مبلغ قابل ملاحظه ای یعنـی ه۱۳ر میلیارد افغانی بد ست‌خواهد آمد، متقابلا اتحاد شـوروی یـك سلسله مواد مهم مورد ضرور تـرا به ماتحویل داده واهالی کشور را باگندم ، شکر ،مواد نفتی ،ساما ن وآلات وغیره مواد مورد نیاز مـا تامین مینماید ، موجود یت روا بط ثابت واستوار تجار تی با اتـحـاد شوروی وتوسعه منظم آن تا ثـیر مثبتی رابار آورده است که دررشد اقتصاد افغانستان قابل تو جـه‌می باشد .

* برای حل پرابلم بیکاری‌و تامین کار برای نیرو های فعـا ل انسا نی در جهت مثبت تو لید ی چه پروژه ها وپلانها ی عاجل رادر دست اجرا دارید ؟

** جمهوری د مـو کراتیك افغانستان و حکو مت جمهـوری دموکراتیك افغانستان تو جه خودرا همیشه روی استفاده معقو ل وموثر از نیرو های فعال انسا نی افغا ـ نستان معطو ف داشته و میدارد تا از یکطر ف قوای بشر ی به طـور موثر مورد استفاده قرار گیرد واز جانب دیگر کوشش میشود تا هر فرد نیاز مندرا باکار و شغل معین تامین نماید تابیکار ی از میان‌رفته تسهیلات وشرا یط مسا عد زند گی برای هر فرد زحمتکش فرا هـم گردد .

انکشاف وتجدید سا ختما ن‌زیر بنای مادی وتخنیکی کشور ازطریق اعمار پروژه های صنعتی دو لتی‌و خصو صی ، فعا ل سا ختن آنها ، بهره برداری از اراضی جـدیـد ، تاسیس فار م های دولتی و سا یر موسسا ت زراعتی و همچنا ن رشد سریع امور ترا نسپور تی ،مخابرات و غیره موسسات و ادارا ت غیـر تولید ی موجب اشتغال اشخا ص مستعد به کار خواهد شد .

* با به عمل پیاده شدن همه‌این طرحها آیا پیش بینی شده میتواند که تعداد بیکارا نی که به کارگمارده میشوند به عنوا ن مثال تا دوسا ل دیگربه چه پیما نه خوا هد بود و باز هم به صور ت مقا یسو ی فیصدی افزایش کار یا ب ها نظر به دوسال پیش از این در چه حد خواهد بود؟

****به اساس پیش بینی کمیته دولتی پلا نگذاری جمهوری دمو- کراتیك افغا نستا در جریا ن سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ تعداد اشخا صـ مشغول به کار به ششصد و چهل هزار نفر ودر مد تده سال‌به‌یکهزار وپنجصد و هشتاد و نه هزار نـفر ویا چهل فیصد افزایش خوا هـد یافت .**

درسا ل ۱۳۶۷ـ پنج هزار و پنجصد وپنجاه ودو هزار نفر ویا نود فیصد تعداد مجمو عی قوای بشر ی‌کشور در رشته های مختلف اقتصاد ملـی مصروف کار خوا هد شد و ایــن نکته قابل یاد آور ی است که‌چنین ارقام بالاترین شا خص درسرا سر جهان به شمار میرود .

به منظور حل موفقیت آمیزمسایل مربوط به کار یابی اهالی طر ح و ترتیب پیشنهادا ت در موردبهبود سیستم معاشا ت وتامینات اجتماعی درچوکات شورای وزیرا ن جمهوری دموکراتیك افغانستا ن ، ریا ست عمومی کار و تا مینات اجتما عـی تاسیس گردیده که به فعا لیـت آغاز نموده است ، این ار گـا ن بااشترا ك وزار ت خانه ها ودوایر مربوط اهدا ف حزب دموکرا تیـك خلق افغانستان را در حصه تامینات کار واستفاده موثر ودرست ازنیرو های فعال انسانی در عمل پیـاده خوا هدکرد

*درشرایط کنونی چـه پـلانو برنامه ای در جهت مکانیزه ساختن زراعت کشور در دست اجرادارید ؟

** نظربه سیر تکاملی وشرایط تاریخی واجتماعی کشور ، زرا عت افغانستان بیشتر متکی به میتـود های ابتدایی و منسو خ است بـه همین اساس صر ف از راه عصر ی ساختن تدریجی زراعت بر اسا س انکشاف عمران اراضی ، تطـبیق بیشتر کود های کیمیاوی ، اصلاح تخم های بذری وبهبودوضع‌مالداری با استفا ده از وسایل ، سا مـان وآلات مدر ن در امور زرا عـتـی میتوان تولیدا ت محصو لا ت‌زراعتی وتکامل اگر و تخنیك را تا مـیـن نمود، طرز پیشبرد زراعت‌ومالداری رابهبود بخشید و ثمر بخشی کار را ارتقاء داد .

بنابرین طبق پلا نها ی‌انکشا ف اقتصاد ی واجتما عی جمهـور ی دموکراتیك افغانستا ن در نظـر است که زراعت کشور با تراکتور ماشین وافزار کوچك زرا عتی‌معاصر تامین شود ، به منظور فرا هم‌آوری تسهیلات لازم برای دهقا نا ن در مورد خریداری ماشین آلا ت زراعتی درسا ل گذشته جمهور ی دموکرا- تیك افغانستا ن تصمیم گر فت که در قیمت فروش سـا مان و آلا ت زراعتی چهل فیصد کا هش به عمل آورد که این تصمیم به عمل آمـد واکنون در نظر است کـه به زود ترین فرصت ماساده تر ین آلا ت وافزار زراعتی ساخت وطن را تولید نماییم .

مابه تاسیس استیشن هـا ی مکانیزه در کشور اهمیت زیـاد ی قائل هستیم ، طی سا ل گذ شـته در ولایات بلخ ، جوز جان ،بغلا ن وکابل چهار نو ع از این استیشـن ها تاسیس گردید از کشور دوست اتحاد شوروی که در قسمت ایجاد استیشن های مکانیزه از تسهیلا ت کرید تی ومسا عد ت های تخنیکی به ماکمك میکند در حدود سیصـد عراده تراکتور ، هشتاد عرا ده ، کمپاین ، یکصد عراده ماشین آلا ت مختلف النو ع زرا عتی تو ریدشده است ، باستفاده از این ما شین ـ ها میتوان کار های مختلف زراعتی را در فارم های دولتی، کوپراتیف‌ـ ها و سایر اراضـی انجا م داد ، تاسیس استیشن های مکانیزه ،در امور مکانیزه ساختن زرا عت ،به دهقانا ن تسهیلا ت لاز م را فراهم نمود که در نتیجه امور زرا عـتی بهبود یافته و محصو لات زرا عتی افزا یش خوا هد یا فت ، درچوکات استیشن های میکا نیزه کورس های مسلکی شرو ع به فعالیت نموده که درآن کادر های داخلی میکا نیزاتور های ورزیده تخت تر بیه و آموزش قرار گرفته اند .

* شما به صورت عموم درپلان گذاری دولتی از چه میتود هـا و روش ها یی استفاده میکنید ، ازنظر کیفی مدل پلانگذ اری افغا نستا ن میتود کدا م کشور است وبرای‌مدل قرار داد ن چه دلایلی دارید ؟

** سیاست حزب د مو کراتیك خلق افغانستا ن و حکو مت‌جمهوری دموکراتیك افغانستا ن‌منعکس‌کننده منافع واقعی مردم زحمت کش افغا- نستان میباشد ، این سیا ست‌تعیین کننده اهدا ف ووظایف پلا نهـا ی سود مند اقتصادی واجتما عی نیـز میباشد .

امروز شکی نیست که انکشا ف متناسب اقتصاد ملی با استفـاده موثر از تما م منابع مادی ومالـی وقوا ی بشر ی و تسریع آهنگـك رشد اقتصادی تنها از طریق پلانیزه ساختن اقتصاد امکا ن پذیر میباشد پلان گذاری علمی به مثابه وسیله حل وظایف مبر م اقتصـا د ی و اجتماعی به شمار میرود.

در هنـگام طـر ح و تـر تیـب پلان های اقتصاد ی خویش‌ازتجارب کشور دوست اتحاد شوروی‌استفاده مینما ییم ، اتحاد شوروی درجهت تربیه متخصصان پلانگذاری‌ودرمورد ترتیب فورم ومیتود های پلانگذاری ودر تطبیق آنها به شرایط مشخص افغانستان به ما کمك میکند ، هـم چنان بادرنظر داشت مو جودیـت سکتور های مختلف ، در هنگا م طر ح وترتیب پلا ن ها ی اقتصادی از تجار ب دست داشته کشورهای در حال رشد ، مانند کشور دوست هند نیز استفاده میکنیم .

طر ح وترتیب پلان براسا سـ

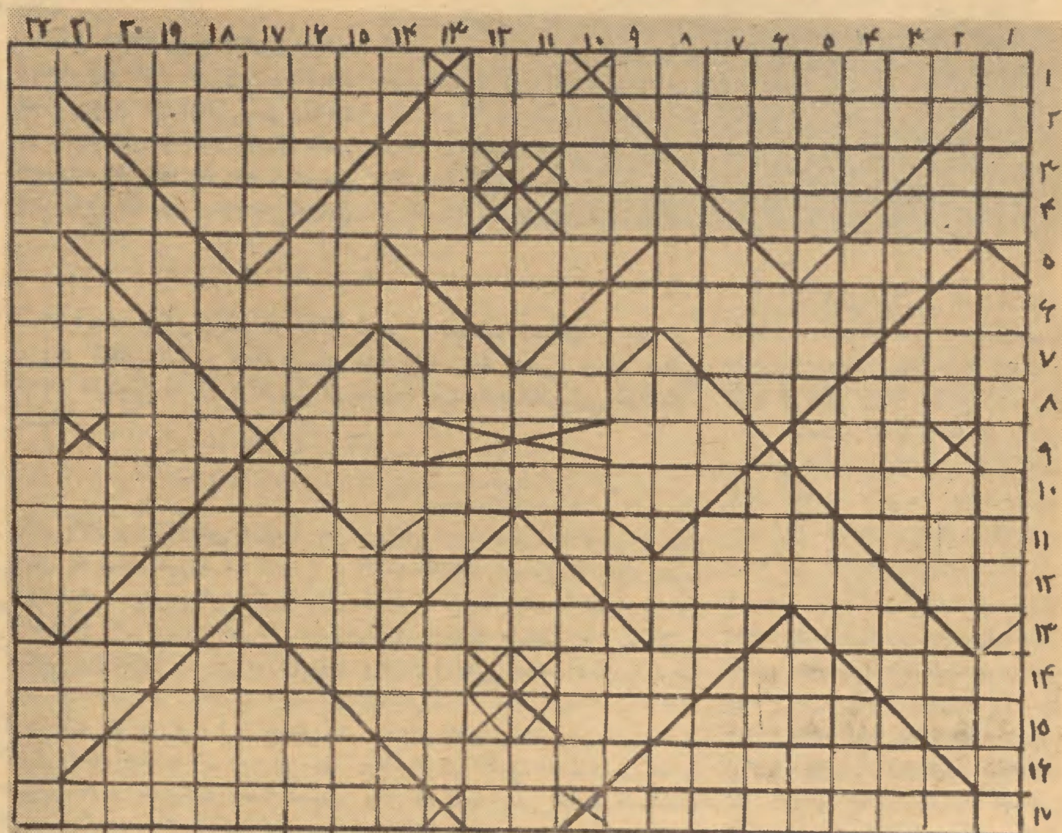
بقیه‌درصفحه۵۰



سرگرمی‌ها و مسابقات

تهیه وتنظیم از: صالح‌محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع



طرح کننده «بلقیس از لیسه بوبوجانی خیر خانه»

افقی : ـ

۱ ـ یکی از کشور های‌آسیا یی ـاز امراض ساری وخـطر نا ك ـ توسط خط دیورند از پیکر کشــور عزیز ماجدا گردیده‌است .

۲ ـ یکی از کشور های‌اروپایی ـکتابیست از محمد حجاز ی ـجمع سیاره ـ ۳ ـ هنر وکـــمال ـ از شعرای نامـی کشور ماـ خود ماـ را ست نیست‌ـمیزیست که‌بدورآن مذاکرات ومباحثات صور ت‌می‌گیرد. محل ـ٤ـ رفیق‌کمان‌است ـ ساز ناتمام‌ـ سردشمنان کشور را به آن میخواهیم ـاز آنطرف سیل پراگنده آغاز وانجام هوا ـ بالای چت قرار دارد‌ـ٥ـ ضمیر اشاره ـ از فلزات ازممالك عربی ـنام خداـدیوار ـ٦ـ اجل نارسیده‌ـ زندگی آخر سراید بندگی درکار نیست این نمو نــه شعر اوست ـدروازه ـاز یو نان است‌ـ فلمی سریال بودکـــه از تلویزیون نمایش داده شده ـ.

۷ ـ پند پراگنده ـ وظیفه‌کارگر از اعضای مهم بدن‌ـ منـــظم آ ن فون‌است‌ـ ۸ـگیر نده ـ ازشاهکار های ادبی ویکتور هوگو ـ برا ی قهرمانان داده‌میشود ـ۹ـ ازآنطرف دریای مشهور کشور ما ـ ناقل‌برق ترس پشتوـنشان نامکمل‌ـ ۱۰ ـ زبان‌ـ اگر آخرش تکمیل گــــردد نویسنده کتاب کاپیتـــال است ـ ردیف کیفیت ا ست‌ـ ۱۱ـ ضمیر اشاره‌ـ زیرش آب سرش‌آتش‌است ازحروف الفبا است‌ـ مو ت‌پراگنده ـ۱۲ـ پهلوان ـ صفت شخصی که جانش رادر راه وطن فداکـــنند ـ ضمیمه به پشتو ـ شرکت هوا یی ایست‌در کشور ما ـضمیر اشـــاره ـ۱۳ انفجار آن خطـــرناك است راه کو تاه‌ـحرکت دهنده ـاز حیوانا ت اهلی است اگر معکو س شود یکی ازدانه های شطر نج می گردد ـعطر زیاد میدهد ـ١٤ عکس شب‌ـ از خو را که باب‌ـ غبار نا تمام ـآچار نارسیده ـ دو حرف و دو خانه ـ عکس را درآن میگذارنــــــدـ ١٥ عدد بیگا نه ـ فلمی به ا شتراك وـ جنتی‌مالاـ وده نکرده‌ـ آغاز وانجام برك‌ـنوعی‌ازچا کلیت‌هاـ عکس‌خیر ـ١٦ـاثر کازل مارکس ـاز پو ل های‌رایج‌کشور های‌شرقی ـازممالك غربی‌ـ۱۷ـ کلیا تش شهرت زیادی دارد‌ـ بالای آب قرار دارد‌ـ لذا ت فلسفه و تاریخ فلسفه اثـــــرش میباشد.

عمودی :ـ

۱ مهر بانی ـ پایش راقطع‌سازید تایکی ازکشور های افریقا یی‌گردد. ازسبزیجات بهاری که هم تازه وهم پخته خورده میشود .

۲ ـ موسیقی شبان ـ از مـــاه های سال ـدر اثر زیاد شد ن‌باران ازکوه ها سرازیر میشود‌ـ عــــدد بیگانه‌ـ ۳ـ تکرارش صدای حیوانی است که به پاسداری مشغول می باشد ـچهره‌ـ ازولایات کشو ر ماـ از حیوانات شاخدار وشو خ ـ یك حرف ودوخانه ـ٤ـ انجام نیافته است‌ـ شب بی آغاز عربی ـآرامی ـزهرـ ردیف کردن ـ٥ـازآنطرف به سا لنگ نرسیده د ر بیـــــن شاکی ـ چرت زدن ناتمام ـ منظم آن‌مبنا است‌ـ٦ـ چهره‌ـ گردنبند‌ـ در قفس سینه جادارد‌ـ باتغیر کم شکار میشود ـ۷ـ ا ند ر نیست ـ یکی از دا ستا ن های ما کسیـــم‌ـ گورکی که‌بزبان پشتو ترجمه شده‌ـ ازخزندگان ـ دوحر فش از مـــاه هایی است که‌روز کارگردرآن‌تجلیل

میگردد ـ۸ـ ادب کوتاه ـهمین لحظه قلم راگرفته ـنوعی از بکس های‌دستی ـ قـاصد زمستان ـ از حروف هیزم انتخاب نمایـید ـ۹ـ خودما ـ سیمای بی‌سر ـ گل‌مید هد ـ۱۰ـ زراعت پیشه ـخودم ـ رنگ نشده ـاثر گورکی ـ۱۱ـدوپانزده ـ ردیف جذر ـ نصف محبت ـ هستم به‌پشتو ـ۱۲ـ دروازه دهـن ـ اره کوتاه ـشکست ـ ادانشده ـ۱۳ـاز ولسوالی های شرقی کشور ـدرجام ساقی ـ اسپ به پشتو ـ مـرکز کشور ما ـ ۱٤ ـ رد پا ـ آتش به پشتو ـ در چاه بکار میرود ـ۱۵ـ با تغییرکم یك عدد میشود ـ ازدرختان سر سبز ـ ردیف خوب ـ ازآخرآخر است ـ فیل پابریده ـ۱٦ـ گروه ـ ذخیره‌گاه آب ـ سمبول سیا هی ـاز آنطرف در پشتو دارم ـ۱۷ـ بـه پشتوعروسی ـ ازحیوانات در نده ـ سه‌خانه ویك حرف ـشکار چی ـ ۱۸ـ منظم روان میشود ـ رفیـق بولت ـ هنر ـ عمر رابانو یکجانمائید ـ۱۹ـ اگر منظم شود رسامی‌گردد ـ دوپانزده ـردیف عنـبر ـ حا صل اکسیجن وهاید روجن ـ سـرو شکسته ـ۲۰ـ توت میان خالی ـ خوب نیست ـ پشیمانی ـ شوق بی آغاز ـعلامت جمع ـ۲۱ـجام‌نامکمل جبروستم دربین فلم بیمان ـ ا شك نارسیده ـ۲۲ـسخن چیـن ـ از نویسندگان مشهور و کلا سـیك شوروی ـاز ماه های قمر ی‌است ـ

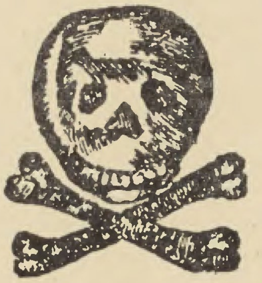
این دختر کیست ؟



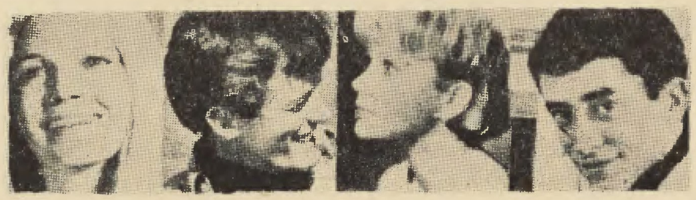
به این چهره خوب دقیق شو ید ازشر ق تاغر ب واز شما ل تاجنوب پدرش راخواهند شناخت اوجهانیان را خندا ند و لی هما ن قـد ر ت خنداندن در چهره دختر ش نیـز نهفته است آیا میتوانید اسم خودش واسم پدرش رابرای ما بنو یسید .

این علامه چیست ؟

شاید درین فکر خوا هید بود که ایـن علا مه خطر و مر گ ا ست شاید هم درست فکر کنید مگر برای تان میگو ییم که این عـلا مـه عبار ت است از یك نو ع تکـت بوستی که در یکی از کشورها ی جهان برای استفاده به چا پ رسید آیا میتوا نید برای ما بنو یسید که این تکت برای چه ودر کدا م کشور به چاپ رسید .

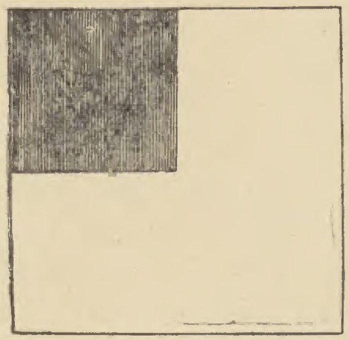


این ها کیستند ؟



به این چهار چهره متو جه‌شویداین ها چهره های مشهور ی هستند که‌زمانی والدین آنها شهرت جهانی‌داشتند . اگر با اسمای آنهاآشنایی داشته باشید برای مابنو یسید .

؟ ایا میتوانید !



پدری بعد از فوت خود یك‌قطعه زمین رابرای چهار پسرش‌به‌میراث گذاشت که به شکل مربع بود و لی قسمت چهارم آن شوره زارومتباقی آن‌حاصل خیز بود ـ برادران خواستند که زمین رابین خود تقسیم نمایند اما هرچند کوشیدنـد نتوانستند که آنرا مساوی وبه‌یك‌شکل بسازند درین کار عاجز ماندند حالا ازشما میخوا هیم زمین مذکور را طوری تقسیم نمایید که زمین شوره زار درین قسمت شامل نبا شد و به یك شکل و یك مساوی تقسیم نمائیـد طریقه آنرا نیز برای مـا بنویسید .

این خواننده جوان کیست ؟



ماچهره‌یکی‌ازخوانندگان‌مشهورجهان را به چاپ میرسانیم اگر باچهره‌اش ویا آوازش آشنایی داشته با شید اسمش رابرای ما بنو یسید.

بقیه صفحه ۳۳

شفاخانه جنگلی

های ارتجا ع یك بازویش را تاشانه از دست داد بهترین امکا نا ت‌برای تداوی اش توسط شفا خانهٔ مذکور فراهم گردید که در نتیجه بازو ی مصنوعی در بازو ی قطع شده‌مذکور نصب گردید که ابتدا بانگاه گذرا شخص اصلا عقلش نمیتوا ند باور کند که بازو از خودش نیسـت . مریض مدعی است که در اثرتمرین وورزش که بوسیله ((خانم هولم)) تنظیم ورهنما یی میگردیده ، و ی ناراحتی اش را توانسته فرا موش بدارد . اولیا ی امور مراکز درمانی آلمان بخصوص مرکز در مـا نی متـذ کره باندای رسا وصمیمانه و بابانگ مملو از نو عدوستی متذکر شدند که این عمل ما یعنی کمـك به زحمتکشا ن متر قی جهـا ن در واقع حکم همبستگی با نیرو ها ی مترقی وزحمتکشا ن را دارا است ، مافقط در راه اعادهٔ صحت آنا نیکه متعلق به کار گرا ن وزحمتکشا ن ملل مترقی است ، میکو شیم .اشعهٔ ایکس نیز درین شفاخـــانه در راه تداوی مریضا ن و مجرو حا ن‌موارد استعما ل فراوا ن دارد . در حـال حا ضر ازجمله (سه صدو پنـجاه) مریض شفاخانه جنگلی دوبتیزبیش از نود فیصد آن ، از کشور های مترقی ونقاط دور افتاده آورده شده است که قسمت اعظم آن معا لجـه وآمادهٔ برگشت به میهن خود اند . دکتور ((یونگ میشل)) متصد ی ((شفاخانه جنگلی)) گفت کـه : برگشت مریضان پس از صحتیا بی که آنهم به اسر ع وقت صور ت‌می پذیرد وخاطرا ت خوشی که درما ن شدگان از وسایل عاجل در ما نـی متخصصین ما دارند، بنوبهٔخودثبوتی است برای روش خو ب ونـوع ـ پرستانهٔ ما. ما پیوسته در خد مت زحمتکشان قرار داریم . برای ماکار مندان شفاخانه اعم از دکتـورا ن، نرس‌ها و متخصصین شفا خا نـه جنگلی کما ل رضایتمند ی است‌که توانسته ایم در راه تحکیم نیرو ی زحمتکشان وتر قی پسندا ن و همه آنانیکه در راه بهبودی وبهروز ی بشرگام میزنند ، موثریت خـودرا ثابت بداریم .

ایستگاه

اهداء : به‌زنان مبارزی کـه دربدترین شرایط استبداد درفش نبرد رابر زمین نگذاشتند.

نوشتهٔ : و . کور لنکو
ترجمه هومن

چند نکته در باره نویسنده :
ولادیمیر کورلنکو ، معروفترین‌نویسنده پایان سده نزدهم‌وبیستم (۱۸۵۳_۱۹۲۱) یکی از چهره های‌شناخته شده عصرش بود. ماکسیم گورگی، نویسنده و بنیان گذ ا رسبك واقع گرایی اجتماعی ، که با کور لنکو آشنایی نزدیك دا شت ،در مورد او می نویسد :
((هر قدریکه به او نزد یك مـی‌شدم ، به همان اندازه به این باور می‌رسیدم که کورلنکو بزرگتر یـن‌انسان گرای ز مانش هست . مـن هر گز در بین ادمان متمدن، بـــه‌اندازهٔ او به مردی بر نخورده‌ام که مانندش تشنه حقیقت و عدا لـت‌باشد و هیچکس همـتای او د ر جستجوی حقیقت زندگی نبود .)) میراث ادبی کورلنکو ، شا مـل داستان های کوتاه ، ناول هـــای‌کوچك و کتاب پر حجمش به نـام ((تاریخ معاصر)) که دران نـیم‌سده رو یداد های ز ندگی رو سیه انعکاس یافته، تصاویری‌ازسایبریا،جاییکه او در تبعیـد بسر بـرد و خاطرات تو لستـوی ، چخـوف ،گار سین و نویسندگان د یکر می _ باشد .

بااین کلمات می توان به ژرفای‌باوروی به آ زادی انسانی پی‌برد :
((انسان به شادی چنان نیازدارد‌که‌پر نده‌به پرواز)).

((راننده ، تا ایستگاه فا صلـه زیاد مانده است .))

(فکر می کنم که پیش از تو فان به آنجا نرسیم . ببین ، توفان برف چه قیا متی بر پا کرده است. مثل اینکه قطب شمال بر ما نازل شده باشد !))

به راستی توفان برف، لحظه به لحظه نزدیکتر میشد . نزدیك شدن شب ، سوز هوارا شدید ترساخته بود. توته های برف زیر چرخ‌گادی برفی (نوعی از گادی های بدو ن چرخ که در مناطق سرد و پر برف ازان برای حمل و نقل کارمیکیرند.)

به هرسو پراگنده شده ، واز سوی جنگل انبوه و تاریك زوزه بادسرد زمستانی ، زمستان کشنده شمال، به سوی ما راه می کشید. شا خه های درخت های یـخ زده جـرنگ جرنگ به هم می خورد و ا نـبوه درخت های کاخ دران شام زود رس وتاریك ز مستانی ، بهم فشرده و تیره تر به نظر می آمد .

سردی و نارامی ، بـــرای آزار ما دست به هم داده بود ! ارابه‌برفی تنگ است ومیله های آن دو پهلویم را می آزارد . شمشیر و تفنگچه‌های سپاهیان ، جرق جرق به هم‌میخورد وصدای دینگ د ینگ ز نگ ارابه برف‌رو همراه با فر یاد توفان‌برف، بهم می آمیزد .

ولی‌خوشبختانه، بالاخره‌درحاشیه جنگل ، نور کمرنگ ایستگاه‌ازدور پدیدار شد .

دو سپاهی ، در حالیکه صدا ی بهم خوردن یراق های جنگی شان به خوبی شنیده می شد ،دردروازهٔ یك کلبهٔ تاریك داغ و پر از دود ، برف را از سر و روی شان تکـــان دادند . این کلبــــــه دود زده‌را ایستگاه می نا میدند . زن خانه که ناآرامی و انـدوه از سر و رویش می‌بارید، یك تریشه چوب سو زان را در اجاق ز مینی ، جا به جاکرد:

زن چیزی است که بخوریم ؟

به خانه چیزی نیست .

ماهی ، شما نزدیك در یا قرار دارید .

چیزی ماهی که‌داشتیم همـه را پلنگان آبی بلعیدند .

خیر کچالو ...

نی مردان خوب ، امسال کچالو ها را همه یخ زد .

وضع همینطور بود . و لــی خوشبختانه کـه سمــاوار را آ تش انداختند . چای کمی ما را گــرم سا خت .

زن خانه کمی پیاز و نان خشك دربیرون ، توفان برف لحظه به‌لحظه را در تکری بیدی برای ما آورد . افزایش می‌یافت . گرد برف تـــن خویش را به شیشه های کلکیــن می زد و شعلهٔ چراغ تپ تپ می _ لرزید و بل و گل می شد .

زن می گوید :

شب را باشید . در این هوا ی توفانی کی ر فته می توانید ؟

یکی از سپا هیان جواب می دهد: بسیار خوب ، می مانیم .

رویش‌را به طرفم گشتا نده بـا لحن پر سنده گفت :

آقا شما خو بسیار عجله‌ندارید. می بینید که این جا چه جایی است وشمارا کجا می برند ؟

سکوت بر کلبه بـال گسترد . زن خانه نیز فتیله چراغ را باصدای خشکی پایین کرد . آن را پف‌نمود، وخوابید . تنها صدای دیوانه وا ر باد ، سکوت اندوه بار و غم ا نگیز را می شکستاند .

خواب نمی توانستم . مثل‌اینکه فر یاد توفان برف خوابم را بر هم زده باشد . افکار د لتنگ کننده و ملالت انگیز ، یکی پشت د یکر بر ذهنم فشار وارد می کردند .

همان سپا هی ژاندارم ، کــــه بیشتر سخن ز ده بود با لحن مودب پرسید :

آقا هنوز خواب نکرده اید ؟

او سر پرست دو سپاهی د یگر بودآ . آدم دوست داشتنی به نظـر آمده و چهره مهذبش جلب تـو جه می‌کرد . او که در کارش آدآم چالاك بود می توانست کمتر خشن باشد وبه همین دلیل کمتر سختگیر بود وبه مقررات خشك اهمیت چندا نی نمی داد .

خوابم نمی آید .

((می‌خواهم برایت قصه یـــی بگویم، البته اگر خسته نمی شوی. حادثه‌یی که بر خودم‌گذشته‌است.))

گفتم ((مهم نیست بگو .))

بخش دوم

در سال ۱۸۷٤ ، وارد خدمــت عسکری شده و به قطعه سوا ر ی شروع بکار کرد .

مرا از مله پشکی های به‌اصطلاح ((جدیدی)) راسا به آنجافرستادند. سعی کردم و ظایفم را به خو بـی انجام بد هم . گـاهی بـه رسم و گذشت می بودم و گا هی به پهره وتمرین و بار ها هم به‌بردن‌زندانیان از این بندی خانه به آن بندی خانه ((شما)) خود تان می دانید که این کارچقدر دشوار است . بـه زودی ظر آ مران را جلب کردم سرکردهٔ ما که ر تبه تورنی داشت ، از جمله ((وطن داران)) بنده بود . روزی مرا پیش خود خواند و گفت :

((گاوریلوف ، می خواهم ترابه مقام خرد ضابطی بلند ببرم . . . آیاگاهی تبعیدیان و ز ندا نیان رابه سایبریا برده یی ؟

جواب دادم :

((عالیجناب هیچگاه نی !))

((می خواهم به این کـــار هـم مهارت پیدا کنی . کار ساده وآسان است: می‌روی ومی آیی))برا یش گفتم که وظیفه مقدس است .

البته باید این را خاطر نشان‌کنم که هیچگاه بـا تبعیدی چون شمـــا نرفته‌ام . ممکن این کار ساده‌باشد. ولی باید آدم به بسیار چیز هـــا آشنایی یابد ، فر مان ها و ا وا مر را بداند و در برابر او ضاع‌واکنش سریع داشته با شد و همینطور...

یك هفته بعد ضابط امر مرا نــزد تورن که در آنجا یك خرد ضا بــط دیگر هم حاضر بود می برد . تورن برایم می گوید :

((ترا مو ظف سا خته اند کــه تبعیدی را ببری ،))

و رو یش را به طرف خردضابط نمود .

((این هم ز یر دستت بوده و نوکار است .))

پسانتر اضافه کرد که چشمان مارا باز نگهداریم و ابراز ا میدکرد که ما چون آ دم های چالاك هستیم به‌کار خویش مو فق خوا هیم بودو افزود :

((شما دو شیزه ما رازوا را که زندانی سیاسی در زندان قلعه است از آنجا انتقال می دهید. این هـــم مکتوب های امر است . فردا سفـر خرج تان را بگیرید . حالا ر خصت هستید !))

به این تــرتـیب ، خرد ضابط ایوانف بحیث آمرم و من مثل ایــن سپاهی هـمرا هـم ، زیر د ستش گردیدم . آمر همیشه کیسه یی‌که دران مکتوب های رسمی و اوامــر است ، همراه دارد . سفر خرج را می‌گیرد . حساب خرچ به دستش است و شخص زیر د ستش به‌کار دیگر مثل : تو جه به مسایل‌شخصی نگهداری از سا مان و لوازم . و اوامر را اجراء می‌کند .

فردا که قرار گاه را ترك کردیم، تازه نور سپیده با مداد بلندی هارا روشن کرده بود . و لی عجیب‌ایـن بود که ایوانف به‌همان پگاهی یکی‌دو پیاله شراب نو شیده بود . ا گـــر راست بگویم او برای اینگونه کار ها مناسب نبود و به همین سبب مدت ها پیش تنزیل مقام داده بود. اوپیشروی آمران سرا پایك آ د م انضباطی خود را نشان می داد ، و گا هگاهی از همکاران خویش خبـر چینی می‌کرد . و لی همینکه از نظر آمران دور می شد ، دیگر همه چیز یادش می رفت و تمام توجه اش‌این بود که شراب بنوشد .

به زندان رسیدیم . مکتوبی بـه زندانیان دادیم و منتظر ماندیم . حس کنجکاوی‌ام درمورد این دختـر زندانی تحریك شده بود . میدانستم که راه دور و درازی باوی خوا هـم رفت . درست همین راه بود ، بـه استثنای اینکه وی شهری بودوشما یك روستا یی . کـــنجکا و بـــه خاطری که این او لین سفرم بود و فشار شگفتی به مغزم سنگینی می‌-کرد که یك د ختر ز ندانی‌سیا سی چه قسم خواهد بود .

تقریبا یك سا عت منتظر ماندم. تا اثاثیه شخصی وی جمع شد . همهٔ آنها یك بسته می شد که د ران یك دامن و یك یا دو چیز دیگر قرار داشت . البته چند جلد کتاب هم‌بود وهیچ چیز دیگر . فکر کردم: پدر و ما در شس مـر دما ن نـــا دار خــوا هد با شد . وقتی کـــــه بیرون آمد ، نو جوانیش مرا تکا ن داد. یك‌دختر کوچك بسیارکم‌سن، به نظر می آمد . موی های کمرنگش را به‌شکل یك چوتی به عقب ســر انداخته بود و کو مه هایش ازشدت شرم سرخ گردیده بود. ولی‌پسانتر دیدم که وی چقدر رنگ پریده است ورویش چون گچ سپید شده بود . این رنگ پریدگی تا پایان سفر دوام داشت . از همان لحظه‌یی که چشمم به او افتاد ، د لم برایش سوخت . ولی هیچگاه در دلم این اندیشه که وی را باید شکنجه داد ، راه بـاز نکرد . البته او ممکن دست به‌جنایت سیاسی زده باشد، و لی به آنهـــم



دلم برایش بسیارمی‌سو خت .

هنگامیکه لباس‌میپو شید، کرتی رابه تن وکلوش هایش را به‌پا می‌-کرد، اثاثیه خویش را بما نشان‌داد. این امربود که باید همه چیززندانی را تلاشی می کردیم واز نظر می ـ گذراندیم . ما از او پرسیدیم که‌اگر پولی داشته باشد . او فقطیك‌روبل وبیست کوپك همراه داشت که آنرا ایوانف برای نگهداری گرفت .

سپس گفت :

((دو شیزه باید سرا پای تان را تلاشی کنم .))

ناگهان خون به صورت د ختـــر دوید. از چشمانش برق‌خیره‌کنندهٔ بیرون‌شد، وکومه هایش سرخ تـــر گردید . لبانش را با اندوه ز یــاد به دندان گز ید . چه نگاه تــکـان دهنده ! اگر راست بگویم مـــر ا ترساند و جرأت نکردم به او نزدیك شوم و لی ایوانف که مثل همیشه آدم بی مبالات بود ، هم چـــنا ن پافشاری کرد . به طرفش نز دیك شد و گفت :

((امر آمر است !))

دختر چنان چیغ زد که حـــتی ایوانف گامی به عقب گـــذاشت . رنگ چهره اش پریده تــر شد . خون از صورتش به کلی د و ید . از چشمانش برق خشونت بارجهید پا هایش را به ز مین کــوبیــد ، و کلمات فر یاد گونه از د هنش‌برآمد. اگر راستی بگویم به مشکل‌توانستم چیزی بشنوم.

ناتمام

جواب به نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان وهمکاران عزیز :
امید واریم بهار پدرام وشادا ب رابه خوشی سپری کنید و بااین دو مصراع سعدی :

درخت غنچه بر آورد و بلبلان مستند
جهان جوان شدو یاران به عیش بنشستند
حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد
علی الخصوص که پیرایه بر او بستند .

می پردازیم به پاسخ نامه های رسیدهٔ دوستان :

دوست عزیز محمد یوسف متعلم لیسه عمر شهید
سلام همکار عزیز . حل جدول متقاطع شما را به متصدی صفحه مسابقات وسرگرمیها سپردیم که هر گاه صحیح باشد ذکری از نام مبارك تان درزمره حل کنندگان جدول متقاطع برود .

و دعا می کنیم که از رقابت ودوستی با پیمانه دوری یا بید ودوست زمانه ومبارزه گردید.

دوست عزیز وفانجفی کارمند جن وپرس بلخ
پارچه شعر ارسالی شما راخواندیم و به استقبال بهار به نشر می پردازیم

نوبهار است چمن زیب جهان خواهد شد
گل وسنبل بوطن مشك فشان خواهدشد
میگساران لب جو باده گلرنگ زنند
چشم ما بر کرم پیر مغان خواهدشد
گر ز لطف و کرم خویش بسویم آیی
فرش راه قد مت دیده و جان خواهدشد
داغهای که بدل زان رخ گلگون دارم
ازسر بت من لاله عیان خواهد شد
گردش سال مه و عهدجوانی و صال
همچو برقیست وزانظارنهان خواهد شد
بوستان سبز و دمن موج زنان از لاله
بزم یاران ودمی رطل گران خواهد شد
بوفای تو قسم ای گل زیبای بهار
خندهٔ لعل لبت آفت جان خواهد شد

دوست عزیز محمد داود متعلم صنف دهم تخنیك ثانوی
سلام برادر ، نامه یی شمارابه متصدی صفحه مسابقات و سرگرمیها حوالت کردیم ، ازآن صفحه اطلاعش را بگیر یدو همیگونه همکاری خویش راادامه دهید ، موفق باشید

دوست عزیز عبد الغفور بران. سلام همکار ارجمند. شعر ((من ترا نه میخوانم)) شمارازمزمه کردیم و آنرا حوالت کردیم به متصدی صفحه بر گزیده ها ، وآن چار پاره را در اینجا بخوانید :

مبارك باد روز میمونت ای هموطن
زآسمان میچکد کنون مشك ختن
چندی ز گلشن دوربودم محزون بودم
زفیض بهاری بازمیروم سوی گلشن

دوست عزیز احمد شاه حسین هوتکی
سلام همکار مهربان . پاسخ به سوالات صفحه مسابقات و سرگرمیها را به گردانندهٔ آن صفحه حوالت کردیم ، همکاری تانرا ادامه دهید ، موفق باشید .

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی
سلام همکار بسیار خوب ژوندون . نامه یی شما به اداره رسید و حاوی مطالب دلچسپی بود . راستی دل همه از این سارقان ادبی داغ دارد وخداانصاف شان بدهد که این چنین بی دریغ مال دیگران رابه سرقت می برند . واینك نمونه یی از شعر شما که برای سارقان ادبی گفته اید .

بتو ای سارق ادب تقدیم هزاران نفرین
بتو سارق ودزد قلمی فراوان نفرین
گر نویسی اثر دیگران بنام خود
از این بی ادبانه عملت ، بیکران نفرین
مده انوری دزدی را بیاد دیگران
ز شرق تا بغرب مارا زانوری دزدی نفرین

* * *

از مهربانی و لطف تان ،درحق مجله و کارکنان مجله ،امتنان داریم . فکاهیات ارسالی تانرا به متصدی صفحه خنده سپردیم که به نشر آن همت گمارد. وپوستکارت قشنگ تانرا به صفحه جواب نامهٔ اختصاص دادیم که در فرصت مناسب به چاپ زنیم و به همین ترتیب همیشه پوستکارت های قشنگ بفرستید و ما را خوشحال سازید،اما نوشته دیگر تان ... آن نوشته ، در شماره های پیشین مجله ،در صفحه جواب به نامه ها به چاپ رسیده است ، مطمین باشید . مطالب ارسالی شمارا ،که از همکاران خوب مجله هستید هیچگاه بی پاسخ نمی گذاریم، بازهم مطمین باشید.

دوستان عزیز روشنانه زرین وحمیده مبارز متعلمان صنف دوازدهم لیسه حوای پلخمری
بعد از سلام ، بهاران سبز وپرازنشاط وطرب برایتان آرزو میکنیم وهمه روز گار تانرا نوروز میخواهیم ... از اینکه سال نورا به ما میمون و خجسته خواسته اید ،تشکر وپوستکارت گونه یی قشنگ تانرا هم به کار کنان مجله هدیه کردیم .

نامهٔ «یك ریاضی دان به معشوقه اش »را خواندیم ولذت بردیم . انتظار نشر آنرا در یکی از شماره های آینده مجله در صفحهٔ برگزیده ها بکشید .

آرزومندیم از همکاری های ناب ونغز تان با این مجله دریغ نورزید، سعادت وموفقیت تانرا خواهانیم .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه
دوشعر سروده طبع شما بنامهای «بهاران» و «مسافر» به متصدی صفحه شعر مجله تحویل داده شدکه امیدواریم آیینه بندان آن صفحه گردند ...

والسلام

بقیه صفحه ۳۳

درسال ۱۳۶۰ ...

و تربیه برای رشد ذهنیت مسلکی وفنی معلمان نقش ارزنده یی را دارا خواهند بودولی سیمینار هایی که ازطرف وزارت تعلیم و تربیه تاکنون‌دایر گردیده اند برای آشنایی معلمین کشور با متود سیستم جدید تعلیمی مابوده است و بس. ما تدویر چنین سیمینار هایی را از این جهت نهایت ارزنده وسودمند می دانیم که از یک‌طرف معلمان کشور را با سیستم جدید تعلیم وتربیه آشنا می سازند واز طرف دیگر معلومات معلمین را در رشته مسلکی آنها ازدیاد می‌بخشدو آنهارابا تکتیک های جدید درسی آشنا می سازد .

وی در این مورد علاوه نمود :

مادر مکاتب کشور به موجودیت معلمین سیمینار دیده ارزش‌واهمیت زیادی قایل هستیم ودر نظر داریم تاساحه تدویر چنین سیمینار هایی را وسعت بیشتر ببخشیم و زمینه آن را مساعد گردانیم تا همه‌معلمین کشور مابتوانند از مزایای این نوع سیمینار ها مستفید شوند .

باتوجه‌وزارت تعلیم‌وتربیه بود که درسال ۱۳۶۰ ــ انستیتوت اکمال تخصص معلمان در چوکات این وزارت تاسیس گردید .

درین انستیتوت همه‌معلمین‌مرکزو ولایات کشور کورس های کوتاه مدتی را تعقیب خواهند کرد و مطابق‌به اصل فیصله شده، هرمعلم مجبور و مکلف است که بعد از گذشت هر چهار سال به سویه های مختلف همینگونه کورس ها را تعقیب نماید واجرای این امر سطح آگاهی معلمین کشور را به شیوه های جدید اصول تدریس بیشتر می‌سازد .

(وفامل) بپاسخ‌این‌سوال که آیا درشرایط فعلی وزارت تعلیم و تربیه مطابق به ضرورت مکاتب کشور معلمین مسلکی در اختیار دارد ویااز این رهگذر با مشکلاتی مواجه است،چنین روشنی انداخت:

وزارت تعلیم و تربیه در شرایط فعلی بقدر کافی معلمین مسلکی در اختیاردارد واز این رهگذر بامشکل بزرگی مواجه نمی باشد ولی از آن جاییکه با ازدیاد مکاتب کشور چنین تقاضایی بیشتر عرض وجود می نماید موسسات تعلیمی کشور قادر خواهد بود تادر آینده نیز مطابق ضرورت ، معلمین مسلکی زیادی را تربیه نموده در اختیار وزارت تعلیم و تربیه قرار بدهند.

ــممکن است بگویید درسال جاری بچه تعداد شاگرد در مکاتب سراسر کشور به دروس خویش آغاز نموده اند ؟

ــ اکنون که مکاتب سرد سیر شروع شده مجموعا ۱۰۲۹۲۴۲ شاگرد در دوره ابتدایی و (۱۰۳۰۶۲) در دوره ثانوی‌مصروف تحصیل اند .

رئیس تدریسات ثانوی درمورد پروگرامهای جدید تربیوی‌که‌در مکاتب کشور تازه به کار آغاز کرده اند چنین گفت :

در پهلوی دروس مکاتب پروگرام های بهتر وسرگرم کننده برای شاگردان هم در داخل وقت رسمی وهم درخارج‌درس‌روی دست گرفته شده است این پروگرامها تازه در اختیار ادارات لیسه‌هاقرار گرفته، ومطمئن هستیم که با تطبیق آن در بلند بردن سطح ذهنیت شاگردان کمک همه جانبهٔ خواهیم نمود .

مثلا ایجاد کمیته های مختلف با شرکت معلمین و شاگردان که این کمیته ها داخل لایحهٔ وظایف خود مکتب ولیسه بوده وبهترین راه مصروف ساختن شاگردان وانکشاف دادن علاقه ها واستعداد های نهفتهٔ شان میباشد . ما در مجموع شش کمیتهٔ فرعی و یک کمیته بنام کنترول وارتباط در رأس این شش کمیته داریم. کمیته های فرعی عبارت اند از :

۱ ــ کمیته هنر های زیبا که دو شعبه دارد .

الف ــ نقاشی و مجسمه سازی .

ب ــ درامه وموسیقی .

۲ــ کمیتهٔ سپورتی .

۳ــ کمیتهٔ حفظ و مراقبت .

۴ــ کمیتهٔ تنظیم کمکها .

۵ــ کمیتهٔ تنظیم رقابت‌های‌درسی

۶ــ کمیته ارتباط

۱ــ در کمیته هنر های زیبا میتوانیم یك تعداد زیاد شاگردانی را که علاقه مند به رسم ، خیاطی نقاشی ، مجسمه سازی ، درامه و موسیقی باشند، داو طلبانه تنظیم نماییم تاتوانسته باشند استعداد های شان را تبارز دهند .

دوم ــ کمیته سپورت :

علاقمندان ورزش سپورت راجمع آوری نموده و زمینهٔ خوبی رابرای تشویق وترغیب شاگردان و ایجاد مسابقات سپورتی بین‌تیم های دو لیسه و یا دو منطقه و یادو ولایت‌رامساعدمی سازیم‌که‌در اجرای این مسابقات یك‌سلسله‌مشکلات و علاوه اینکه ازنزدیك بامسایل و مشکلات سپورتی خودآشنامی‌شوند وپرابلم های خودرابا هم دیگرطرح نموده با دردها ــ علاقه ها ــ وآرزو های مشترك همدیگر آشناء شده در مجموع راه حلی برایش پیدا خواهد کرد.

ما یقین داریم که چنین دید وبازدیدهادر روحیه شاگردان اثر بسیار مثبت وعمیق به جا خواهد گذاشت

۳ ــ کمیته حفظ ومراقبت :

این کمیته مسئول مراقبت سراسر مکتب است حفظ ومراقبت گلها ، نهال ها ، میز ها وچوکی ها ودیوار ها، کتب ،حاضری ، مسایل محیطی و کانتین ، مسئولیت اولی آنهارا تشکیل میدهد .

این کمیته مکلف است مواد خوراکی شاگردان راکه از طرف کانتین به فروش میرسد در روز های گرم تابستان که زمینهٔ مساعد برای نشو ونمو مکروب ها است شدیدا کنترول کنند آنها مسئول کامل حفاظت ومراقبت آب‌نوشیدنی مکاتب هستند.

۴ ــ کمیته تنظیم کمکها :

این کمیته مسئولیت دارد تا کمکهایی را که از طرف دوستان وموسسات‌ذیصلاح وقتافوقتامیرسدبه اسرع وقت درست ومنظم‌بدسترس شاگردان مستحق گذارند . بر علاوه آنها مسئول اند تا شاگردان فوق‌العاده ، مستحق و کسانی را که جهت ادامه تحصیل به کمك‌نیاز دارند تشخیص نموده و به مقامات مربوطه معرفی نمایند .

۵ ــ کمیته تنظیم رقابت‌های درسی :

این کمیته مسئولیت دارد تایك تعداد مسابقات درسی را بین صنوف مختلف در مضامین مختلف پلان گذاری کند که نتیجه این رقابت ها جهت بالابردن سطح دانش معلومات واستعداد شاگردان تاثیر زیادی خواهد داشت

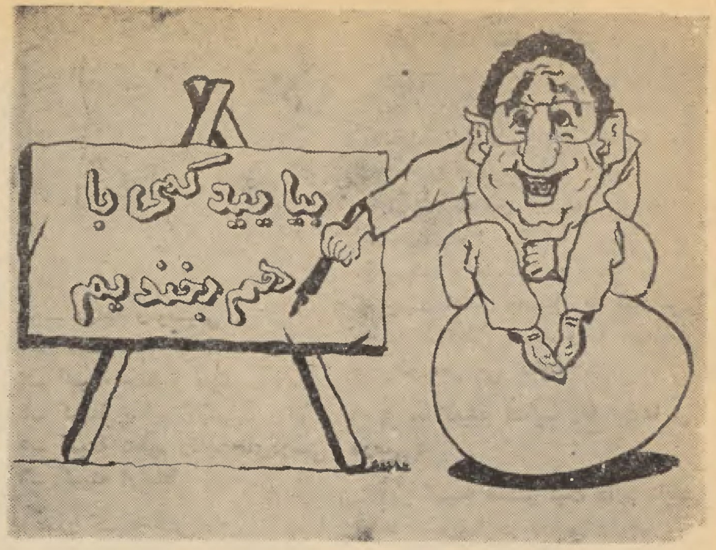
طوریکه گفتیم ما در نظر داریم از آغاز ماه ثور امسال با همکاری اعضای مسلکی تدریسات ثانوی و دیپارتمنت های مربوط مشترکا دروس نمونه ئی‌تهیه نموده‌وبهترین دروس راکه مورد تایید همه قرار بگیرد در صنوف تطبیق نماییم البته برای نتیجه گیری آن میتوان یك سلسله مسابقات درسی را به میان آورد که این کمیته مسئول ارزیابی نتیجه آن بوده برای پلان های آینده مارا رهنمایی خواهد نمود .

۶ ــ کمیته ارتباط :

عبارت از کمیته ایست که باتمام کمیته های فوق ارتباط داشته ومسئول کنترول همه جانبه کار کمیته ها ، نظم‌مکتب شاگردان ومعلمین میباشد وموظف است تا همه جوانب کار هارا بررسی نموده وبه کمیته کنترول وارتباط که در راس آن اشخاص باصلاحیت چون مدیرویامدیره مکتب ومسئولین دیگر قرار دارند بسپارد .

کمیته کنترول ارتباط مکلف است تا مشکلات کمیته ها را با پلان کار شان‌عمیقا بررسی‌نموده وبه مراجع بالاتر جهت همکاری وپیدا کردن راه حل معرفی نماید .

باید یاد آور شد که هر کمیته از خود پلانهای جداگانه کار داشته که مسئولین تدریسات ثانوی درین قسمت همراه آن ها وقتا فوقتاً همکاری می نمایند .



دلیل خوب

کشف بزرگ روانشناسی

روانشناس پشت میز خود نشسته بود و با دقت با احمد چهار پنجساله گفتگو می کرد تا علت نارا حتی های روحی او را کشف کند . بدینجهت پرسید :

– خوب پسر جان ... بگو اگر گوش چپ تو رابا چاقو قطع کنن، چه اتفاقی رخ می دهد ؟

احمد کوچك بلا فاصله جوابداد :

– خوب معلومدار است ... کهحسن شنوائی خود را تا حدی از دست میدهم .

روانشناس گفت :

– بسیار خوب ... حالا اگر گوش راست تو را هم قطع کنن‌چه خواهد شد ؟

احمد بدون تأمل جوابداد:

– بینائی خود را ازدست میدهم !

روانشناس با شنیدن این حرف مثل اینکه پیروزی بزرگی بدست آورده باشد رو به پدر و مادراحمد کرده گفت :

– بچه شمابامشکل بزرگی روبرو می‌باشد .

... باید برای آن یك فکراساسی کرد... برای اثبات این موضوع سوالات خودم را ادامه میدهم ..

سپس رو به احمد کرد وگفت:

– خوب احمدجان... چرابریدن گوشهایت ، باعث از بین‌رفتن حس بینائیت میشود ؟

احمد کوچك بدون اینکه تغییری درقیافه اش بدهد با خونسردی جوابداد :

– برای اینکه کلاه من بسیار کلان است ... وقتی گوشهایم‌قطع شود پائین می آید و پیش‌چشمهایم را می‌گیرد .

دوتایی باهم‌بازی کنند

پدر مشاهده کرد که پسرش باچاقوکرمی را که در کنار باغچه میخزید دونیم کند. پدرش با دیدن این عمل با عصبانیت رو به پسرش کرد :

– این چکاری بود که‌کردی... یك بچه بسن و سال تو نباید اینقدر بی رحم باشد !

پسر جوابداد :

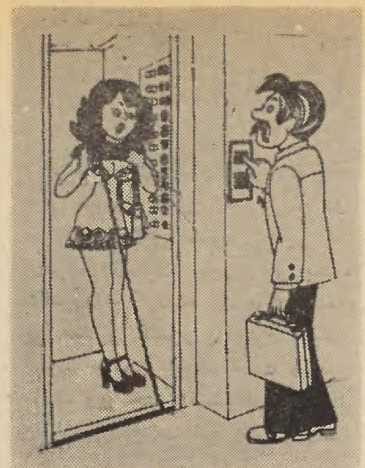
– پدر جان ... بر عکس ... من بسیار هم دلرحم دارم و وقتی دیدم این کرم تنهاست ، او رادونیم کردم که‌بتوانن دوتایی باهم زندگی کنن !!



بدون‌شرح



نواسه به مادر کلان: بی‌بی جان‌پدرجانم ترا باتیلفون کار دارن



بدون‌شرح

چاره جویی

داکتر شفا خانه دستور داده بود که مو های همه مریضان را از بیخ ماشین کنند یکی از دیوانه ها به رفیقش گفت :

–کاری کن که‌سلمانی‌نتواندموهای سر ما را از بیخ ماشین کند من چند تا میخ در بین سر تو می کوبم تا وقتی خواست سرت‌را ماشین‌کند دندانه های ماشین‌به‌آن تصادم کند و بشکند .

دوستش این فکر را بسیار پسندید وفورا دست به کار شدند بعد از آنکه او سه تا از میخ را برکله رفیقش‌میخ کرد به‌نا را حتی به او گفت :

– نمی فهمم چراهمه وقت که یکی از میخ ها را می کوبم از جا می پری ؟ البته که سرت درد می‌کند ؟

– نی برای‌این نیست فقط می ترسم چکش را به جای میخ بسرم بزنی .



بدون‌شرح

دوهمه برخه

دحقیقت دلیکلو په لار کی پنځه خنډونه

دایو وا قعیت دی‌چی‌داندیښنو دخپرو لو په خاطر ادبیا ت په عالی سطحه کی پخپله یو تیریدو نکی پښتنګ دی خوسره له دی هم ادبیات کله د حاکمی مستبدی طبقی دبد ګمانیو مو جب کیږی دلته نو امکان لری دادب پیژندنی سطح کښتـــه راوړل شی ، مثلا دا تدبیر کیدای شی دپو لیسی داستان په یوه بـی با که سطح کی پکار یو ړل شی او دویلو په ترڅ کی دپټو خیانتونـــو جنایا تو او دټو لنی دنوروفسادونو په باب څه وویل شی او همدا شیان بس دی چی دپو لیسی داســـتان مو ضوع و ګرزی .

دافکارو او اندیښنو تبلیغ له هری لیاری چی وی دزیار ایستونکو د ښیګڼو پـــه در شـــل کی و ی . اودا کار خورا ضرور دی ځکه دهغه حکومتو نو د جنډی لاندی چی هلته هر څه داستثمار ګرو په خدمت کی وی ، اندیښنه او فکر چټی کار تلقی کیږی ، په دغسی هیوادونو کی هر کار سپك ګڼل کیږی .

د ټو لنی د کښته پو ړی پـه وړاندی ګټو د فعالیت دانسانانـــو دلومړنی ضرورتو نو دبرابرو لو لپه ، دویاړ ونو سپکوا لی، او هغه ویاړ نه چی دخلکو په وړاندی کښمل کیږی د داسی هیواد څخه دفاع‌کوی چی هلته پکی پخپله له لو ږی مری، هغه حکمران ته بی اعتقا د ی چـی ټولنه د تبا هی کندی ته ورسموی. دغه کار ته بی اعتقا دی چی انسانانو ته هیڅ فایده نه‌لری ، په دغه جبر باندی اعتراض چی و لی انسان خراب ژوند کوی .

کورنی ته پوره بی پروا یـی کله چی هیڅ فایده هغی ته نـــــه ور رسیږی ، په داسی هیوا دونو کی وږی خلك په چټیاتو تورن وی‌اوهغه څوك چی هیڅ نه لری اودفاع تری نه کوی په بی اهمیتی تورن دی . اوهغه څوك چی د حکمرانا نو پـــه باب شك لری . هغوی په خپل قو ت شکمن بو لی ، هغوی چی دخپل‌کار اجوره غواړی په لټی تورن دی . او داسی نور ، په داسی حکو متو نو کی اندیښنه او تفکر په پوره ډو ل خیانت بلل کیږی ، مفکوره په هیڅ ځای کی نه ښووله کیږی او که په اند که ډو ل چیر. ته سودا پور تـــه کړی مخه یی نیول کیږی .

داسی لیاری چی ســـــړی دمفکوری دبر یالیتو ب په باب فکر کوی په هغه ځایو کی‌چی لو یـــان ضرورت ور ته لری لکه داندیښنی بری سړی په نظا می او فنی‌پوهنو کی و پلټنی ، په هغه تشکیلا تو کی چی دو ړیو انبارو نه ډیر کلو نه پاتی وی یا دمصنو عی ټوکراختراع اندیښنی او مفکوری ته ضـــرورت لری . زموږ په دو را ن کی چی ظلم اوبی عدالتی د خلکو داستثماریدلو په خدمت کی دی (داکثر یتی پوړی) دبلی طبقی په لاس کی دی داقلیت) پرته له‌دی چی اجتماعی زمینه په‌هر ځای کی ښکاره شی . بله چـــاره نشته ، د حقیقت د لاری مبارز یــن کو لی شی داسی ځای پیدا کړی. چی ددښمن په نظریو څه پټ وی، اساسی مسا له داده چی تعلیـــــم ور کو لو کی اصو لی اندیښنــــــه وکړی . هغه رو ش چی په هر ځای او هر کار کی داسی ا ړخ و پلټی‌چی بدلو ن مو می او بدلو ن پکـــــی راوستل شئ ، مستبد حکمرا نا ن دبدلو ن سره ضدیت لری . غواړی چی دامکان په صورت کی د جها ن کارونه او شیان د زرها ؤ کلو نو په دوران کی لکه چی‌اوس څرنګه دی همداسی‌دهغوی په‌نظر پاته‌ښی .ښه داده چی سیوږ می د حرکت څخه‌ودریږی او لمر په خپل ځای کی ثابت پا ته شی ، که دا سی وشی نو هیڅو ك به وږی هم پاتی نه شی.او دشپی ما ښام ته به هم بی نیازه وی .

که هغوی توره له تیکی‌راوایسته نو دښمن باید د ځواب حـــق ونه لری . **اودا حق باید دهغوی دپاره** سرته و رسیږی . دتجر بی هغـــه **میتود چی دکارونو دنا بودی آوازیی** پورته کړی دی. هغه درسته‌وسیله **ده چی خواری کښانو ته زړه ورتوب** ور ښښی . یوه بله خبره‌چی‌فاتحانو ته **وسپارله شی داده چی په هر ځـــای** اوهر کار کی ضدیت پیدا کیږی ، او پرمخ ځی، د تجر بی میتود یعنی **دیا لکتیك چی د شیانو او کارو نو دپیژندنی لړی را ښی امکان** لر ی **دهغه** مو ضو عا تو په څیړ نه کی‌چی یو وخت د رهبرانو له نظره پـــټ پاتی شوه داستفادی او عمل لاندی ونیوه شی دا میتود موږ په‌بیالوژی او کیمیا کی هم پکار و لی شو او **کولی شو چی‌پر ته له ستری‌رسوایی** څخه دکورنیو د را تلوونکی دوران په را سپړ لو کی تری ګټه واخلو، دیو کار ا ړیکه دبل سره چی هر وخت په تغییر کی‌دی،ددیکتاتورانو په نظر کر غیږ نه اندیښنه ده چی‌په مختلفو ډو لونو یی طر حه کو لی شو . او له پو لیس سره زموږلانجی ته ضرورت نشته .

داو ضاع ، احوال و ګـــو ر و فعل او انفعا لاتو سمه څیړ نه په‌دقت سره چی یو سګرټ څر څوونکی له هغه سره سرو کار لری ، ممکنه ده چی دیکتا تور ته کلکه ضر به وی. په لږ فکر سره علت موندی شی. هغه حکومتو نه چی دخلکو پر ګڼی د خو شبختی پسی بیا یی ، باید له دی فکره چی خلك د حکومت دلاسه دخپلی بد بختی په باب سوچ و کی مخه ونیسی ، هغوی چی دناو ړه قضا په باب څه وایی نو که عیـــب وی په ناوړه قضا کی نه په حکو ـ متونو کی ، هغه څوك چی دکارونو دخرا بی په علت ونو پسی ګ رزی، پرته له دی چی د دوی پلټنه‌حکومت ته و رسیږی د زندان د تورو تبنو څخه دننه کیږی. خو کیدای شی په کلی ډول د حاکم سره مخالفت‌وشی اودناو ړه قضا په مورد کی ناو ړه مروج شیان و وایی او په دا ګه یی کړی . چی بدسر نو شت د نـــورو خلکو کاردی په خاطر چی حقیقـــت خپور شی تدبیرو نه لازم دی .

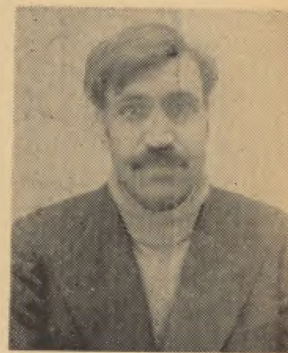
لنډیز ا ونتیجه :ـ

زموږ دوخت ستر حقیقت چـــی په‌هغه باندی یوا ځی پوهیدل‌مشکل له منځه نه وړی ، خو پر ته له هغه هم‌بل هیڅ حقیقت پیژند لی نه‌شو دادی چی زموږ نړی دو حشت پـــه کندو ور سمه ده ځکه د تو لیـــدی وسایلو مالکیت په زور او جبـــر سره ساتل کیږی ددی خبری زړه ورتوب چی آیا موږ په و حشت کی غرق یو (یو حقیقت دی) څه فایده لری که ددی خبری علت چی و لی موږ په دی و ضع کی بند پا تی یو پوره نه برسیره کیږی ؟ موږ باید ووایو چی که فساد راو لی. نـــو دما لکانه ا ړیکو د ساتنی په خاطر

یعنی هغوی چی د فساد او کړاو مخالف دی په دی سبب چـــی ګمان کوی پر ته له فساده هم‌کیدای شی ما لکانه ا ړیکی وساتی « او دا غلطه ده» موږ باید حقیقت ووایو هغه وحشت نا که و ضعه چی زموږ په هیواد (دلیکوال هیواد المان‌دی) حاکمه ده دهغه عمل پوری چـــــی وحشت له منځه و ړی، امکان ولری، یعنی هغه عمل چی ما لکانه ا ړیکی له منځه یو سی، موږ باید دا حقیقت هغوی ته و ښا یو چی له هر چـا زیات دمالکانه ا ړیکو څخه پـــــه کړاو وی او له هر څه دمخه دهغی په بدلو ن کی خپله فایده و ینـــی یعنی دکار خاو ندانو او هغه چا ته چی د دوی و حدت غواړی . ځکـــه دتو لید دوسایلو خا وندا ن نه دی هو ! څو مره چی د هغوی په ګټو کی برخه لری او پنڅمه خبره دا چی په تدبیر سره کارو شی .

دا پنځه ستونز ی باید مو ږ په یو وخت کی حل کړو ځکه ممکنه‌نه ده چی په وحشت آمیزه و ضع کی حقیقت و پلټو او هغوی چی له‌دی وضعی څخه په کړاو دی. اندیښنه ونه کړو ، کله چی پر له پسی دوه زړه توب له منځه و ړو او وا قعـــی اجتماعی ارتبا طات دهغو په نظرچی ددی خبر تیا نه په استفاده سره آماده وی و پلټو، باید دا فکر هـــم وکړو چی حقیقت باید په هغه‌صورت چی هغه شان ښکاره کړو چـــــی دسلاح په څیر دهغوی په لاس‌ورشی او په عین حال کی. متو جه او سو چی زموږ تد بیر داسی وی چی‌زموږ کار ددښمن له خوانه کشف اونشی نه شی . څرنګه چی بهتره او ښــه اشکال دادی نو ددی ضرورت پـــه اساس لیکوال باید حقیقت ووایی او دهغه و جود ضروری دی .

همکاران مجله ژوندون



عبدالرحیم مدیر شعبه صحافی مطبعه دولتی که‌درقسمت صحافت مجله‌ژوندون همکاری جدی‌می نماید.



مسعود شمس کمره‌مین را دیو تلویزیون که‌درتهیه عکس های‌رنگی برای مجله ژوندون همکاری‌مینماید.

د۲۱ مخ پاتی

پسرلی اودهغه ذکر...

لنډی د پښتو ادب یوه ډیره درنه او غوره برخه ګا کی. مشخص ویوونکی یی معلوم نه دی او نه په‌ځانګړی جنس پوری اړه لری لنډی په ولس پوری اړه لری او د ولس‌شتمنی ده د لنډ یو زیا ته برخه په ښځو پوری اړه لری چی هغوی‌ورته‌ګکی وایی داځو لنډی دپسرلی په باره کی ویل شوی دی .

پسر لی را غی گلان ډیر شول   داوربل‌گل به‌خپل‌آشنا لره‌وروړمه
پسرلی راغی و نی شنی شوی   زما دزړه ونی بڼلی و هلی دینه
پسر لی را غی و نی شنی شو ی   زمانابناد زړګوټی واوری اوروینه
پسر لی زما په نیمه خوا شو   زمایه شناختو پوری وتړی‌گلونه

ومو ویل چی دپسر لی ذکر به‌چار بیتو کی هم و ځیړو دا لاندی اته مسری زنځیری چار بیتی په‌یوی‌برخه کی میر هزاره شاعر پسر لی داسی ذکر کړی د ی :

مو سم دپسر لی دی شگو نی شو ی‌دهن واز ی
ک وکی په برخه تری
سیلو نه دبلبلو زا غ کنار گر ځی‌پواز ی
راوختی کو تری .
راکوز شه له دما غه باری ځو به په‌هوا ځی
خاکی بنده بشر یی .
تل وایه « میر هزاره » دا خواږه، خواږه بیتونه
دعشق په ښه منبر .

سرو کی او نیمکی زمونږدو لسی ادب یوه ډیره شتمنه برخه ګا کی لکه څرنګه چی لنډی کـــوم‌مشخص ویونکی نه لري دغه‌سروکی هم مشخص ویونکی نه لری بلکه په‌ولسی پوری اړه لری دا لانـــدی سرو کی پسر لی ډیر یاد شوی‌دی.

سر :

گل په دا ما نونه، پسر لی‌راغی،جنکو ر اوړه په اور بل کی‌زیږگلونه گل په دا مانونه :

سر په لنډی کی :

گله خزاڼ در باندی راشه روی‌گل ، گل په دا ما نونه ــ چی‌بلبلان دی بینوا شي لی دینه وی گل‌ـگل‌به دا ما نونه ــ پسر لی راغی ،جنکو راو ړه په‌وربل کی زیږ گلو نه وی‌گل‌ـگل په دا مانونه ...

دا ؤ د پسر لی ذکر په پښتوشعر او شاعری کی هیله ده چـــی د گرانو لوستو نکی اد بی تنده به‌یی ما نه کړی وی که څه هم زما دا ځیرنه هر اړ خیزه نه ده هیله ده‌چی ومنل شی .

دوهمه برخه

دمعیوبو کسانو حقوق

ــ معیوب کسان حق لری چی خپلو کورنیو سره وا وسیږی، یا له هغو کسانو سره ژوند و کړی چی دوی یی داولاد په ځیر نیو لی وی، او په ټولو اجتماعی ، تخلیقی یـــا دساعت تیریو په فعالیتو نو کـــی گډون و کړی . هیڅ یو معیو ب‌کس باید تر هغه ځایه چی دهغه یادهغی په هستو ګځی پوری اړه لری ،دیوه بیل سلوك مورد ونه گرزی ، اوهغه غیر له هغه سلوك څخه وی چی د هغه یا هغی مو قف یی لازم‌گرزوی.

ــ معیوب‌کسان باید داستثمار په مقابل کی ، دټولـــو امتیـــازی او تبعیضی سلو کونو په مقابل کی‌چی دهغو دمقـــام د پـــاره سپـــکاوی او کسر شان وی ، وساتل شی .

ــ معیوب کسان باید د دی قدر ت و لری چی له حقو قی‌مرستی نه استفاده و کړی . او دا په هغه وخت کی چی ددوی د شخصی او ملکیت د پاره د غسی مرسته یـــا با لکل حتمی شوی وی . که داسی وی چی ددوی په ضد حقو قی طرز العملو نه مو جود وی ، هغه حقوقی طرز العمل چی تطبیقیږی ، بایـــد ددوی فزیکی او ذهنی حال په کامل ډول په نظر کی ونیسی .

په ۱۹۷۶ کی عمومی اسا مبلی ددی سپار ښتنی وکړه چی ټول‌غړی دو لتونه ټول هغه پر نسیپو نه او حقوق په نظر کی و لری چی په‌دغی اعلامیی کی ځای شوی دی ، او دا په هغه وخت کی چی دوی خپل سیاـ ستونه ، پلانونه ، او پرو گرامونه وضع کوی . په عین حال کی دغسی اسا مبلی د ۱۹۸۱ کال دمعیو بـــو کسانو بین المللی کال وبا له .

په‌ذهنی لحاظ دمعیوبو اشخا صو حقـــوق.

په ۱۹۷۱ کی‌دملگرو ملتـــــو عمومی اسا مبلی په ذهنی‌لحا ظ د معیو بو کسانو د حقوقو په باب یوه اعلامیه خپره کړه ، او د ملی او بین المللی عمل غوښتنه یی و کړه، چی له دغی اعلامیی نه باید دیوه گـــډ عمل ، او دمرا جعی دیوه چو کاټ په حیث استفاده و شی . چی هغه حقوق خوندی شی ، چی په هغی‌کی یی ذکر شوی دی . عمومی اسامبلی ددغه کار په کو لو سره په ذهنـــی لحاظ له معیو بو اشخاصو ســـره دکومك ضرورت په نظر کی‌ونیوه ، چی دوی د فعالیت په بیلو بیلـــو ساحو کی خپلو استعدا دونو تـــه انکشاف ور کړی او په نور مـــال ژوندانه کی تر هغه ځایه چی ممکنه ده‌یو ځل بیا دا خل شی .

بقیه صفحه ٤١

عایدملی...

پرنسیب‌ها ی علمی عمیق بادر نظر داشت مشخصا ت تاریخی ،جغـرا فیایی وملی کشور ، استفاده موثر ازتما م منابع موجود ، رشدمتناسب وهم آهنگ همه بخش ها ی‌اقتصادی درنظر داشتن نیاز مند ی ها ی‌کشور ومحاسبه عمیق امکانا ت ماد ی و مالی دست دا شته در امر رشـــد اقتصادی وبا لا برد ن سطح زندگی مردم افغانستا ن معیار اساســـی تکمیل پلان و شا خص ها ی عمده آن محسوب میگردد.

* با ابراز سپـاس فـراوان از وقتی که بر ای این گفت و شنود اختصاصی دادید از جا نب همـــه خوانند گا ن ژوندو ن این تنهـــا هفتگی نامه همه خانواده ها ی‌کشور دست شما را صمیما نه میفشا ر م وپیروز ی همه بخش ها ی طـرح ها ی علمی وعمیق پلا نهای‌اقتصادی کشور را آرزو میکنم لطفا تشکرات مارا قبول کنید .

** من هم‌موفقیت شما راو همه وسایل ارتبا ط جمعی را در امـــر آگاهی رسا نی بیشتر به مـــرد م افغانستان و ایفا ی رسا لتی که‌به عهده دارند آرزو دارم .

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد ز مـان نیکـرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری واټ‌ـجوارریاست مطابع دولتی ــ کابل
تیلفون مدیر مسوول : ۲٦۸٤۹
سوچبورد : ٥٥ ــ ۲٦۸٥۱
تیلفون ارتباطی دفتر : ۲۱
تیلفون توزیع وشکایات ۲٦۸٥۹

حماسه‌ی آرش کمانگیر

پیوسته بگذشته

یادآوری :

باپوزش از خوانندگان عزیز . این نوشته به نسبت تراکم مضامین از شماره اول سال بازماندکه حال دنباله آنرا مطلعه میفرمایید .

اداره

آرش از مرگی‌که آمیخته باسکوت باشداز مرگهای زیرلحاف اوبه پیشواز مرگ میرود تازندگی رانجات دهد نیکی هارا باز گرداندو بدی هارا به گورستان نیستی بسپارد.

نیایش را دوزانو بر زمین بنهاد

به سوی قله ها دستان زهم بکشاد

برا، ای آفتاب ، ای توشه ی امید.

برا، ای خوشه ی خورشید .

تو جوشان چشمه ای من تشنه‌ای بیتاب

برا ، سر ریزکن تاجان شود سیراب

چو پاد رکام مرگی تند خود آرم

چو در دل جنگ با آهریمن پر خاشجو دارم

به موج روشنایی شتشو خواهم

ز گلبرگ توای زرینه گل من رنگ و بو خواهم

شما ای قله های سر کش خاموش

که پیشانی به تندر های سهم انگیز می سائید .

که برایوان شب داریدچشم انداز رویایی

که سیمین پایه های روز زرین رابه روی‌شانه می کوبید .

که ابر آتشین رادر پناه خویش می گیرید

غرور و سر بلند ی هم شما راباد

امیدم را بر افرازید

چوپر چمها که از باد سحر گاهان بسر دارید .

غرورم را نگهدارید .

بسان آن پلنگانی که در کوه و کمر دارید.

آرش کمانگیر دلبسته و پاسدار آیین‌نیاکان است اوبه جان ودل خدمتگزار باغ آتش است خورشید را وآفتاب‌را سخت دوست می دارداو عاشق او جها بلند ی هاو کوهستان هاست. چشمه ساران راو آبادی هاو سر سبزی هارا می ستاید او نخستین سخن را در هنگام ازخورشید و آتش آغاز می کند سفر او سفراز سوی اسارت‌به‌سوی آزادی و از سوی تاریکی به‌سوی خورشید های پاك ودر خشان استاو درکاری که پیش روی دارد از آفتاب و آتشو کوهستان ها یاری می طلبد او از کوهستان های بلند از عقابان آسمان‌پیمامی خواهد که غرورش را نگاهدارند غرور انسانی اورا غرور آریایی اش راکه نمی خواهد در پای‌تورانیان اهل سیاهی و ظلمت پرستان‌بی خرد ریخته شود . او همیشه غرور خود و مردم خویش‌را پاس داشته است . و تاپای جان نیز باخود تعهد کرده است که پاس بدارد .

زمین خاموش بود و آسمان خاموش

تو گویی این جهان‌رابود با گفتار آرش‌گوش

به یال کوهها لغزید کم‌کم پنجه ی خورشید

هزاران نیزه ی زرین به چشم آسمان پاشید .

نظر افگند آرش سوی شهر آرام .

کودکان بر بام دختران بنشسته برروزن

مادران غمگین کنار در

مرد ها در راه

سرود بی کلامی باغمی جانگاه

زچشمان برهمی شد بانسیم صبحدم همراه

کدامین نغمه می ریزد

کدام آهنگ آیامی تواند ساخت .

طنین گامها یی استواری را که سوی‌نیستی مردانه میرفتند

طنین گامهایی راکه آگاهانه میرفتند

دشمنا نش در سکوتی ریشخند آمیز

راه واکر دند .

کودکان از بامها اورا صدا کردند

مادر ان اورا دعا کردند

پیر مردان چشم گرداندند

دختران بفشرده گرد بند هادر مشت

همره‌ی او قدرت عشق‌و وفا کردند

لحظه ی ایثار فرا رسید لحظه ی قربانی بزرگ. آرش بر بلندجایی‌رفت برفرازالبرزکوه «آن مشت درشت روز گار . »

نگاهی خاموش و مبهوت به سوی شهر انداخت دختران جوان رادید که دل‌هایشان‌می تپید و برروزن‌هانشسته بودند به سر نو شت میهن خویش وآرش می اندیشیدند ما درآن غمگین را کنار در ها دیدکه بیتابی ونا قراری می کردند مرد ها رادید که یگان‌یگان ودوتاو سه تاباهم گپ می‌زدند. به سر نوشت آرش وکشورآزادگان می اندیشیدند نگاه های رامی دیدکه‌باهم ردوبدل می گردیدند خاموش بودند اما صدزبان داشتند . آرش همه‌ی دست هارا یك دست می دید همه‌ی آوازها رایك صدا دامنه‌ی البرز کوه وشهر پر از صداها شده بودندپرازشوروهیاهووهورا. اوسایه‌هایی‌رامی دیدکه به سوی او می آمدند اورا یاری می کردند . به شور و شتاب و ایثارش وا می داشتند .

آرش راهی که در پیش گرفته بود به آن ایمان داشت وعقیدتی خلل ناپذیر وراستین

آرش نخستین گام رابه سوی قربانگاه‌گذاشت به‌سوی قربانگاه هستی ساز و زندگی آفرین. دشمنان هنوز به پیروزی آرش باور نداشتند

اورا ریشخند و استهزامی کردند. دشمنان افراسیابیان پاسداران‌بیداددر سکوتی ریشخند آمیز برای آرش راه راباز می کردند «لحظه‌ی دیدار نزدیك بود همه را دل ودست می لرزید.» باری شهر و کوهستان را شوری بزرگ فرا گرفت صدا هانام‌آرش را تکرار می کردند . باد نام آرش رابه دور دست ها می‌برد کوهستان صدا های زنده باد آرش‌را بازتاب می دارند: «کودکان اورا از بامهاصدا کردند و مادر انش دعا کردند . »

«آرش اما همچنان خاموش از شکاف دامن البرز با لارفت و از پی او پرده های اشك

پی در پی فرود آمد. دو باره به قصه‌ی «عمونوروز» گوش می کنیم که ساده ترازهر تفسیری است و گویاتراز هر تحلیلی. واین

یاد داشت هارا با قصه‌ی پیر مرد پرداخته‌ی سیاوش کسرایی که بهترین پایان هاوشیوا ترین «حسن ختام» هاست به پایان می بریم .

بست یکدم چشمهایش را عمو نو روز

خنده بر لب غرقه در رویا

کودکان با دیدگان خسته و پی جو

در شگفت از پهلوانی ها

شعله های کوره در پرواز

باد در غوغا

شامگاهان

راه جویانی که می جستندآرش رابه روی قله‌ها پی گیر

باز گردیدند

بی نشان از پیکر آرش با کمان‌و ترکشی بی تیر

آری آری جان خود در تیر کرد آرش

کارصدها صدهزاران تیغه‌ی‌شمشیر کردآرش.

تیرآرش را سوارانی که می راندند بر جیحون .

به دیگر نیم روز ی از پی آن روز

نشسته برتناور ساق گرد وپی فرو دیدند

و آنجا را از آن پس

مرزایرانشهر وتوران باز نامیدند

آفتاب .

در گریز بی شتاب خویش

سال ها بر بام دنیا پاکشان سرزد .

ماهتاب

بی نصیب‌ازشبر وی هایش همه خاموش

دردل هر کوی و هر بر زن

سر به هر ایوان وهر درزد

آفتاب وماه رادر گشت

سال ها بگذشت

سال ها وباز

در تمام پهنه‌ی البرز

وین سراسر قله ی مغموم و خاموشی که می بینید .

واندرون دره های برف آلودی که می‌دانید

رهگذر هایی که شب در راه می مانند

نام آرش راپیاپی در دل کهسار می خوانند

ونیاز خویش می خواهند

بادهان سنگ های کوه آرش می دهدپاسخ

می کند شان‌ازفراز واز نشیب جاده هاآگاه

می دهد امید

می نماید راه

در برون کلبه می بارد

برف می بارد به روی خارو خاراسنگ

کوهها خاموش

دره ها دلتنگ

راه هاچشم انتظارکاروانی باصدای زنگ ..

کودکان دیری است در خوابند

در خوابست عمو نوروز

می گذارم کنده ای هیزم در آتشدان

شعله بالامی رود پر سوز ..

ختم

دولتی مطبعه











قیمت یك شماره (۱۳) افغانی